

ما لَابَدَ مِنْهُ
احكام و مسائل فقه حنفی به زبان ساده

تالیف:
علامه قاضی ثناء اللہ پانی پتی (م 1225ھ. ق -
1810م)

همراه با ضمیمه‌ی: حج و عمره‌ی آسان
تسهیل، ویرایش، عنوان‌گزاری و ضمیمه‌ی حج
از:
ابو الحسین عبد المجید مرادزی خاشی

مشخصات کتاب

نام کتاب: مالابد منه .
تأليف: علامه قاضي ثناء الله پاني پتي .
ویرایش و تسهيل: ابوالحسين عبدالمجيد مراد زهي
خاشي .
ناشر: انتشارات فاروق اعظم .



سني بوک - کتابخانه مجازی اهل سنت

www.SunniBook.net

فهرست عناوین

عنوان

صفحه

پیشگفتار چاپ هفتم	11
آنچه در این کتاب بخصوص در این چاپ انجام	
گرفته است	13
کتاب الایمان	15
عقیده ی یک مسلمان	15
اهمیت نماز	26
کتاب الطهارة	29
فرايض وضو	29
سنتهاي وضو	29
مسح موزه ها	30
دعای بعد از وضو	30
چیزهایی که وضو را باطل می کنند	31
غسل	32
فرايض غسل	32
سنتهاي غسل	32
آنچه غسل را واجب می کند	32
حد اقل و حد اکثر مدت حیض:	33
حکم حیض و نفاس	34
بیان نجاست	34
نجاست خفیفه	34
نجاست غلیظه	35
حکم نجاست غلیظه	35
پس خورده ی حیوانات	35
انواع آبها و حکم آن	36
آب جاری	37

37	آب راکد
37	افتادن حیوان در چاه
38	تیمم
39	فرايض تیمم
41	کتاب الصلوة
41	اوقات نماز
42	شرایط نماز
44	نیت در نماز
44	ارکان نماز
44	تکبیر تحریمه
44	قعه اخیره
44	خواندن قرائت قرآن
44	قیام، رکوع، سجده
45	گذاشتن بینی و پیشانی
45	مقدار قرائت
45	ترتیب در ارکان نماز
45	واجبات نماز
46	فرق فرض و واجب
47	نماز با جماعت
47	مستحق امامت
48	تذکر
48	چگونگی ادای نماز
49	سنت در قرائت
53	تسبیحات فاطمی
53	پیش آمدن حَدَث در نماز
54	مسائل معروف دوازده گانه
57	طریقه ی قضای نمازهای فوت شده
57	ترتیب در نمازها
58	آنچه نماز را فاسد می کند

60	آنچه در نماز مکروه است
61	بیان حکم مریض
62	احکام سفر
63	آغاز و پایان حکم سفر
63	اقسام وطن
64	قضای نماز در سفر
64	سفر معصیت
64	نماز جمعه
64	شرایط نماز جمعه
65	خطبه‌ی نماز جمعه
67	بیان نمازهای واجب غیر از نمازهای پنجگانه
68	روش خواندن نماز عید
69	تکبیر تشریق
69	سنن و نوافل
69	نماز تهجد
71	نماز اشراق، ضُحی، تراویح و تحیة المسجد ...
72	نماز استخاره
73	نماز توبه
73	نماز حاجت
73	نماز تسبیح
74	نماز کسوف
74	طلب باران
75	شروع نماز نفل
76	سجده‌ی تلاوت
78	کتاب الجنائز
78	نحوه‌ی غسل میت
78	نحوه‌ی تکفین میت
79	طریقه‌ی ادای نماز جنازه
81	احکام شهید

82 ماتم و عزاداري
83 زیارت قبور
84 سجده بر قبور
85 کتاب الزکاة
85 زکات بر چه کسی فرض است؟
86 نیت در زکات
86 زکات اموال نامیه
87 نصاب شتر در بحث زکات
89 یادآوری
90 نصاب گاو
91 مستحق و مصرف زکات
91 صدقه‌ی فطر
92 مقدار صدقه‌ی فطر
92 صدقات نافله
94 کتاب الصوم
94 انواع روزه
95 نیت روزه
95 رؤیت ماه
96 روزه‌ی روز شك
96 قضا و كفاره
96 موارد وجوب قضا و كفاره
97 موارد وجوب قضا
98 موارد عدم وجوب قضا
100 روزه‌ی مریض و مسافر
101 روزه‌های نفلی
101 روزه‌ی شش روز شوال
101 روزه‌ی سه روز هرماه
101 روزه‌ی روز عرفه و عاشورا
102 کراهیت صوم دهر و صوم وصال

102	اعتكاف
104	كتاب التقوي
104	بيان خوردنيها
105	آداب غذا خوردن و آب آشامیدن
106	آداب لباس
107	بيان وطى و دواعى آن
109	آداب كسب و تجارت
109	معامله‌ي باطل
110	حكم معامله‌ي باطل
110	معامله‌ي فاسد
110	حرمت ربا
112	اجاره‌ي فاسد
113	كم فروشى
113	نيرنگ در معامله
114	بيع مرابحه و بيع توليه
115	معاملات غير جايز
115	1- بيع نَجَش
116	2- معامله بر معامله‌ي ديگران
116	3- تَلَقَّى الْجَلْب
116	4- بيع الحاضر لِلْبَادِي
116	5- معامله بعد از اذان جمعه
117	احتكار
118	آداب زندگى، حقوق الناس و بعضى از گناهان
118	مسابقه و جوايز آن
118	طعام وليمه
119	رقص و سرود
119	اخلاص و تصحيح نيت
119	غيبت، سخن‌چينى و بدگويى
120	دروغگويى

121	رجوع به شریعت
121	خود بزرگبینی
122	بازیهای بیهوده
122	امر به معروف و نهی از منکر
123	مشابَهت مردان و زنان
123	حقوق مسلمان
124	انواع گناهان
124	گناهان کبیره
126	تعریف از شخص فاسق
126	نشانه‌های منافق
126	تراشیدن و کوتاه کردن ریش
126	حقوق شوهر
128	کتاب الحج
128	تصویر داخل خانه کعبه
130	خانه‌ی کعبه
131	حجر اسود
131	مسجد الحرام
132	توسعه‌ی مسجد الحرام در طول تاریخ
133	فرضیت حج و حکمت مشروعیت آن
134	حکمت مشروعیت حج
136	فضیلت حج
137	شرایط فرضیت حج
138	شرایط صحت حج
138	ارکان حج
138	واجبات حج
139	سنت‌های حج
140	انواع حج
141	چگونگی ادای حج طبق برنامه‌ی روزانه
141	آمادگی سفر

142	مواقیت احرام
143	احرام و چگونگی آن
143	سنتهای احرام
144	ممنوعات احرام
144	احرام زن
144	ورود به مکه
145	طواف خانه ی کعبه
146	سنتهای طواف
146	سعی بین صفا و مروه
147	سنتهای سعی
148	خروج از احرام برای مُعْتَمِر و مُتَمَتِّع
149	ماندن در مکه
149	روز ترویج (هشتم ذی الحجه)
150	روز عرفه
150	وقوف به عرفات
151	شب گذرانی در مُزْدَلِیْه
152	گرد آوری سنگریزه ها از مزدلفه
152	حرکت به سوی مِنی
152	روز عید
152	رمی جمرة العقبة
153	قربانی (دم شکر)
153	حلق یا تقصیر
153	طواف زیارت
154	خروج از احرام
154	ایام تشریق و اعمال آنها
154	رمی جمرات سه گانه
154	رمی روز دوازدهم
155	طواف وداع
157	آداب اقامت در مدینه

158	زیارت اماکن خاص در مدینه‌ی منوره
159	وداع با مدینه
160	عمره و چگونگی ادای آن
160	زمان عمره
160	فرائض عمره
161	واجبات عمره
161	چگونگی ادای عمره
162	هَدی
162	انواع هَدی
163	جنايات و جریمه‌های آن

پیشگفتار چاپ هفتم

سپاس بیکران ذات با عظمت و خالق دو جهان را و درود و سلام بر امام الأنبياء، برگزیده بارگاه ایزدی، حضرت ختمی مرتبت محمدبن عبدالله و بر اهل بیت و یاران جان نثار و اصحاب اخیارش من الیوم إلی یوم الدین.

رساله‌ی حاضر کتابی است در فقه حنفی که توسط حضرت مولانا قاضی ثناءالله پانی پتی رحمہ‌الله، یکی از دانشمندان و بزرگان معروف هندوستان تألیف شده است.

وی یکی از علمای زبده و شخصیت‌های علمی والامقام سرزمین هند بوده که در هفت سالگی قرآن کریم را حفظ نموده و در سن شانزده سالگی از علوم اسلامی فارغ التحصیل شد. در دوران تحصیل، علاوه بر کتب درسی، حدود سیصد و پنجاه عنوان کتاب را مطالعه کرد و از محضر مرشد والای وی، حضرت میرزا مظهرجان جانان رحمہ‌الله لقب «عَلْمُ الْهُدَى» و از محضر حضرت شاه عبدالعزیز محدث دهلوی؛ لقب «بی‌هقی وقت» به او داده شد.

در تمام مدت زندگی در افاضه‌ی فیض ظاهر و باطن و نشر علوم، حل و فصل اختلافات و افتاء مصروف بود. در علم تفسیر، فقه، کلام، تصوف و عرفان تبحر خاصی داشت و بیش از سی عنوان کتاب و جزوه در زمینه‌های مختلف تألیف نموده که معروفترین آنها تفسیر قرآن «التفسیر المظهری» گنجینه‌ی تحقیقات علمی و فقهی وی است.

پس از سپری کردن عمر پر برکت خویش در راه خدمت به اسلام و فرهنگ مسلمین، در اوایل ماه رجب سال 1225) هجری قمری) دار فانی را وداع گفت.

یکی از کتب معروف وی همین کتاب «مالابدمنه» در فقه حنفی است که به زبان فارسی در پی رشته‌ی تحریر درآمده و در مدارس دینی احناف تدریس می‌گردد. از سوی شورای هماهنگی مدارس علوم اسلامی استان سیستان و بلوچستان به بنده پیشنهاد شد که چون کتاب «مالابد منه» به نثر فارسی قدیم رایج در هند نگاشته شده و بر اثر نا‌مانوس و هندی بودن بعضی از کلمات و اصطلاحات آن، در حال حاضر استفاده از آن برای مبتدیان و فارسی‌زبانان امروز مشکل می‌نماید، لذا بهتر است به فارسی ساده‌تر برگردانده شود. امری که در محافل و مراکز علمی امروز معمول و مروج است.

این امر مهمی بود ولی با توکل به خدای متعال و استعانت از وی آن را شروع کردم بطوری که برای خوانندگان گرامی مشهود است، به پایان رساندم، و پس از چاپ چهارم آن در یکی از جلسات شورای هماهنگی مدارس علوم اسلامی که در محل حوزه‌ی علمیه دارالعلوم زاهدان منعقد شده بود، به عنوان متن درسی شورای هماهنگی به جای نسخه‌ی قدیم آن تصویب گردید و بازنگری آن برای رفع اشکالات احتمالی و حصول اطمینان بیشتر، به جناب مولانا دین محمد درک‌زهی از علمای محقق منطقه واگذار گردید که ایشان با دقت تمام بازنگری و مواردی را برای اصلاح به بنده اعلام نمود که در چاپ‌های بعدی اصلاح گردید.

این کتاب تا به حال شش بار به چاپ رسیده و با استقبال بی‌نظیر اقشار مختلف مواجه شده است. اینک با تجدید نظر و اصلاحات لازم برای چاپ هفتم آماده می‌شود.

آنچه در این کتاب بخصوص در این چاپ انجام گرفته است:

- 1- در اصل کتاب، نظر چهار امام اهل سنت در مورد بسیاری از مسائل بیان شده ولی با توجه به اینکه بیشتر استفاده کنندگان این کتاب مبتدیان و نوآموزان و عامه‌ی پیروان فقه حنفی هستند که از اختلاف مذاهب، فلسفه و استدلال آن، آگاهی ندارند و طرح چنین مسائلی باعث سرگردانی و تذبذب مذهبی‌شان در مسایل فقهی می‌شود، لذا نظر دیگر ائمه حذف گردید و بر ذکر مذهب امام اعظم ابوحنیفه: بسنده شد و سعی به عمل آمد تا نظر «مفتی‌به» (نظر معتبر و قابل استفتاء) فقه حنفی بیان شود.
 - 2- بعضی از مسایل فقهی که مشکل و مفصل به نظر رسیدند و در حد فهم مبتدیان و خیلی ضروری هم نبودند، حذف گردیدند.
 - 3- سعی شده تا با باقی ماندن اصل مسئله، صورت آن با عباراتی سهل و ساده بیان شود و چنانچه نیازی به توضیح بوده در پاورقی و یا داخل قوسین (پرانتز) توضیح آن ذکر شده است و آنچه انجام گرفته جنبه‌ی تسهیلی و تلخیصی دارد.
 - 4- بحث زکات سوائم (حیوانات) در اصل کتاب ذکر نشده و مؤلف رحمه الله علت آن را چنین بیان کرده که: «چون این حیوانات در سرزمین هند به حادی که زکات در آنها لازم شود، وجود ندارند، لذا از بیان احکام آنها صرف نظر شد».
- اما چون در مناطق ما اینگونه حیوانات به حد وافر موجودند و دانستن نصاب زکات آنان لازم است، این نصاب در متن کتاب افزوده شد.

5- با توجه به اینکه حج یکی از ارکان و فرایض پنج گانه‌ی اسلام است و در این کتاب بحث حج آورده نشده و مؤلف مرحوم علت نیاوردن آن را چنین بیان داشته که: در هندوستان در آن زمان افرادی که واجد شرایط حج باشند تعدادشان بسیار اندک بوده، ضرورتی برای ذکر بحث حج در این کتاب احساس نشد لذا از بیان آن صرفنظر گردیده است.

ولی در حال حاضر که سفر حج و عمره در دیار ما به کثرت صورت می‌گیرد، لازم است مردم از احکام و مسایل آن، آگاهی داشته باشند. به همین منظور لازم دانستم ضمیمه‌ی حج و عمره را در آخر کتاب به صورت مختصر اضافه کنم.

6- در اصل کتاب، کلمات و واژه‌های متعدد هندی به کار رفته بود که معادل فارسی آن انتخاب گردید.

در پایان، از صاحب‌نظران و خوانندگان محترم استدعا می‌شود تا هر گونه اشتباه و تسامحی را به بنده اطلاع دهند تا ان شاء الله العزیز در چاپهای آینده اصلاح گردد.

به امید اینکه از دعای خیر فراموش نفرمایند.

ومن الله التوفيق وإليه المآب، حسبنا الله ونعم الوكيل

أبوالحسين عبدالمجيد مرادزهی خاشی

24/2/1415 هـ. ق.

کتاب الایمان

عقیده ی یک مسلمان:

حمد و ستایش از آن ذات مقدسی است که با وجود بی‌چون خویش موجود است و همه‌ی عالم به ایجاد او از کتم عدم به عرصه‌ی وجود آمده و در بقا و وجود خود، به وی محتاج است. ذات مقدس و منزهی که به هیچ چیز نیازمند نیست.

عقیده : 1

خداوند عالم، یگانه در ذات و صفات و افعال است.

احدی در هیچ امری با وی شریک نیست. وجود و حیاتش شبیه و مانند وجود و حیات جهان نیست.

«علم»، «سمع»، «بصر»، «اراده»، «قدرت» و «کلام» او را با علم، سمع، بصر، اراده، قدرت و کلام مخلوقات، شباهت و مماثلتی نیست. جز مشارکت اسمی و لفظی در صفات، شریک و همجنسی هم ندارد.

عقیده : 2

تمام صفات او متعلق به ذاتش و قدیم‌اند. مثلاً «علم» صفتی است قدیم برای خداوند جل و علا و انکشافی است بسیط که معلومات ازل و ابد با احوال متناسب و متضاد کلی و جزئی با اوقات مخصوصه‌ی خویش با آن صفت برایش نمایان و هویدا است.

عقیده : 3

کلام خداوند، کلامی است بسیط که تمام کتابهای نازل شده بر پیامبران، تفصیل و شرح همان کلام‌اند. «خلق و تکوین» هم مختص ذات بی‌چون خداوند متعال است.

عقیده : 4

«مُمْكِن» نمی‌تواند به وجود آورنده ای ممکن دیگر باشد.

تمام ممکنات چه جوهر و چه عرض و چه افعال اختیاری بندگان، همه مخلوق او هستند.

اسباب و واسطه‌ها پرده و روپوش بر فعل او می‌باشند، و در واقع دلیلی بر فعل اویند. چنان که دانشمندان از حرکت جمادات به مُحَرِّکِ آن پی می‌برند و می‌دانند که این حرکت، مناسب حال این جماد نیست، این را فاعلی است و رای خودش.

این سببها در نظرها پرده‌هاست
در حقیقت فاعل هر شیء خداست

نیز عارفان و راهروان راه طریقت که دیدی بصیرتشان با سرمه شریعت، سرمه داده شده، به یقین می‌دانند که «ممكن» نمی‌تواند ممکن دیگر خواه فعلی از افعال باشد یا عرضی از اعراض را به وجود آورد.

آری! فرق و تفاوتی که میان افعال اختیاری و حرکت جماد متحقق است- و ایمان بدان هم واجب- در این است که خداوند بندگان را صورت قدرت و اراده داده است. و قانون خداوند چنین حاکم بر طبیعت است که هرگاه انسان قصد انجام عملی را کند، خداوند آن عمل را بر دست او به و جود می‌آورد.

بنابراین، خداوند را «خالق» اعمال و بنده را «کاسب» آن گویند و چه در کسب عمل، بنده مختار است، پاداش، کیفر، مدح و ذم هم بر آن مترتب خواهد شد. غیر خدا را خالق چیزی از چیزها دانستن هم کفر است.

به همین دلیل بود که پیامبر اکرم ﷺ فرقه‌ی «قَدْرِیّه» را مجوس این اُمّت خواندند.

خداوند عزوجل در هیچ چیزی حلول نمی‌کند، و هیچ چیزی هم در او حلول نخواهد کرد (یعنی: نه حال در شيء آخر و نه محل برای شيء آخر است) بر همهی اشیای عالم با احاطه‌ی ذاتی محیط است و قرب و معیتش به همهی اشیاء تعلق دارد، البته نوع احاطه و قرب در حد فهم قاصر ما نیست. فقط شایسته‌ی مقام کبرایی اوست.

آنچه صوفیان با کشف و مراقبه مشاهده می‌کنند آن نیز، منزّه و مبرا است هر چه مکشوف و مشهود گردد، شبهه و مثالی بیش نیست. آن را در زیر تیغ «لا» نفی باید نمود و بر غیب باید ایمان آورد.

قرب و معیت خداوند نصیب بندگان خاص همانند پیامبران، اولیاء و عامه‌ی مؤمنین هم خواهد شد و این نوع قرب درجات غیر متناهی دارد. مولا نای رومی می‌فرماید:

ای برادر بنهایت درگهیست
هر چه بروی موی موی مایست

مسائلي که در نصوص قرآني و احاديث نبوي ﷺ از قبيل استواء حضرت حق بر عرش، نزول پر برکت وي در نيمه ي آخر شب به آسمان دنيا، ثبوت «يد» و «وجه»، مطرح و ثابت گرديده، بدون هيچگونه چون و چرا بايد آنها را پذيرفت.

نه آن عناوین را بر ظاهر حمل کرد و نه در صدد توجیه و تأویل برآمد، توجیه واقعی‌اش را به علم خداوند محول نمود و با همان صورت اجمالی، بدان ایمان آورد. زیرا هر چند کاوش و قیل و قال در بحث صفات و افعال الهی بیشتر بینجامد، هیچ چیزی جز جهل و تحیر بیشتر عابد بشر

بیچاره بلکه حتی نصیب فرشتگان مقرب بارگاهش هم نخواهد شد. انکار نصوص، کفر است و تأویل آن، جهل مرکب!

دور بینان بارگاه اُست غیر از این پی نبرده اند که «هست»

عقیده : 7

هر نوع اعمالی که انسان مرتکب آن شود از قبیل: خیر و شر، کفر و ایمان، طاعت و عصیان، همه طبق اراده و مشیت الهی است. البته رضا و خشنودی خداوند به اعمال خیر، ایمان و طاعت بنده متعلق است و وعده‌ی پاداش نیک بر چنین اعمالی داده شده است.

خداوند از کفر و معصیت هرگز راضی و خشنود نخواهد شد، و چنین اعمالی وعده‌ی کیفر داده و انواع عذاب‌هایی مقرر فرموده است. اراده و رضا با هم فرق دارند، نمی‌بایست در اشتباه واقع شد و این دو را در هم آمیخت.

عقیده : 8

هزاران درود و سلام بر روان پاک انبیاء، بزرگترین محسنین و منت‌گزاران بر بشر که توسط آنان، بشر منحرف از جاده‌ی مستقیم، به شاهراه توحید هدایت داده شد. ایمان به حقانیت تمام پیامبران - علیهم الصلوة والتسلیم - امری است لازم و ضروری.

اولین آنها ابوالبشر حضرت آدم علیه السلام و آخرین و برترین آنان حضرت ختمی مرتبت «محمد صلی الله علیه و آله» می‌باشند.

معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سیر و سفرشان از مکه به مسجد الأقصى و آنجا به آسمان هفتم و سدرۃ المنتهی با جسم و جان در حال بیداری حق است و ایمان بدان هم لازم.

همه‌ی کتابهای آسمانی که بر انبیاء ﷺ نازل شده‌اند از قبیل تورات، انجیل، زبور، قرآن مجید، صحیفه‌های ابراهیمی و غیره حق‌اند، و ایمان بدانها لازم و ضروری است.

عقیده: 9

تمام پیامبران ﷺ از هر نوع گناه چه صغیره و چه کبیره معصوم و مبرا هستند و عصمت ایشان با دلایل قطعی ثابت گردیده، هر کسی به عصمت آنها معتقد نباشد، مسلمان نخواهد بود.

فرشتگان، بندگان مقرب خداوند اند و از هر گونه گناه، معصوم و نیازهای بشری دور اند. نیازی به ازدواج، خوردن و نوشیدن و غیره ندارند.

پیام آوران وحی و حاملان عرش‌اند. به هر امری که مأمور شوند، قائم بر آن‌اند و در انجام آن تأخیر نخواهند کرد.

عقیده: 10

فرشتگان و پیامبران با توجه به اینکه اشرف مخلوقات و مقرب بارگاه حضرت ایزد منان اند، لکن همانند سایر مخلوقات هیچ علم و قدرت و اختیاری ندارند، مگر آنچه خداوند به آنها عنایت نموده. مؤمن به ذات و صفات باری تعالی‌اند و در ادراک کُنهِ او با عجز و قصور معترف و در ادای وظایف بندگی به شکر توفیق الهی ناطق!

بندگان خاص خداوند را در صفاتی که مخصوص خداوند است از قبیل بخشیدن، فرزندان دادن، میراندن، زنده کردن، رزق دادن، عالم غیب بودن و غیره را با او شریک ساختن کفر است. هر کس چنین عقیده‌ای داشته باشد کافر خواهد شد.

بعضی از کفار با انکار پیامبران کافر شدند و مسیحیان با پسر خدا قرار دادن عیسی علیه السلام و مشرکان عرب با دختر قرار دادن فرشتگان برای خداوند و معتقد به عالم غیب بودن آنها، کافر گردیدند. پیامبران و فرشتگان را در صفات الهی نباید شریک ساخت و غیر پیامبران را در صفات پیامبران شریک ساختن هم جایز نیست.

عقیده : 11

به جز پیامبران و فرشتگان، احدی از یاران پیامبر و یا اهل بیتش و یا از سایر مؤمنین و ائمه، از گناه معصوم نیست. مقام «عصمت» فقط مختص پیامبران و ملائکه است.

فقط از پیامبر عظیم الشأن باید اتباع و پیروی کرد. کسی دیگر واجب الإطاعة نیست. البته پیروی و تقلید از ائمه دین و «أولی الامر» مسلمان و عادل، در آنچه مخالف با راه پیامبر نباشد، به حکم اتباع از پیامبر صلی الله علیه و آله است. به آنچه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ما را خبر داده است، باید ایمان آورد و بر فرمایشات ایشان عمل کرد و از منهیات باز آمد.

عقیده : 12

گفتار و کردار هر کسی که مخالف با گفتار و کردار پیامبر باشد، باید آن را رد کرد.

عقیده : 13

حضور دو فرشته «مُنْكَر» و «نَکیر» در قبر و بازپرسی از میت حق است. نیز عذاب در قبر برای کافران و بعضی از گنهکاران مسلمان ثابت و حق است.

عقیده : 14

حشر بعد از مرگ روز قیامت، نفخ صور برای میراندن و نفخ دوباره ی آن، برای زنده کردن حق

است. شکافته شدن آسمانها، ریختن ستارگان، درهم پاشیده شدن کوهها، از بین رفتن زمین بعد از نفخه‌ی «أولی»، بیرون آمدن مردگان از قبور خویش، و موجود شدن عالم با «نفخه‌ی ثانیه»، پس از معدوم شدن آن، ثابت و حق است.

عقیده : 15

حساب روز قیامت، وزن اعمال در ترازوی مخصوص، شهادت اعضای بدن علیه مجرمان و خطاکاران، گذشتن از پل صراط که از شمشیر برنده‌تر و از مو باریک‌تر است و از بالای دوزخ می‌گذرد، حق است.

بعضی از عابرین بر پل صراط مانند برق با سرعت عبور می‌کنند.

بعضی مانند باد و بعضی مانند اسب تیزرو و بعضی آهسته و بعضی در دوزخ سقوط خواهند کرد. خلاصه، هر کس بر حسب اعمال خودش از آن عبور می‌کند.

عقیده : 16

«شفاعت» پیامبران و اولیاء و نیکوکاران به إذن پروردگار برای خطاکاران حق است.

حوض کوثر که حضرت پیامبر اکرم ﷺ از آن خبر داده است، آبش از شیر سفیدتر و از عسل شیرین‌تر است. در اطرافش کوزه‌هایی پر از آب مانند ستارگان وجود دارد، هر کس از آن بنوشد، هرگز احساس تشنگی نمی‌کند.

عقیده : 17

بر حسب قانون و ضابطه‌ی خداوند، کسانی که مرتکب گناه کبیره شوند، باید به کیفرش برسند مگر اینکه توبه کنند. البته اگر خداوند بخواهد بدون توبه هم، آنان را مورد آمرزش خویش قرار می‌دهد، و اگر بخواهد بر انجام گناه

صغیره هم مؤاخذه و بر آن کیفر می‌دهد. خلاصه، مالک تام الاختیار همه‌ی جهان است. کافران و مشرکان برای همیشه در دوزخ باقی خواهند ماند، مسلمانان گناهکار اگر به دوزخ برده شوند، پس از اینکه به کیفر اعمال بدشان می‌رسند، دیر یا زود از دوزخ اخراج شده، به بهشت وارد می‌شوند و باز برای همیشه در آن جا باقی خواهند ماند.

عقیده : 18

شخص مسلمان بر اثر ارتکاب گناه کبیره کافر نمی‌شود و از ایمان هم خارج نمی‌شود. آنچه پیامبر اکرم ﷺ از انواع شکنجه‌ها در دوزخ خبر داده است از قبیل: مار، کژدم، زنجیر و طوقهای آتشین، آتش، آب گرم، زقوم، غسلین (فضاله‌ی گوشت و زرد آب و خون و چرک دوزخیان) و قرآن هم گویای آن است، حق است و بر آن باید ایمان داشت.

آنچه از انواع نعمت و موهبت در بهشت از قبیل: خوردنیها، نوشیدنیها، حور، قصرها و آپارتمانها، و غیره خبر داده شده نیز حق و مطابق با واقعیت است.

عمده‌ترین نعمتهای بهشت، ملاقات و دیدار با خداوند است که مسلمانان در بهشت بدون پرده و حجابی، جمال بی‌چون آفریدگار خویش را بی‌جهت و بی‌کیف و مانند، رؤیت خواهند نمود.

عقیده : 19

تمام یاران و اصحاب رسول اکرم ﷺ عادل و مقبول بارگاه الهی بوده‌اند و اگر حیثاً کسی مرتکب معصیتی شده، تائب و مورد مغفرت و آمرزش قرار گرفته است.

نصوص قرآن و احادیث پیامبر اکرم ﷺ بطور متواتر از مدح و ستایش آنان مملو است و قرآن به صراحت حاکی است که آنها با هم محبت و الفت داشتند و بر کفار سخت و خشین بودند.

هر کس صحابه را نسبت به همدیگر، بی‌مهر و محبت تلقی کند، واقع منکر قرآن است و هر کس با آنان عداوت و کینه داشته باشد، در قرآن به عنوان کافر معرفی شده است.

یاران پیامبر حاملان وحی و راویان قرآن‌اند هر کس منکر اصحاب باشد، نمی‌تواند مؤمن و معتقد به قرآن و سایر اصول دین باشد. به چند آیه در این موضوع توجه شود:

1- ﴿مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ^ع وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ بَيْنَهُمْ^ع

تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا^ع سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ

مِّنْ أَثَرِ السُّجُودِ^ع...﴾ (سوره الفتح / 29).

«محمد (ﷺ) رسول خداست و کسانی که با اویند (صحابه) بر کافران سخت‌گیر و در میان خود مهربانند. آنان را در حال رکوع و سجده می‌بینی که از خداوند فضل و خشنودی می‌جویند. نشانه [درستکاری] آنان از اثر سجده در چهره‌هایشان پیداست».

2- ﴿وَالسَّابِقُونَ^ع الْأَوَّلُونَ^ع مِنَ الْمُهَاجِرِينَ^ع وَالْأَنْصَارِ^ع وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ

بِإِحْسَنِ^ع رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا

الْأَنْهَرُ خَلْدَيْنِ فِيهَا أَبَدًا^ع ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿ (سوره توبه / 100) .

«و پیشروان نخستین از مهاجران و انصار و کسانی که به نیکوکاری از آنان پیروی کردند، خداوند از آنان خشنود شد و [آنان نیز] از او خشنود شدند. و برایشان باغهایی که فرودست آن جویباران روان است آماده ساخت که در آنجا همیشه جاودانه اند. این کامیابی بزرگ است.»

3- ﴿لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ

الشَّجَرَةِ..﴾ (سوره فتح / 18) .

«همانا خداوند از آن مؤمنان (صحابه) که در زیر درخت (حدیبه) با تو بیعت کردند خشنود و راضی است.»

یاد آوری: حدود 1400 نفر از صحابه در زیر درخت حدیبیه بر دست پیامبر اکرم برای گرفتن انتقام خون حضرت عثمان رضی الله عنه بیعت کردند آنگاه این آیه نازل شد. خداوند در جایی دیگر خطاب به صحابه چنین میفرماید:

4- ﴿وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَبٌ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيْنَهُ فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ

الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ^ع أُولَئِكَ هُمُ الرَّاكِدُونَ ﴿٧﴾ فَضَلًّا مِّنَ

اللَّهِ وَنِعْمَ^ع وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ ﴿ (سوره حجرات، / 8 - 7) .

یعنی: «ولی خداوند ایمان را در نظر شما محبوب گرداند و آن را در دل‌هایتان آراست و کفر و فسق و نافرمانی را برایتان ناپسند گرداند، اینانند که راه یافته‌اند * به فضل و نعمتی از سوی خدا. [چنین مقرر شده است] و خداوند دانای فرزانه است».

عقیده : 20

از نصوص و اجماع صحابه رضی‌الله عنهم ثابت است که افضل یاران پیامبر حضرت ابوبکر صدیق می‌باشد پس از وی، خلیفه‌ی دوم حضرت عمر فاروق پس از وی، خلیفه‌ی سوم حضرت عثمان ذی النورین پس از او خلیفه‌ی چهارم حضرت علی المرتضی (رضی‌الله عنهم) است.

بعد از رحلت پیامبر اکرم ﷺ به اتفاق تمام اصحاب، حضرت ابوبکر صدیق ﷺ در محل «سقیفه بنی ساعده» به عنوان خلیفه و جانشین رسول برگزیده شد و بر حسب نظر و پیشنهاد او پس از وی حضرت عمر فاروق ﷺ به عنوان خلیفه انتخاب گردید. پس از شهادت او، یاران پیامبر ﷺ سه روز متوالی با هم شورا و تبادل نظر نمودند، سپس حضرت عثمان ﷺ را خلیفه انتخاب کرده با وی بیعت کردند. پس از شهادت حضرت عثمان ﷺ تمام مهاجرین و انصاری که در مدینه بودند با حضرت علی ﷺ بیعت نموده، وی را به عنوان چهارمین خلیفه برگزیدند.

عقیده : 21

اختلافات و جدالهایی که میان حضرت علی و حضرت امیر معاویه (رضی‌الله عنهما) روی داد، حضرت علی مجتهد بر حق و حضرت امیر معاویه مجتهد مخطیء (یعنی در اجتهادش به خطا رفت) بوده و هر یک

برای موضع‌گیری و نظر خویش استدلال‌هایی داشته‌اند که ما به هیچ‌کدام از آن دو گروه نباید سوء ظنی داشته باشیم. زیرا آنها مسئول اعمال خویش بوده‌اند و ما مسئول اعمال خودم هستیم¹. بلکه موضع‌گیری و نظریه‌ی هر فریق را بر مبنای صحیح و جایز توجیه نماییم و زبانهای خویش را از آلوده نمودن با طعن و تشنیع یاران پیامبر ﷺ باز داریم.

عقیده‌ی صحیح و حق از نظر اهل سنت در این باره چنین است که آنان را به حال خودشان واگذاریم و نسبت به همه، خوشبین بوده و اظهار حسن ظن نماییم. زیرا گذشته از اینکه بحث و جدل در این رابطه هیچ سودی ندارد، آتش اختلاف و بد گمانی را بر افروخته و باعث ضعف ایمان می‌شود. این بود چکیده‌ای از عقاید اهل حق در باب «عقیده» که بر هر مسلمان لازم است از نظر عقیدتی به این عقیده‌ها پای‌بند و معتقد باشد.

اهمیت نماز:

پس داشتن عقائد صحیح، مهم‌ترین و عمده‌ترین عمل در باب عبادات، نماز است. در صحیح مسلم از حضرت جابر روایت است که پیامبر اکرم فرمودند: «مانع در میان بنده و کفر نماز است».

1- قرآن می‌فرماید: ﴿تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا

كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾ (بقره / 134). یعنی: «آن امتی بود که گذشت و رفت آنان مسؤول اعمال

خویش بودند و شما مسؤول اعمال خویش هستید و شما از اعمال آنان سؤال نخواهید شد».

یعنی ترك نماز انسان را به کفر می‌رساند. همچنین ترمذی و نسائی و احمد از بریده رضی الله عنه روایت کرده‌اند. که آن حضرت رضی الله عنه فرمودند: «در میان ما و مردم، عهد و قرار داد تأمین، نماز است».

هر کسی آن را ترك کند کافر شود. ابن ماجه از ابوالدرداء رضی الله عنه روایت می‌کند که مرا خلیل و محبوبم - حضرت - چنین وصیت کرد: «به خدا هرگز شرك نکنی ولو اینکه کشته شوی یا سوخته شوی و از پدر و مادر نافرمانی مکن گرچه تو را امر کنند که از زن و فرزند و مال خود دست بردار، نماز فرض را هرگز عمداً ترك نکن! هر کس نماز فرض را عمداً ترك کند، ذمه‌ی خدا از وی بری است».

مسند احمد و دارمی و بیهقی از حضرت عمرو بن العاص رضی الله عنه روایت می‌کنند که آن حضرت رضی الله عنه فرمودند: «هر کس بر نمازهای فرضی مداومت و محافظت کند در روز قیامت برایش نور و روشنایی و حجت و نجات از عذاب، خواهد بود و هر کس محافظت نکند، برایش نه نوری و نه برهان و نجاتی وجود دارد و با فرعون و هامان و قارون و ابی بن خلف محشور می‌شود».

ترمذی از عبدالله بن شقیق روایت کرده که یاران پیامبر اکرم ترك هیچ چیزی را کفر نمی‌دانستند مگر ترك نماز را.

از نظر فقه امام احمد حنبل:؛ هر کس يك نماز را عمداً ترك کند، «کافر» می‌شود و از نظر امام شافعی: «واجب القتل» است و از نظر امام اعظم ابوحنیفه: «واجب الحبس» است که تا وقت توبه زندانش کنند تا پشیمان شود و توبه کند. بنابراین، باید کوشید تا حتی‌الوسع نمازی از

انسان فوت نشود.
خداوند به همهی مسلمین چنین توفیقی عنایت
فرماید. **آمین**

کتاب الطهاره

فرايض وضو:

در وضو چهار عمل فرض است:

- 1- شستن صورت در طول از بالاي پيشاني (ابتدای محل رويدن موي سر) تا زیر چانه و زنخدان و در عرض تا هر دو گوش.
- یادآوری: چنانچه ریش کسی انبوه و گنجان باشد، رسانیدن آب در بن موهاي ریش لازم نیست.
- 2- شستن هر دو دست تا آرنجها.
- 3- مسح يك چهارم سر.
- 4- شستن هر دو پا با شتالنگها (استخوان پاشنه‌ي پا، قوزك)
- چنانچه از چهار عضو مذکور به اندازه‌ي يك ناخن یا کمتر از آن هم خشك بماند، وضو صحيح نیست.

سنتهاي وضو:

سنتهاي وضو بدین ترتیب هستند:

- 1- خواندن بسم الله الرحمن الرحيم در ابتدای وضو.
- 2- سه بار شستن هر دو دست تا مچ دست.
- 3- سه بار با دست آب در دهان و بینی کردن.
- 4- مسواك زدن.
- 5- سه بار شستن هر دو دست با آرنجها.
- 6- یکبار تمام سر را مسح کردن.
- 7- مسح هر دو گوش با آن مقدار رطوبت و خیسی، که از مسح سر باقی مانده است.
- 8- سه بار هر دو پا را با قوزکها شستن.

مسح موزه ها:

موزه باید با طهارت کامل پوشیده شود، آنگاه مسح بر آن جایز است.

شخص مقیم می‌تواند به مدت يك شبانه روز و مسافر به مدت سه شبانه روز از هنگام بی‌وضو شدن، بر موزه‌های خویش مسح کند.

فرض در مسح موزه‌ها به مقدار سه انگشت دست است و سنت

است که با هر پنج انگشت دست از سر انگشتان پا تا ابتدای ساق مسح کند.

اگر موزه‌ها چنان پاره شوند که در راه رفتن مقدار سه انگشت پا ظاهر شود، مسح بر آنها روا نیست.

اگر شخصی با وضو بود و يك موزه را از پا بیرون کشید به طوری

اکثر قدم از محل خود، در ساق موزه بیرون آمد، یا این که مدت مسح موزه تمام شد، در هر دو صورت، هر دو موزه را بیرون کشیده، فقط پاها را بشوید و برگرداندن تمام وضو لازم نیست.

دعای بعد از وضو:

«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ»¹.

1 - ترجمه: شهادت می‌دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی برای او نیست، و

شهادت می‌دهم که محمد، بنده و فرستاده‌ی اوست، پروردگارا! مرا از توبه‌کنندگان بگردان و جزو

کسانی قرار ده که کاملاً طهارت می‌کنند و پاکیزه‌اند، خداوند! پاکی تو را بیان می‌کنم، و تو را ستایش

این دعا را پس از اتمام وضو خوانده، آنگاه دو رکعت نماز «تحیة الوضو» بخواند.

چیزهایی که وضو را باطل می‌کنند:

- 1- هر چیزی که از مجرای دفع ادرار یا مقعد بیرون آید، وضو را باطل می‌کند.
 - 2- بیرون آمدن خون یا چرک از هر جای بدن و رسیدن آن به محلی که شستن آن محل لازم است.
 - 3- استفراغ زردآب، آب، خون منجمد به اندازه‌ی پری دهان.
 - 4- خفتن بر پشت، یا بر پهلو، یا تکیه زده به چیزی که اگر آن برداشته شود، بیفتد.
 - 5- دیوانگی
 - 6- مستی
 - 7- بیهوشی.
 - 8- خندیدن با صدای بلند در نمازی که دارای رکوع و سجده باشد.
 - 9- مباشرت فاحشه.
- تمام مواردی که ذکر شدند، وضو را باطل می‌کنند.
- اگر به مقدار پُری دهان، بلغم استفراغ کرد به طوری که اگر همه‌ی آنها جمع شوند، به اندازه پُری دهان می‌رسند، از نظر امام محمد؛ در صورتی که تهوع یکی باشد، وضویش باطل می‌شود. از نظر امام ابویوسف؛ اگر مجلس یکی باشد وضو باطل می‌شود.

می‌نمایم، و گواهی می‌دهم که بجز تو، دیگر معبودی «بحق» نیست، از تو طلب مغفرت می‌کنم، و در

حضورت توبه می‌نمایم.

خواب در حال ایستادن یا نشستن بدون تکیه یا در حال رکوع و سجده‌ی مسنونه وضو را باطل نمی‌کند.

غسل

فرائض غسل:

در غسل سه چیز فرض است:

- 1- شستن تمام بدن از سر تا پا.
- 2- آب در دهان کردن.
- 3- آب در بینی کردن.

سنت‌های غسل:

سنت در طریقه‌ی غسل آن است که اول دست‌ها را بشوید، سپس نجاست را از بدن خویش پاک کرده، وضو کند آنگاه تمام بدن را سه بار بشوید. چنانچه در محلی که غسل می‌کند، آب غسل جمع می‌شود، پاهای خود را پس از اتمام غسل بشوید. مسأله:

رسانیدن آب در بن موهایی بافته شده، بر زنان فرض است. اما شکافتن آنها لزومی ندارد و مرد اگر موی بافته شده داشته باشد، شکافتن و شستن تمام موها از سر تا بن فرض است.

آنچه غسل را واجب می‌کند:

- 1- جماع به هر صورت که باشد چه با زن یا با مرد (عمل نامشروع لواط) گرچه انزال منی نشود.
- 2- هنگام انقطاع خون حیض و قاعدگی.
- 3- هنگام انقطاع خون نفاس.
- 4- احتلام.

اگر کسی احتلام شد ولی منی بیرون نیامد و آثار منی هم مشاهده نگردید، غسل بر او واجب نمی‌شود.

حد اقل و حد اکثر مدت حیض:

حداقل مدت حیض سه روز و حداکثر آن ده روز است. حداکثر مدت نفاس چهل روز است و برای کمترین مدت نفاس حد معینی وجود ندارد، البته بستگی به عادت هر زن دارد.

در طی روزهای حیض و نفاس هرگونه خونی که مشاهده شود حیض یا نفاس شمرده می‌شود، به جز خون سفید خالص که نشانه‌ی پاک شدن است.

حداقل مدت پاک‌ی در یک ماه در میان دو حیض پانزده روز است آنچه از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر در حیض و از چهل روز بیشتر در نفاس، خون دیده شود، خون «استحاضه» (یک نوع بیماری است که بر اثر آن زن خونریزی می‌کند) محسوب می‌شود، که مانع از نماز، روزه و جماع نیست.

اگر زنی را بیش از عادت دائمی‌اش خون حیض ادامه یافت، تا ده روز حیض حساب می‌شود و آنچه اضافه بر عادت آمده باشد، استحاضه است.

زنی که برای اولین بار حائضه شده مدت حیض او در هر ماه ده روز و اضافه بر ده روز استحاضه به شمار می‌آید.

در طی مدت حیض و نفاس اگر اندک مدتی پاک‌ی یافت شود، تمام آن مدت حیض یا نفاس حساب می‌شود.

حکم حیض و نفاس:

نماز در حالت حیض و نفاس، به طور کلی ساقط می‌شود و قضای آن لازم نیست. ولی روزه دائماً ساقط نمی‌شود، بلکه قضای آن واجب است. در طی مدت حیض و نفاس هم‌خوابی حرام است اما در حالت استحاضه حرام نیست.

چنانچه قبل از تمام شدن ده روز خون حیض منقطع شد، تا زمانی زن غسل نکند، جماع حلال نیست. مگر این که از وقت انقطاع خون حیض تا حین جماع وقت یک نماز کامل بگذرد، آنگاه جماع رواست و پس از تمام شدن ده روز قبل از غسل هم جماع جایز است ولی بهتر آن است که بعد از غسل عمل جماع انجام گیرد.

مسأله:

در حالت حیض و نفاس و جنابت، خواندن قرآن، داخل شدن در مسجد، طواف خانه کعبه، مس قرآن کریم بدون پوش و غلاف، جایز نیست و شخص بی‌وضو هم نباید بدون پرده و غلاف به قرآن دست بزند.

بیان نجاست:

نجاست بر دو قسم است:

- 1- نجاست غلیظه.
- 2- نجاست خفیفه.

نجاست خفیفه:

نجاست خفیفه (سبک) مانند ادرار جانوران حلال گوشت، مدفوع پرندگان حرام گوشت.

نجاست غلیظه:

نجاست غلیظه (سنگین) مانند ادرار انسان (اگرچه بچه‌ی کوچک هم باشد) ادرار جانوران حرام گوشت، مدفوع چهارپایان، مشروب و منی. مدفوع پرندگان حلال گوشت، به جز مرغان خانگی و مرغابی پاک است.

حکم نجاست غلیظه:

حکم نجاست غلیظه آن است که مقدار يك در هم یعنی به اندازه‌ی مساحت کف دست در صورت رقیق بودن¹، و در صورت غلظت و جرم دار بودن مقدار چهار و نیم عدد ماش² معاف است، و بیش از آن نجس و مانع نماز است. اما در هر صورت اگر نجاستی به مقدار فوق با آب مخلوط شود آب را نجس می‌کند.

پس خورده‌ی حیوانات:

باقیمانده‌ی غذای گربه، و موش، و دیگر جانوران خانگی و پرندگان حرام گوشت مکروه است. باقیمانده‌ی غذای حیوانات حرام گوشت مانند: خوک، سگ، و غیره نجس است. باقیمانده‌ی غذای انسان (گرچه کافر هم باشد) و باقیمانده‌ی چیزی که جانوران حلال گوشت و اسب از آن خورده‌اند، همچنین عرق جانوران مذکور و استر و الاغ پاک است.

مسأله:

1 - به مساحت شش سانتیمتر مربع.

2 - به وزن یک مثقال شرعی 86/4 گرم.

قطرات و ذرات بسيار ریزه ادرار که روی پارچه یا لباس پاشیده و یا ریخته شوند، معاف است.

انواع آبها و حکم آن:

آبها بر دو قسم هستند:

1- آب مطلق خالص.

2- آب مقید و ناخالص.

آب مطلق به آبی گفته میشود که طهارت با آن جایز است و بر شش نوع میباشد:

1- آب باران.

2- آب دریا.

3- آب نهر و جویها.

4- آبی که از ذوب شدن برف و یخ به دست آید.

5- آب چشمهها.

6- آب چاهها.

آب مقید یا مضاف به آبی گفته میشود که طهارت با آن جایز نیست. مانند: انواع آب میوهها، آب درختان و برگ آنها.

در صورتی که با آب مطلق چیز پاکي مانند خاک، صابون، زعفران و غیره مخلوط شود و رقت و جریان آب را از بین ببرد، وضو با آن جایز نیست. مثلاً يك كيلو گلاب در يك كيلو آب یا دو كيلو گلاب در يك لیتر آب مخلوط شود، یا نام آب از آن دور شود، مانند آش، شوربا، گلاب، سرکه و غیره در این صورت هم وضو و غسل با چنین آبهاي صحیح نیست. ولي چنانچه پارچه یا دیگر چیز نجسي، با آبهاي فوق شسته شود، پاک میشود.

آب جاری:

آب جاری و آب کثیر از افتادن نجاست در آن، یا عبور آب بر نجاست در صورتی که رنگ، مزه، و بوی نجاست در آن ظاهر نشود، نجس نمی‌شود.
مسأله:

اگر در نهر کوچک آب، سگ یا دیگر حیوان نجسی افتاده بود و آب از روی آن عبور می‌کرد، یا متصل با ناودان ساختمان، شیء نجسی قرار داشت که آب بام ساختمان از روی آن عبور می‌کرد، در صورتی که اکثر آب از روی حیوان نجس یا نجاست بگذرد، آب نجس می‌شود و گرنه، پاک است.

آب راکد:

آب راکد اگر کثیر و بسیار باشد از وقوع نجاست در آن، نجس نمی‌شود و اگر قلیل باشد نجس می‌شود¹.

افتادن حیوان در چاه:

اگر جانوری در چاه افتاد و باد کرد و قطعه قطعه شد، باید تمام آب چاه کشیده شود و اگر باد نکرد و ریزه ریزه نشد، چنانچه جانور بزرگ است مانند شتر، گوسفند، انسان، گربه و امثالهم، تمام آب چاه را بکشند و اگر متوسط باشد مانند کبوتر، مرغ و غیره، چهل دلو تا شصت دلو آب کشیده شود و اگر کوچک است مانند گنجشک و امثاله بیست دلو تا سی دلو کشیده

1 - چنانچه مساحت کل حوض یا مجتمع آب به مقدار 9/20 متر مربع برسد، آب آن کثیر است و اگر

کمتر از آن باشد، قلیل است.

شود. سه گنج شك حكم يك كبوتر را دارد. والله اعلم.

مسأله:

مني اگر غليظ و خشك باشد با مالیدن و خراشیدن پاك ميشود و اگر تر باشد بايد شسته شود. شمشير، چاقو و هر آن چيزي كه سفت و سخت باشد با مسح و مالیدن بر روي خاك و زمين پاك ميشود.

زمين، ديوار، آجر، خشت مفروش، اگر نجس شوند در صورتي خشك شوند و اثري از نجاست بر آنها باقي نماند، براي نماز پاك ميشوند، اما براي تيمم پاك نيستند. درخت و گياه غير مقطوع و مقطوع با شستن پاك ميشوند.

مسأله:

نجاستي كه ظاهر و نمودار باشد بايد شسته شود به طوري كه عينش زایل شود، آنگاه پاك است و اگر بعد از شستن، اثر آن باقي بماند مانند خون و غيره اشكالي ندارد.

نجاستي كه ظاهر و نمودار نباشد، آن را سه تا هفت بار بايد شست آنگاه پاك ميشود. مدفوع حيوانات در صورتي كه سوخته و خاكستر شود، پاك است. اگر حيوان نجسي در نمكزار افتاد و نمك گرديد، پاك است.

پوست حيوان نجس با رنگ كردن پاك ميشود.

تيمم:

تيمم به جاي وضو و غسل با شرايط زير جايز است:

1- عدم دسترسي بر استفاده ي آب به سبب دوري آب به اندازه ي چهار هزار قدم.

- 2- احساس ترس بیماری یا شدت آن بواسطه استفاده از آب.
 - 3- ترس از دشمن یا وجود حیوان درنده‌ای در محل آب.
 - 4- فراهم نشدن وسائل کشیدن آب از چاه یا وجود دیگر عذر موجه شرعی.
- تیمم بر آن چیزی جایز است که از جنس زمین بوده و پاک هم باشد. مانند خاک، ریگ، کلوخ، سنگ، گچ، آهک و غیره.

فرائض تیمم:

در تیمم سه چیز فرض است:

- 1- نیت کردن.
 - 2- هر دو دست را بر زمین زدن و یکبار بر تمام صورت و چهره مالیدن.
 - 3- هر دو دست را بر زمین زدن و دستها را تا آرنج مالیدن.
- اگر مقدار یک ناخن یا کمتر از آن، از دست و صورت باقی بماند که بر آن، دست مالیده نشده باشد، تیمم صحیح نیست.
- هنگام تیمم باید انگشتر و ساعت را بیرون آورد و انگشتان را خلال نمود.

مسأله:

تیمم قبل از وقت نماز هم جایز است و با یک تیمم هر چند نماز فرض و نفل بخواند، صحیح است.

مسأله:

اگر پس از تیمم بر آب توانایی حاصل کرد، تیممش باطل می‌شود. و اگر در وسط نماز، آب میسر شد، نمازی که با تیمم شروع کرده باطل می‌شود.

مسأله:

چنانچه بدن و لباس کسی نجس باشد و آب برای رفع نجاست میسر نشود و دیگر لباس پاکی هم به اندازه‌ی پوشیدن عورت نداشته باشد، خواندن نماز با همان نجاستها صحیح است.

کتاب الصلوة

نماز يکي از ارکان مهم و اساسي اسلام است، و بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، که پاک از حيض و نفاس باشد، فرض است.

مسأله:

هر نماز به محض رسيدن وقت آن، بر عهده ي انسان لازم ميشود. اگر کافري مسلمان شد، يا کودکي بالغ گشت، يا ديوانه اي به هوش آمد و به مقدار گفتن تکبير تحریمه از وقت آن نماز باقي بود، آن نماز بر وي فرض ميشود. پس از قطع خون حيض و نفاس اگر وقت به مقدار غسل کردن و گفتن تکبير تحریمه باقي باشد، آن نماز نیز بر وي فرض ميشود.

اوقات نماز:

- 1- وقت نماز فجر از طلوع صبح صادق تا طلوع آفتاب است.
- 2- وقت نماز ظهر از نظر امام اعظم:؛ بعد از زوال آفتاب است تا اينکه سايه ي هر چيز به اندازه ي دو برابر آن (بدون از سايه ي اصلي) برسد و از نظر صاحبين تا يك برابر آن.
- 3- وقت نماز عصر از پايان وقت ظهر (بر اساس دو نظر فوق) تا هنگام زرد شدن و کم نور شدن آفتاب است که از آن پس تا غروب کامل، وقت مکروه شروع ميشود و هيچگونه نمازي در آن موقع صحيح نيست مگر عصر همان روز که با کراهت تحریمي ادا ميشود.
- 4- وقت نماز مغرب از غروب آفتاب تا غروب شفق سرخ رنگ است و از نظر امام اعظم:؛ تا غروب

شفق سفید. لیکن تأخیر آن تا وقتی که ستارگان نمایان و انبوه شوند، مکروه است.

5- وقت نماز عشاء پس از پایان وقت مغرب طبق هر دو نظریه، تا هنگام طلوع فجر است. نماز و تر بعد از عشاء خوانده می‌شود و وقتش نیز تا طلوع فجر امتداد دارد. البته تأخیر آن تا طلوع فجر مکروه تحریمی است.

تأخیر نماز ظهر در تابستان و تأخیر نماز عشاء تا ثلث اول شب خواندن نماز صبح پس از روشنائی کامل هوا، بطوری که با قرائت مسنون خوانده شود و در صورتی که فاسد شود، باز با قرائت مسنون ادای آن ممکن باشد، مستحب است. ادای بقیه نمازها در اول وقت به نظر بنده بهتر است. اندکی تأخیر جهت شرکت مردم در جماعت اشکالی ندارد.

هنگام طلوع آفتاب و استواء شمس (قرار گرفتن خورشید بر نصف النهار هر منطقه) و غروب آفتاب جایز خواندن هیچ نمازی ادای سجده تلاوت و نماز جنازه نیست.

ادای نوافل بعد از طلوع صبح صادق به استثنای سنت فجر، و بعد نماز عصر تا غروب آفتاب و پیش از نماز مغرب هم مکروه است. البته قضای نماز در این اوقات جایز است.

مسأله:

گفتن اذان و اقامه برای ادا و قضای نمازها مسنون و روش آن معروف است. ترك اذان برای مسافر مکروه است و هر کس در خانه نماز می‌خواند اذان محله برایش کافی است.

شرایط نماز:

شرایط نماز بدین ترتیب می‌باشند:

- 1- پاك بودن بدن نمازگزار از نجاست حقيقي و حكمي آنگونه كه شرح آن قبلاً بيان گرديد.
 - 2- پاك بودن لباس و مكان نماز.
 - 3- استقبال قبله.
 - 4- پوشاندن عورت.
- عورت مرد از ناف تا زير زانو و عورت كنيز نيز از ناف تا زير زانو، سينه و شكم و قسمت پشت كنيز هم عورت است، و تمام بدن زن خانواده عورت است مگر صورت و هر دو كف دست و هر دو مچ و كفهاي پا كه به سبب ضرورت پوشاندن آنها لزومي ندارد.
- مسأله:
- اگر يك چهارم عضوي از اعضاي عورت مرد يا زن در نماز برهنه باشد، نماز فاسد ميشود. گيسوهاي زن يك عضو مستقلي هستند و چنانچه يك چهارم آن برهنه باشد نماز فاسد ميشود.
- مسأله:
- صداي زن عورت است و چنانچه زن با صداي بلند در نماز قرائت بخواند نمازش باطل ميشود.
- مسأله:
- اگر كسي را پارچه و لباسي به مقدار پوشاندن عورت ميسر نشود، نماز او برهنه جايز است.
- مسأله:
- اگر جهت قبله براي كسي معلوم نبود و نميدانست به کدام طرف نماز بخواند، بايد بينديشيد، سپس طبق نظرش نماز بخواند، اگر بدون تفكر و اندیشه، نماز را شروع كرد، نمازش صحيح نيست.
- مسأله:
- اگر شخصي به سبب ترس از دشمن يا بر اثر بيماري، نميتواند رو به جانب قبله كند، به هر سو كه ممكن است نماز بخواند.

خواندن نماز نفل در صحرا و بیابان بر چهارپا، ماشین، موتور، به هر سمتی که در حرکتانند، جایز است، گرچه رو به جانب قبله هم نباشد.

نیت در نماز:

یکی از شرایط نماز نیت است. برای ادای نماز نفل، سنت و تراویح، نیت مطلق هم جایز است، ولی برای فرض و وتر، همزمان با تکبیر تحریمه باید نیت تعیین شود. بدین صورت که قطعاً بداند که نماز ظهر یا عصر را میخواند. مقتدی باید نیت اقتداً به پشت سر امام را بکند، اما نیت تعداد رکعات لازم نیست.

ارکان نماز:

فرائض داخل نماز عبارتند از:

تکبیر تحریمه

قعه اخیره

بعد از دو رکعت فجر و چهار رکعت ظهر، عصر، عشاء و بعد از سه رکعت مغرب و وتر و بعد از هر دو رکعت نفل، نشستن فرض است.

خواندن قرائت قرآن:

خواندن قرائت در دو رکعت از نمازهای پنجگانه و در هر سه رکعت وتر و در هر رکعت نفل فرض است.

قیام، رکوع، سجده:

رکوع، سجده و ایستادن در تمام رکعات، فرض است.

گذاشتن بيني و پيشاني:

يکي از فرايض و ارکان نماز گذاشتن پيشاني و بيني بر زمين است ولي بنابر ضرورت، اکتفا به يکي از آن دو هم جايز است.

مقدار قرائت:

خواندن حداقل يك آيه در نماز از نظر امام اعظم:؛ فرض است و از نظر صاحبين خواندن سه آيه ي كوچك يا يك آيه ي بزرگ كه به قدر سه آيه ي كوچك باشد، فرض است.

ترتيب در ارکان نماز:

ترتيب در ارکان نماز بدین گونه فرض است كه: هر ركني بايد در محل خود ادا گردد، مگر سجده ي دوم. يعني اگر در ركعتي يك سجده فراموش شد، نماز فاسد نمي‌شود و سجده ي فراموش شده را در ركعت دوم بايد قضا كرد، سپس سجده ي سهو بجا آورد.

قعه ي اولي و خواندن تشهد در آن، نيز خواندن تشهد در قعه اخيره واجب است. به پايان رساندن نماز با جمله ي «السلام عليكم» هم واجب است.

واجبات نماز:

در نماز پانزده چيز واجب است:

- 1- قرائت فاتحه.
- 2- ضم سوره يا يك آيه ي طويله يا سه آيه ي كوچك با فاتحه در تمام ركعات نفل و وتر و در دو ركعت اول از فرايض.
- 3- خواندن قرائت در دو ركعت اول از نماز.
- 4- رعايت ترتيب در سجده.

- 5- ادای ارکان با اطمینان خاطر.
- 6- «قَوْمَه» (راست ایستادن بعد از رکوع).
- 7- «جَلَسَه» (درست نشستن میان هر دو سجده).
- 8- قعده‌ی اولی.
- 9- خواندن تشهد در قعده‌ی اولی.
- 10- بجا آوردن ارکان پشت سر هم و بدون تأخیر (پس اگر شخصی دوبار رکوع کرد یا سه سجده نمود یا بعد از تشهد اولی درود خواند، سجده‌ی سهو بر وی لازم می‌شود).
- 11- خواندن تشهد در قعده‌ی اخیر.
- 12- قرائت با صدای بلند برای امام در دو رکعت فجر، و مغرب، و عشاء، و جمعه، و عیدین، و آهسته خواندن در ظهر، و عصر، و نوافل روز.
- 13- به پایان رساندن نماز با لفظ «السلام علیکم».
- 14- خواندن دعای قنوت در وتر.
- 15- تکبیرات عیدین.

فرق فرض و واجب:

فرق میان فرض و واجب این است که از ترك فرض، نماز باطل می‌شود و از ترك واجب در صورت فراموشی، سجده‌ی سهو لازم می‌شود و نماز صحیح است و اگر سجده‌ی سهو نکرد یا واجبی را عمداً ترك کرد برگرداندن نماز واجب است.

مسأله:

طریقه‌ی سجده‌ی سهو این است که بعد از سلام دو سجده کند و تشهد، درود و دعا بخواند و به هر دو جانب سلام گوید.

و اگر قبل از سلام سجده‌ي سهو کرد جایز است و اگر در يك نماز، واجبات متعددي سهواً ترك گردید، ادای يكبار سجده‌ي سهو كافي است. مسبوق به پیروي از امام، سجده‌ي سهو كند و اگر در بقيه‌ي نماز خود سهو رفت دوباره سجده‌ي سهو كند.

نماز با جماعت:

ادای نماز با جماعت سنت مؤكده (نزدیک به واجب) است اگر در حین خواندن سنتهاي فجر كه مؤكدرين سنتها هستند، احتمال فوت جماعت بود، سنتها را باید ترك كرد و در جماعت شريك شد. مسأله:

چنانچه اهل محله‌اي ترك نماز با جماعت را پیشه كردند و با ارشاد و راهنمایی هدایت نشدند، طبق قوانین اسلامي با آنها باید جهاد نمود. ادای نماز با جماعت برای زنان گرچه امام زن باشد، مكروه است.

مستحق امامت:

شایسته‌تر برای امام شدن كسي است كه به مسایل و احكام شرع از بقیه آگاه‌تر و داناتر باشد. بعد از آن، شخص قاري كه از احكام فقهی هم اطلاع كامل داشته باشد.

برای فاسق مكروه است كه امام جماعت شود. اقتدای مرد قاري بالغ، به زن، كودك و أمّی (كسي كه از قرآن هیچ بلد نیست) و اقتدای كسي كه می‌خواهد نماز فرض بخواند پشت سر كسي كه قصد خواندن نماز نفل را دارد، جایز نیست.

همچنین اُمّی نمی‌تواند امام جماعت کسانی که از نظر قرائت چیزی بلد نیستند و کسانی که بلد هستند، بشود.

نماز کسانی که ایستاده نماز بخوانند پشت سر امامی که نشسته و نماز کسی که وضو دارد پشت سر کسی که تیمم کرده جایز است. نماز کسی که رکوع و سجده می‌کند پشت سر اشاره کننده جایز نیست.

مسأله:

اگر مقتدی يك نفر باشد در سمت راست و برا بر با امام بایستد و اگر دو نفر یا بیشتر باشند، پشت سر امام بایستند. ایستادن تنها بیرون از صف مکروه است و اگر مقتدی از امام مقدم باشد نمازش باطل می‌گردد.

تذکر:

نماز با جماعت ثواب بسیار دارد. چنان‌که حضرت انس رضی الله عنه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می‌کند، که آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمودند: «نماز مرد در خانه اش يك ثواب دارد و نماز او در مسجد محله بیست و پنج ثواب دارد، و در مسجد جامع پانصد ثواب و در مسجد اقصی يك هزار ثواب دارد، و در مسجد من (یعنی مسجد نبوی) پنج‌جاه هزار ثواب، و در مسجد الحرام یکصد هزار ثواب دارد». پس باید کوشید تا همیشه نماز با جماعت خوانده شود.

چگونگی ادای نماز:

سنت در طریقه‌ی خواندن نماز بدین گونه است که: اولاً اذان داده شود، سپس اقامه شود وقتی اقامه کننده «حي علي الصلوة» می‌گوید: امام برخیزد و

وقتی «قد قامت الصلوة» گفته می‌شود هر دو دست خویش را تا نرمه‌ی گوش بلند کند و تکبیر بگیرد، و پس از تکبیر امام، مقتدی بلا درنگ تکبیر گوید و دست راست را بر دست چپ زیر ناف بنهد و زن هر دو دست را تا دوش بلند کند و دستهای خود را بالای سینه ببندد، سپس امام و منفرد و مقتدی «سبحان الله» را آهسته بخوانند و مسبوق در قضا رکعات گذشته اعوذ بالله و بسم الله را آهسته بخواند و مقتدی نخواند. آنگاه امام و منفرد (کسی که تنها نماز می‌خواند) فاتحه بخوانند سپس امام و منفرد و مقتدی آمین را آهسته بگویند، آنگاه امام و منفرد با سوره‌ی فاتحه سوره‌ای دیگر ضم کنند.

سنت در قرائت:

سنت در قرائت آن است که در حالت مقیم بودن و اطمینان خاطر، در نماز فجر و ظهر، «طوال مفصل» (از سوره‌ی حجرات تا سوره‌ی بروج) در نماز عصر و عشاء، «اوساط مفصل» (از سوره‌ی بروج تا سوره‌ی لم یکن) و در نماز مغرب قصار سوره‌ها (از لم یکن تا آخر قرآن) خوانده شود ولی بدین صورت همیشه لازم گرفتن و عمل کردن مسنون نیست. زیرا پیامبر اکرم ﷺ گاهی در نماز فجر «معوذتین» (هر دو قل أعوذ) می‌خواندند، و گاهی در نماز مغرب سوره‌ی «طه» و سوره‌ی «النجم» و «المرسلات» را می‌خواندند. پس اگر مقتدیها فارغ و مشتاق هستند، خواندن قرائت طویل اشکالی ندارد.

چنان‌که حضرت ابوبکر صدیق ؓ در نماز فجر در یک رکعت سوره‌ی «بقره» را خواند و آن حضرت در دو رکعت مغرب سوره‌ی «اعراف» را خواندند و حضرت

عثمان رضی الله عنه در يك ركعت اكثر سوره ي «يوسف» را ميخواند.

ولي با اين وجود رعايت حال مقتديان لازم است به خصوص در اين زمان، تا مردم از جماعت متنفر نشوند.

حضرت معاذبن جبل رضی الله عنه يك شب در نماز عشاء سوره ي «بقره» خواند يك نفر از مقتديان نزد پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله شاکي شد، آن حضرت فرمودند: «اي معاذ! مگر تو مردم را در فتنه و معصيت مياندازي؟ سوره هاي مختصري همچون "سبح اسم" و "الشمس" و مانند آنها بخوان».

پيامبر اكرم صلی الله عليه و آله در نماز فجر روز «جمعه» سوره ي «الم سجد» و سوره ي «دهر» را ميخواندند. پس سنت است که در نماز فجر روز جمعه گاهي اين سوره ها هم خوانده شوند.

هنگامي که امام مشغول قرائت است بايد ساکت و متوجه قرائت امام بود. در نوافل اگر آيات ترغيب و ترهيب، خوانده شوند، دعا، استغفار و پناه خواستن از دوزخ و درخواست بهشت سنت است. وقتي از قرائت فارغ شود، تکبير گويان به رکوع رود و در رکوع هر زانوي خود را با هر دو دست محکم بگيرد و انگشتان را گشاده نگاه دارد و سر و پشت خود را با کمر برابر کند و به نسبت درنگ کردن در قيام، در رکوع درنگ نمايد و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»¹ گويد.

حد اقل سه بار تسبيح در رکوع سنت است و بيشتر هم اشکالي ندارد. اما رعايت عدد طاق کند يعني هر چند بار ميگويد، فرد گويد نه جفت. مقتدي بعد از امام به رکوع رود، زيرا

1 - پروردگار بزرگم پاک و منزّه است.

جلو رفتن مقتدی از امام در تمام ارکان، حرام است.

آنگاه امام سر را بلند کرده، «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»¹ گوید، و منفرد هم «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ»² گوید و از نظر صاحبین امام هر دو را گوید. سپس تکبیر گویان به سجده رود، بدین صورت که اول هر دو زانو را گذاشته سپس هر دو دست را سپس بینی و پیشانی را میان هر دو دستها قرار دهد و انگشتان دست را به هم چسبانده بسوی قبله قرار دهد. نیز انگشتان پاها را به طرف قبله متوجه سازد.

مرد در حالت سجده بازوها را از پهلوی، شکم را از ران و ساق، و ذراع دست را از زمین دور نگه دارد و زن در سجده این همه اعضا را به هم بچسباند و به نسبت قیام و رکوع، سجده کند و تسبیح سجده را طاق بخواند و حداقل سه بار تسبیح سنت است. در خواندن تسبیح عجله نکنند بلکه با آهستگی و اطمینان بخواند. سپس تکبیر گویان سر را از سجده بلند کرده با اطمینان بنشینند و در نوافل این دعا را بخواند.

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي، وَاهْدِنِي، وَاجْبُرْنِي، وَعَافِنِي، وَارْزُقْنِي، وَارْفَعْنِي»³.

آنگاه تکبیر گویان بلند شود، بدین صورت که اولاً سر خویش را از سجده بردارد و سپس هر دو دست و بعد زانوها را برداشته و به طور مستقیم

1 - الله شنید و قبول کرد ستایش کسی را که او را ستایش نمود.

2 - پروردگارا! حمد و ستایش از آن توست.

3 - بار الها! مرا ببخش. به من رحم کن، مرا هدایت کن، کوتاهی‌های مرا جبران کن، و به من عافیت و رزق عطا کن، و مقامم را رفیع گردان.

بایستد و رکعت دوم را مانند رکعت اول ادا کند. البته در رکعت دوم، ثناً و تعوذ نیست. هنگامی که رکعت دوم تمام شود، پای چپ را پهن کند روی بنشیند و پای راست را قائم کرده انگشتان هر دو پا را به سوی قبله متوجه سازد و هر دو دست را بر هر دو ران گذاشته دو انگشت «خنصر» و «بنصر» از دست راست را گره کند و یا انگشت وسطی و ابهام را حلقه نماید و انگشت شهادت را گشاده نگه دارد و تشهد بخواند. هنگام گفتن کلمه شهادت با انگشت شهادت اشاره کند. انگشتان هر دو دست راست را به طرف قبله متوجه کند و در قعده‌ی اولی فقط تشهد بخواند بعد از آن، تکبیر گویان به سوی رکعت سوم برخیزد و در رکعت سوم و چهارم فقط سوره‌ی فاتحه با «بسم‌الله» را آهسته بخواند هنگامی که از رکعت چهارم فارغ شود، قعده‌ی اخیر را مانند قعده‌ی اولی به جا آورد و بعد از خواندن تشهد، درود بخواند سپس مانند دعا‌هایی که در قرآن و ادعیه‌ی مأثوره، منقول‌اند، دعا کند بخصوص این دعا را همیشه ورد زبان سازد:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَسِيحِ الدَّجَالِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ فِتْنَةِ الْمَحْيَا وَالْمَمَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْمَأْثَمِ وَالْمَغْرَمِ»¹.

آنگاه سلام گوید و به نمازش خاتمه دهد. زن در هر دو قعده بر نشیمنگاه چپ خود بنشیند و هر دو پا را از جانب راست بیرون آورد. چون سلام یک نوع دعا هست لذا کسی که تنها نماز می‌خواند سلام خویش ملائکه را نیت کند و امام در

1 - الهی! من از عذاب قبر، و از فتنه‌ی مسیح دجال، و فتنه‌ی زندگی و مرگ به تو پناه می‌برم. بار الها! من

از گناه و زیان، به تو پناه می‌آورم.

سلام خود، ملائکه و مقتديان آن سو را نیت کند و مقتدي در سلام خود، ملائکه و امام و آنهایی را که در طرف او قرار دارند، نیت کند. کسی که نماز میخواند سعی کند همیشه نماز را با خشوع و خضوع تمام ادا کند. عجله نکند و در حین قیام، نگاهش بر محل سجده باشد و به جز جای سجده، جای دیگر را نگاه نکند.

تسبیحات فاطمی:

پس از سلام يك بار آية الكرسي را با تسبیحات فاطمی (تسبیحاتی که حضرت رسول به فاطمه زهرا رضي الله عنها تعلیم دادند) بدین گونه بخواند:

«سبحان الله» سي و سه بار؛

«الحمد لله» سي و سه بار؛

«الله اكبر» سي چهار بار؛

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»¹.

يك بار

پیش آمدن حَدَث در نماز:

اگر کسی را حَدَثی (چیزی که باطل کننده وضو باشد) در نماز پیش آید، از نماز خارج شود، بدون اینکه حرفی بزند یا کاری انجام دهد، وضو گرفته فوراً به محلی که اول نماز میخوانده، برگردد و بر همان نماز بنأ کند (یعنی باقیمانده نماز را بخواند) و در صورتی که تنها نماز میخواند، برگرداندن نماز بهتر است.

1 - بجز الله یگانه، دیگر معبودی نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن اوست، ستایش شایسته اوست، و

او بر هر چیز تواناست.

و اگر امام باشد، هنگام خروج از نماز برای خود جانشینی تعیین کند و وضو گرفته، برگردد با مقتدیها بایستد.

اگر مقتدی را حدّی پیش آمد، برود وضو بگیرد و به مکان اول خود باز گردد و هر چند رکعت که امام خوانده است، بدون قرائت ادا نماید سپس با امام شریک شود و اگر امام از نماز فارغ شده بود، مقتدی اختیار دارد که به مکان اول خود برگردد یا همان جایی که وضو گرفته بقیه‌ی نماز را تمام کند. چنانچه کسی عمداً خود را در نماز بی‌وضو کرد، نمازش فاسد می‌شود.

اگر کسی در نماز دیوانه یا احتلام شد، یا با صدای بلند خندید، نجاستی که مانع نماز است بر وی افتاد، یا زخمی به وی رسید یا به گمان بی‌وضو شدن از مسجد بیرون رفت، یا بیرون از مسجد از حد صفوف بیرون آمد، سپس معلوم شد که بی‌وضو نشده و این ظن محض بوده، در تمام این صورتها نماز فاسد می‌شود و باید نماز را اعاده بکند. و چنانچه از مسجد یا محوطه‌ی صفها بیرون نرفت، می‌تواند بر همان نماز بنا کند.

اگر بعد از تشهد حدّث پیش آمد، برود وضو بگیرد و برگردد سلام بدهد.

اگر بعد از تشهد عمداً خود را بی‌وضو ساخت از نظر امام اعظم:؛ فرضیت آن نماز از وی ساقط می‌شود و نمازش ادا شده است.

مسائل معروف دوازده‌گانه:

- 1- اگر بعد از تشهد و قبل از سلام، تیمم کننده‌ای بر استفاده از آب توانایی حاصل کرد؛
- 2- یا کسی که قرائت یاد نداشت، سوره‌ای را آموخت؛

- 3- يا به برهنه اي كه نماز را در حالت برهنه گي مي خواند، پارچه اي رسيد؛
 - 4- يا اشاره كننده اي بر ركوع و سجده توانايي حاصل كرد؛
 - 5- يا مدت مسح موزه ها تمام شد؛
 - 6- يا موزه ها را از طريق انجام عمل كم از پا بيرون كشيد؛
 - 7- يا صاحب ترتيبی نماز فوت شده اي به يادش آمد؛
 - 8- يا شخص قاري كسي را كه نمي داند چه بخواند (أمي) جانشين خويش تعيين نمود؛
 - 9- يا آفتاب در نماز فجر طلوع كرد؛
 - 10- يا وقت ظهر نماز جمعه به پايان رسيد؛
 - 11- يا صاحب العذر از معذوريت خويش رهايي يافت؛
 - 12- يا باند زخم بر اثر بهبودي زخم افتاد؛
- در تمام صورتهاي بيان شده از نظر امام اعظم؛ نماز باطل ميشود، زيرا بيرون آمدن از نماز بايد با عمل شخص نمازگزار باشد. و از نظر صاحبين باطل نميشود.
- مسأله:
- اگر كسي در حالت ركوع يا سجده بي وضو شد و خواست بر همان نماز بنا كند، ركوع و سجده اي را كه در آن بي وضو گرديده، اعاده نمايد و اگر در حالت ركوع يا سجده، به يادش آمد كه يك سجده از ركعت اول ترك گرديده يا سجده تلاوت فوت شده، سجده فراموش شده را قضاء كند و لي اعاده اين سجده هم مستحب است.
- اگر امام داراي يك مقتدي باشد و امام بي وضو شود همان مقتدي خود به خود قائم مقام امام

تعیین می‌شود و اگر مقتدی زن یا کودک باشد نماز امام و مقتدی هر دو باطل می‌شود. و طبق یک روایت از مذهب، در صورتی که امام، آن زن یا کودک را رسماً جان‌شین خویش تعیین نکند، نماز امام فاسد نمی‌شود.

مسأله:

اگر امام در خواندن قرائت گیر کرد و نتواند به قرائتش ادامه دهد، در صورتی که به مقدار صحیح شدن نماز، خوانده بود، بلافاصله به رکوع برود.

مسأله:

مقتدی امام را در هر رکنی از ارکان نماز یافت، در انجام آن رکن تأخیر نکند بلکه با همان حال اقتدا کند و تابع امام شود. در صورتی که رکوع یک رکعت را یافت، یک رکعت کامل را یافته و اگر رکوع را نیافت آن رکعت فوت گردیده است.

پس از اینکه امام نماز را به پایان رساند، مسبوق برخیزد و مقتدی نمازی که از او فوت گردیده، بدین صورت بخواند که به اعتبار قرائت، اول نماز را در نظر بگیرد و به اعتبار قعده‌ی تشهد، آخر نماز را.

مسأله:

اگر کسی بعد از دو رکعت در قعده‌ی اولی نشست و به طرف رکعت سوم بلند شد، در صورتی که به سوی قعده نزدیکتر است برگردد، بنشیند و تشهد بخواند و سجده‌ی سهو لازم نیست. و اگر به سوی قیام نزدیکتر است، برای قعده برگردد و برای جبران آن، سجده‌ی سهو ادا کند.

اگر بعد از چهار رکعت روی قعده‌ی اخیر نشست و به طرف رکعت پنجم بلند شد تا زمانی که برای

رکعت پنجم سجده نکرده برگردد به سوی قعدة اخیره و تشهد بخواند و به محض اینکه برای رکعت پنجم سجده کرد، فرض او باطل می‌شود و یک رکعت دیگر بخواند تا همگی نفل حساب شوند و فرض را دوباره برگرداند.

طریقه‌ی قضای نمازهای فوت شده:

برای قضای نمازهای فوت شده بهتر است مانند بقیه‌ی نمازها اذان و اقامه گفته شود و در صورتی که با جماعت قضا آورده شود، در نمازهای جهری، جهر خواندن قرائت لازم است و اگر به صورت انفرادی می‌خواند قرائت آهسته خوانده شود.

ترتیب در نمازها:

ترتیب در میان نمازهای فوت شده و نمازهای حال حاضر که می‌خواهد بخواند، فرض است. پس اگر در حالی که نماز می‌خواند نماز فوت شده‌ای به یادش هست نماز وقتیه فاسد می‌شود. آنگاه اگر فائتیه را قضا کرد قبل از اینکه دومین نماز وقتیه را ادا کند، فرضیت نماز وقتیه اولی باطل می‌شود و اگر قبل از قضا نمودن نماز فائتیه، پنج نماز وقتیه ادا کرد، همه‌ی آن وقتیات فاسد می‌شوند البته فسادشان موقوف است. آنگاه اگر بعد از آن، وقتیه‌ی ششم را پیش از ادا کردن فائتیه ادا کرد همه وقتیات صحیح می‌شوند.

مسأله:

اگر کسی نماز عشا را به فراموشی در حالت بی‌وضویی ادا کرد سپس برای خواندن سنتها و نماز وتر وضو گرفت، در این صورت طبق قول امام اعظم:؛ فقط فرض را با سنتها برگرداند، اعاده‌ی

وتر لازم نیست. بر خلاف نظر صاحبین که می‌گویند: اعاده‌ی وتر هم لازم است و احتیاط در قول صاحبین است.

مسأله:

ترتیب بین نمازهای فائته و وقتیات با سه چیز ساقط می‌شود.

یکی- به سبب تنگی وقت؛

دوم- به فراموشی؛

سوم- هنگامی که بر ذمه‌ی او شش نماز فائته‌ی جدید یا قدیم باشد.

پس هر گاه فوائت را ادا کند، ترتیب دوباره برگشت می‌کند و اگر شش نماز فوت شده را قضا نکرد بلکه بعضی را قضا نمود، طبق قول مفتی به ترتیب دوباره عود نمی‌کند، تا زمانی که مجموع شش نماز را قضا نکند.

آنچه نماز را فاسد می‌کند:

سخن (گرچه سهواً یا در حال خواب در نماز باشد) نماز را فاسد می‌کند.

همچنین درخواست چیزی که طلب آن از مردم ممکن باشد (مثل اینکه بگوید: خدایا به من زن، منزل یا فلان شیء را بده و امثال اینها) موجب فساد نماز می‌گردد.

نیز ناله کردن، اوه، اف گفتن، گریستن با صدای بلند بر اثر درد مصیبت (نه از یاد دوزخ و عذاب خدا و نعمتهای بهشت).

بدون عذر تنجیح کردن (گلو صاف کردن و صدا در آوردن از سینه).

جواب عطسه گفتن یا جواب خبر دهنده را با «الحمد لله» و «إنا لله..» گفتن.

يا جواب خبر تعجب آور را با «سبحان الله» يا «لا حول و لا قوة» گفتن.

خلاصه: هر كلام يا سخني كه ربطي با نماز نداشته باشد، نماز را فاسد مي‌كند. همچنين خوردن، آشاميدن، خواندن قرآن كريم از روي متن آن و انجام عمل زياد نماز را فاسد مي‌كند.

عمل زياد آن است كه بيننده تصور كند وي در حال خواندن نماز نيست. اگر كسي روي نجاست سجده كرد نمازش فاسد مي‌شود.

غذايي كه در لاي دندانها وجود دارد اگر با زبان بيرون آورد و بخورد در صورتي كه كمتر از يك نخود باشد نمازش فاسد نمي‌شود و اگر مقدار يك نخود يا اضافه بر آن باشد نمازش فاسد مي‌شود.

اگر به نوشته‌اي نگاه كرد و مفهومش را فهميد نمازش فاسد نمي‌شود و اگر با زبان تلفظ كرد نمازش فاسد مي‌گردد.

اگر بر روي زمين يا مكان مرتفعي نماز مي‌گزارد و كسي از جلو عبور كرد نمازش فاسد نمي‌شود ولو اينكه عابر حيوان يا زن باشد.

اگر عابر شخص عاقل و بالغ باشد، گنهكار مي‌گردد و نبايد عبور نمايد، مگر اينكه شخص نمازگزار در چنين مكان بلندي نماز بخواند كه سر عابر به موازات پاهاي آن شخص هم قرار نگيرد در چنين حالي عبور اشكالي ندارد.

مسأله:

براي كسي كه در محل عبور عابرين نماز مي‌گزارد، مستحب است در مقابل ابروي راست يا چپ خود ستره‌اي به طول حدود نيم متر و ضخامت يك انگشت عموداً قائم كند و اگر ستره‌اي وجود

نداشت و کسی از جلوی عبور کرد با تسبیح یا اشاره وی را دفع کند.

مسأله:

اگر روی پارچه‌ای نماز خواند و آن پارچه آستر دار و یا دولایه بود و آستر یا لایه‌ی دوم آن نجس بود در صورتی که آستر و آن لایه با پارچه کلاً دوخته و متصل باشد نماز فاسد می‌گردد و اگر دوخته نیست و پیوست کلی ندارد، نماز فاسد نمی‌شود. اگر روی پارچه‌ای نماز می‌خواند که یک طرف آن نجس و طرف دیگر پاک است، نماز صحیح است خواه از حرکت دادن یک طرف، طرف دیگر هم متحرک شود یا خیر.

آنچه در نماز مکروه است:

- 1- بازی کردن در نماز با لباس یا بدن خویش در صورتی که منجر به عمل کثیر نشود. اگر عمل کثیر بیانجامد نماز فاسد می‌گردد.
- 2- دفع سنگریزه‌ها یا هموار نمودن آنها از محل سجده در صورتی که سجده به راحتی انجام پذیرد. و اگر ادای سجده با مشقت باشد، یک یا دوبار بطوری که امکان سجده باشد، محل سجده را صاف کند.
- 3- بازی کردن با انگشتان و به صدا در آوردن آنها و دست نهادن بر تهی‌گاه خود و به طرف راست و چپ خود نگاه کردن.
- و اگر در حالت نگاه کردن سینه‌اش از قبله منحرف شود نماز فاسد می‌شود.
- 4- همیشه با لباسها متوجه و مشغول بودن و جمع نمودن آنها از هر سو تا خاک آلود نشوند، انداختن دستمال روی سر و دوش که دو طرف آن آویزان باشد.

- 5- خمیازه، سرفه و تمطی (تکان دادن و بحرکت در آوردن بدن جهت رفع خستگی) بدون عذر.
 - 6- بستن چشمها در نماز (بلکه نظر سجده کننده بر محل سجده قرار داشته باشد) و جمع کردن موها بر بالای سر (بلکه سنت است که موها را در نماز به صورت آویزان بگذارد تا آنها هم به حالت سجده درآیند).
 - 7- ادای نماز در لباسی که مخصوص کار است، یا لباس خواب، یا با زیر پیراهنی و سر برهنه.
 - خواندن نماز در محلی که تصویر جاندار در آن محل وجود داشته باشد، یا در لباسی که تصویردار باشد.
 - 8- شمردن تسبیحات و آیه‌ها با دست خویش.
 - 9- ایستادن امام در داخل محراب یا در محل مرتفعی که مردم پایین‌تر از او باشند.
 - 10- تنها ایستادن بیرون از صف در صورتی که داخل صف خالی باشد.
 - و اگر جای نبود يك نفر را از داخل صف بیرون آورده، با هم بایستند.
- مسأله:
- کشتن مار، کژدم در داخل نماز در صورت احساس خطر اشکالی ندارد ولو اینکه منجر به عمل کثیر شود.

بیان حکم مریض:

بیمار اگر توانایی ایستادن برای ادای نماز را ندارد یا خطر شدت مرض وجود دارد، بنشیند و با رکوع و سجده نماز گزارد، و اگر توانایی رکوع و سجده ندارد ولی توانایی ایستادن را دارد، بنشیند و برای رکوع و سجده اشاره کند و اشاره‌ی خود را برای سجده اندکی از اشاره‌ی

ركوع پايين‌تر نمايد، و اگر ايستاد و با اشاره نماز خواند نيز جايز است، و اگر توانايي نشستن و اشاره كردن ندارد، بر پشت بخوابد و هر دو پاها را به سوي قبله دراز كند و با سر خويش اشاره كند، و اگر بدين گونه هم توانايي ادائي نماز را ندارد، نماز از وي ساقط مي‌شود، و اگر در ميان نماز بيماري شدت يافت يا در حال ادائي نماز مريض شد، به هر نحوي كه مم‌كن باشد نماز را به پايان برساند.

مسأله:

اگر مريض در حالت نشستن با ركوع و سجده نماز مي‌خواند و در ميان نماز بر ايستادن توانايي حاصل كرد، بايد و نماز را به پايان برساند، و از نظر امام محمد:؛ نماز را از نو آغاز كند، و اگر با اشاره نماز مي‌خواند و در ميان نماز بر ركوع و سجده توانايي حاصل كرد به اتفاق همه، نماز را از اول آغاز كند.

مسأله:

اگر كسي به مدت يك شبانه روز ديوانه يا بيهوش شد، نمازهاي فوت شده را بعد از سالم شدن قضا آورد و اگر از يك شبانه روز بيشتر بيهوش يا ديوانه شد، قضاي نمازهاي فوت شده لازم نيست.

احكام سفر:

كسي كه از منتهاي آبادي محله‌ي خويش به مسافت سه مرحله¹ عزم سفر كند، مسافر است و نمازهاي چهار ركعتي را قصر و دو ركعت بخواند، و اگر قصر نكرد و چهار ركعت كامل خواند و پس از دو ركعت اول قعه نمود، نمازش صحيح است و دو

1 - تقريباً 78 كيلومتر (13 فرسخ) م.

رکعت دیگر نفل حساب می‌شوند اما به علت سرپیچی از دستور خداوند متعال گنهکار می‌شود. و اگر بعد از دو رکعت قعده نکرد، نماز فرضی‌اش باطل می‌گردد و هر چهار رکعت نفل حساب می‌شوند و برای ترک واجب سجده‌ی سهو لازم می‌گردد.

آغاز و پایان حکم سفر:

از زمان شروع سفر تا حین برگشت و ورود به وطن، حکم سفر همچنان باقی است و آخرین نقطه‌ی پایان حکم سفر همان شروع آبادی‌های شهر یا محله است. اگر در شهر یا محله‌ای به مدت پانزده روز یا بیش از آن، نیت اقامت نمود، حکم سفر نقض و مقیم می‌گردد. نیت اقامت در بیابان، دشت و کوه اعتباری ندارد.

کسانی که همیشه صحرانورد و بیابان‌نشین هستند و در جای خاصی مقیم نیستند، همیشه باید نماز مقیمی بخوانند، مگر زمانی که قصد مسافرت به مکانی به مسافت 78 کیلومتر را بنمایند آنگاه حکم مسافر را دارند. مسافر اگر در داخل وقت نماز، به مقیمی اقتدا کرد، چهار رکعت بخواند و خارج از وقت (یعنی در صورت قضا) اقتدای مسافر به مقیم صحیح نیست. مقیم می‌تواند پشت سر مسافر اقتدا کند چه در وقت و چه خارج از وقت، اما مسافر دو رکعت خویش را خوانده سلام بدهد و مقیم بلند شود چهار رکعت خود را تمام کند.

اقسام وطن:

وطن بر دو قسم است:

«وطن اصلی» و «وطن اقامه» وطن اصلی به محل تولد و زادگاه، و محل متأهل شدن می‌گویند، و

وطن اقامه به محلی گفته می‌شود که: مسافر در آن محل، نیت اقامت 15 روز یا بیش از آن را بکند و به آن، «وطن سفر» هم می‌گویند. وطن اصلی با وطن اصلی باطل می‌شود ولی با سفر و وطن اقامه باطل نمی‌شود، و وطن اقامه با وطن اقامه و وطن اصلی و وطن سفر باطل می‌شود.

قضای نماز در سفر:

نمازی که در حال مقیمی فوت شده و در سفر می‌خواهد قضا کند، چهار رکعت بخواند و نمازی که در سفر فوت گردیده همان حکم نمازهای سفر را دارد یعنی دو رکعت بخواند.

سفر معصیت:

سفر معصیت (سفری که برای انجام گناهی بیانجامد مانند قتل، دزدی، زنا، ...) از نظر امام اعظم:؛ و فقه حنفی حکم سفر در آن جاری می‌شود و آن شخص شرعاً مسافر است.

نماز جمعه

شرایط نماز جمعه:

برای صحت ادای نماز جمعه و ساقط شدن فرض ظهر، از ذمه‌ی انسان، شش شرط وجود دارد:

شرط اول: مصر، یعنی شهری که دارای حاکم و قاضی باشد¹، یا فنای مصر¹. پس در روستاها و

1 - تعریف واضح‌تر این است که دارای خیابان، کوچه، مغازه به صورت بازار در دو طرف خیابان باشد و

اکثر مایحتاج مردم از آنجا تأمین شود. م

قریه‌هایی که واجد شرایط لازم نباشند، طبق مذهب حنفی اقامه‌ی نماز جمعه در آنها جایز نیست.

شرط دوم: حضور سلطان (وجود پادشاه، رئیس جمهور وقت، در مملکت) یا نماینده‌ی او.

شرط سوم: وقت ظهر.

شرط چهارم: خواندن خطبه.

شرط پنجم: جماعت که حداقل آن سه نفر است.

شرط ششم: اذن عام (یعنی برای همه‌ی مردم اجازه‌ی ورود به مسجد جهت اقامه‌ی نماز باشد، و هر کس بخواهد بیاید مانعی نباشد).

خطبه‌ی نماز جمعه:

بر حسب قول و نظر صاحبین لازم است که خطبه مشتمل بر ذکر طویل دارای حمد و صلاة و تلاوت آیه‌هایی از قرآن کریم و توصیه‌ی مسلمانان، و استغفار و دعا برای خود و اهل اسلام باشد. و از نظر امام اعظم:؛ خواندن يك تسبیح هم کفایت می‌کند ولی مکروه است و عمل بر قول صاحبین است.

مسأله:

اگر در میان نماز همه‌ی مردم فرار کردند و تعداد لازم برای جماعت باقی نماند، نماز جمعه امام و بقیه فاسد می‌شود و دوباره باید نماز ظهر را بخواند.

مسأله:

نماز جمعه بر کودک، برده (غلام)، مسافر، بیمار و نابینا واجب نیست و اگر غلام، بیمار، مسافر،

1 - فناء مصر آن است که برای مصالح شهر مهیا می‌شود مانند ایستگاه اتوبوس، فرودگاه، محل استقرار

پادگان ارتش و غیره، برای فناء مصر حد معینی نیست با بزرگی و کوچکی شهر متفاوت است. م

نابینا در نماز جمعه شرکت کنند جایز است و نماز ظهر از آنها ساقط می‌گردد.

مسأله:

امام شدن غلام، بیمار، مسافر در نماز جمعه صحیح است، و اگر گروهی از مسافرین، در شهر نماز جمعه اقامه کنند و در میان آنها هیچ فرد مقیمی وجود نداشته باشد، نماز آنها جایز و بلا اشکال است.

مسأله:

کسی که از محدوده‌ی شهر خارج است و اذان را می‌شنود نماز جمعه بر وی فرض و لازم است.

مسأله:

کسی که معذور نباشد و قبل از ادای نماز جمعه، تنها در خانه‌اش نماز ظهر را ادا کند، ظهر او ادا می‌گردد اما با کراهت تحریمی، آنگاه اگر برای نماز جمعه حرکت کرد و امام هنوز از نماز فارغ نشده بود به محض حرکت وی ظهرش باطل می‌گردد. پس اگر نماز را دریافت فبها، و گر نه نماز ظهر را دوباره بخواند، و از نظر صاحبین اگر جمعه را نیافت ظهرش به محض حرکت باطل نمی‌شود.

مسأله:

کسی که امام را در تشهد نماز جمعه یا در سجده‌ی سهو دریافت و به او اقتدا نمود بعد از سلام امام با همان تحریمه نماز جمعه بخواند.

مسأله:

هنگامی که اذان اول نماز جمعه گفته شد: رفتن به سوی مسجد واجب است و بجز آمادگی برای نماز، انجام هر نوع کار دنیوی حرام می‌گردد. وقتی امام برای خواندن خطبه برخیزد، حرف زدن، نماز خواندن، زمانی که از خطبه فارغ نشده

ممنوع است (زیرا خطبه به منزله‌ی نماز است و باید سکوت کامل را اختیار نمود، و به خطبه گوش داد) و چون امام بر مذبح بنشیند، اذان دوم، رو به روی او گفته شود و مردم به سوی او متوجه شوند.

مسأله:

در نماز جمعه سنت است که سوره‌ی «جمعه» و «منافقون» و به روایتی «سبح اسم» و «هل أتى» خوانده شوند.

مسأله:

در يك شهر خواندن نماز جمعه در مواضع متعدد جایز است (اما بهتر آن است که در هر شهر در يك مکان، نماز جمعه خوانده شود زیرا هم ثواب بیشتر دارد و هم وحدت و شکوه مذهبی و سیاسی مسلمانان حفظ می‌شود).

بیان نمازهای واجب غیر از نمازهای پنجگانه:

بجز نمازهای پنجگانه طبق مذهب امام اعظم:،، نماز وتر و نماز عید الفطر و عید اضحی هم واجب هستند. نماز وتر سه رکعت است با يك سلام که در هر رکعت فاتحه و سوره خوانده شود، و پس از قرائت و قبل از رکوع، در رکعت سوم، دعای «قنوت» خوانده می‌شود، و این دعا همیشه باید خوانده شود. مستحب است که در رکعت سوم سوره‌ی «اخلاص» خوانده شود.

شرایط وجوب و ادای نماز عید مانند شرایط نماز جمعه است مگر اینکه در عید خطبه واجب نیست بلکه سنت است که بعد از نماز عید دو خطبه خوانده شود که مناسب آن عید، احکام صدقة الفطر، اضحیه، و تکبیرات تشریق بیان شوند.

مسأله:

در روز عید فطر سنت است که قبل از بیرون شدن به سوی عیدگاه، چیزی بخورد و صدقه‌ی فطر ادا کند و غسل نماید، مسواک بزند و بهترین لباس را بپوشد و از عطر استفاده کند، سپس تکبیر گویان به طرف عیدگاه حرکت کند و آهسته تکبیر بگوید.

وقت اقامه‌ی نماز عید بعد از بالا آمدن آفتاب به حدی که ضعف و کم نوری آن از بین برود تا قبل از زوال شرعی، می‌باشد.

روش خواندن نماز عید:

بدین طریق نماز بخواند: بعد از تکبیر تحریمه در رکعت اول سه تکبیر زواید بگوید، و با هر تکبیر دستها را بلند کرده، بعد از تکبیرات و ثناء، قرائت خوانده، رکوع و سجده کند، و در رکعت دوم بعد از قرائت و قبل از رکوع سه تکبیر زواید دیگر بگوید، و با هر تکبیر دستها را بلند کند، سپس با تکبیر چهارم رکوع کند و این شش تکبیر در نماز عید واجب هستند و به آنها «تکبیرات زواید» می‌گویند.

اگر کسی با امام نماز عید را نیافت، قضا لازم نیست. و اگر به موجب عذری نماز عید در روز اول از امام و مقتدیها فوت گردید، نماز عید فطر را روز دوم با جماعت و عید اضحی را تا روز سوم می‌توانند ادا کنند.

طریقه‌ی ادای نماز عید اضحی مانند عید الفطر است، مگر در عید اضحی مستحب است که قبل از نماز چیزی نخورد بلکه بعد از نماز، از اضحیه‌ی خویش بخورد و قربانی کردن قبل از نماز برای کسانی که در محل آنها نماز عید خوانده می‌شود

جایز نیست. در مسیر راه به سوی عیدگاه تکبیرات با صدای بلند گفته شوند.

تکبیر تشریق:

در محلی که نماز جمعه و عید خوانده می‌شوند بعد از نماز صبح روز عرفه تا عصر روز سیزدهم طبق نظر صاحبین و تا عصر روز عید طبق نظر امام ابو حنیفه:؛ تکبیرات تشریق خوانده شوند، و قول مفتی به، قول صاحبین است. و تکبیر تشریق، یکبار با صدای بلند خوانده شود، تکبیر تشریق این است: «الله أكبر، الله أكبر، لا إله إلا الله والله أكبر، الله أكبر، والله الحمد» و اگر امام تکبیر تشریق را ترك کرد مقتدیها باید بخوانند.

سنن و نوافل:

خواندن دو رکعت قبل از نماز فجر و چهار رکعت قبل از جمعه و طبق نظر امام ابو یوسف:؛ شش رکعت و چهار رکعت بعد از جمعه و بعد از مغرب دو رکعت و بعد از عشاء هم دو رکعت خوانده شود. ادای چهار رکعت بعد از نماز ظهر با دو سلام و قبل از نماز عصر دو رکعت یا چهار رکعت و بعد از مغرب چهار رکعت، مستحب است، و بعد از عشاء هم چهار رکعت و بعد از وتر دو رکعت خواندن مستحب است. در رکعت اول سوره «زلزال» و در رکعت دوم سوره «کافرون» بخواند.

نماز تهجد:

نماز تهجد سنت مؤکده است پیامبر اکرم ﷺ هیچگاه آن را ترك نفرمودند، و اگر گاهی فوت گردیده، دوازده رکعت در همان روز قضاء

آورده اند. نماز تهجد از چهار رکعت کمتر و از دوازده رکعت بیشتر ثابت نیست، و مقدار متوسط آن هشت رکعت است. پیامبر بزرگوار نماز وتر را بعد از تهجد، یعنی آخر شب میخواندند، و سنت هم همین است که هر کس بر بیدار شدن خویش اعتماد دارد، نماز وتر را تا آخر شب تأخیر کند، و اگر اعتماد ندارد قبل از خوابیدن بخواند.

پیامبر اکرم ﷺ نماز تهجد را گاهی چهار رکعت، و گاهی هشت رکعت، گاهی ده رکعت، و گاهی دوازده رکعت میخواندند. گاهی همه را با یک سلام، و گاهی دو رکعت با یک سلام، گاهی چهار رکعت با یک سلام، و گاهی هر دو رکعت را با وضو و مسواک جدید میخواندند. همه این روشها جایز و صحیح اند.

از نظر قرائت گاهی در چهار رکعت، در رکعت اول سوره ی بقره و دوم آل عمران، و در سوم نساء و در چهارم سوره ی مائده را میخواندند. در رکوع، سجده، قومه و جلسه هم به نسبت قیام، درنگ میکردند. گاهی در یک رکعت هر چهار سوره را با هم میخواندند.

حضرت عثمان ؓ در یک رکعت وتر تمام قرآن کریم را ختم میکردند و لیکن مستحب آن است که روزانه مقداری بخواند که بتواند همیشه بر آن عمل و دوام داشته باشد. در ماه یک یا دو یا سه بار قرآن کریم را ختم کند.

اکثر صحابه ی کرام در هفت شب یک بار قرآن را ختم میکردند شب اول: سه سوره ی بقره، آل عمران، و نساء، شب دوم: پنج سوره، و شب سوم: هفت سوره، شب چهارم: نه سوره، شب پنجم: یازده

سوره، شب ششم: سیزده سوره، شب هفتم: تا آخر قرآن، و این ختم را «فمی بشوق» می‌نامند.

نماز اشراق، ضُحی، تراویح و تحية المسجد: بعد از ادای نماز صبح با جماعت، تا بر آمدن آفتاب، در ذکر و ثنای الهی مشغول شدن مستحب است.

پس از بر آمدن آفتاب دو رکعت یا چهار رکعت نماز نفل خوانده شود، و این نماز را «نماز اشراق» می‌گویند، و به مقدار یک حج و یک عمره کامل ثواب دارد به شرطی که قبل از آن، ذکر و ثناء هم باشد.

قبل از زوال آفتاب هم هشت رکعت نماز مستحب است و آن را نماز «ضحی» می‌گویند، و بعد از زوال قبل از ظهر هم چهار رکعت خوانده شود. نیز بعد از وضو دو رکعت «تحية الوضوء» مستحب است.

هنگام دخول مسجد هم دو رکعت «تحية المسجد» سنت است. جماعت در نفل مکروه است مگر در ماه مبارک رمضان که بیست رکعت نماز تراویح با جماعت ادا می‌شود، و هر دو رکعت با یک سلام خوانده می‌شود. در کل ماه مبارک رمضان در نماز تراویح یک بار ختم قرآن ثواب بسیار دارد، و در صورتی که مقتدیان اشیاق بیشتری داشته باشند دو ختم، سه ختم هم سنت است. و بعد از هر چهار رکعت مقداری نشسته در ذکر خدا مشغول شود.

نماز وتر فقط در رمضان پس از تراویح با جماعت خوانده می‌شود. در بقیه اوقات خواندن آن با جماعت مکروه است.

نماز استخاره :

«استخاره» یعنی: از خداوند متعال طلب خیر نمودن در امری که انسان در آن حیران و سرگردان آید، و نمیداند کدام جانب را اختیار کند. در چنین صورتی وضو گرفته دو رکعت نفل بخواند و بعد از حمد خداوند و درود بر پیامبر اکرم ﷺ این دعا را بخواند:

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ، وَأَسْتَقْدِرُكَ بِقُدْرَتِكَ، وَأَسْأَلُكَ مِنْ فَضْلِكَ الْعَظِيمِ، فَإِنَّكَ تَقْدِرُ وَلَا أَقْدِرُ، وَتَعْلَمُ وَلَا أَعْلَمُ، وَأَنْتَ عَلَّامُ الْغُيُوبِ. اللَّهُمَّ إِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ خَيْرٌ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي)) أَوْ قَالَ: ((عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاقْدُرْهُ لِي وَيَسِّرْهُ لِي، ثُمَّ بَارِكْ لِي فِيهِ. وَإِنْ كُنْتَ تَعْلَمُ أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ شَرٌّ لِي فِي دِينِي وَمَعَاشِي وَعَاقِبَةِ أُمْرِي)) أَوْ قَالَ: ((عَاجِلِ أَمْرِي وَآجِلِهِ، فَاصْرِفْهُ عَنِّي، وَاصْرِفْني عَنْهُ، وَاقْدُرْ لِي الْخَيْرَ حَيْثُ كَانَ، ثُمَّ أَرْضِنِي بِهِ»¹.

آنگاه به هر سو که تمایل بیشتر حاصل شد، همان را اختیار کند.

1. رواه البخاری فی صحیحہ. ترجمہی دعا: «ای الله! به وسیلہی علمت از تو طلب خیر می‌کنم، و بوسیلهی قدرتت از تو توانایی می‌خواهم، از تو فضل بسیار را مسألت می‌نمایم، زیرا تو توانایی و من ناتوان، و تو می‌دانی و من نمی‌دانم، و تو داندہی امور پنهان هستی. الہی! اگر در علم تو این کار - حاجت خود را نام می‌برد - باعث خیر من در دین و آخرت است - یا می‌گوید: در حال و آیندہی کارم - آن را برایم مقدور و آسان بگردان، و در آن برکت عنایت فرما، و چنانچہ در علم تو این کار برایم در دنیا و آخرت باعث بدی است - یا می‌گوید: در حال و آیندہی کارم - پس آن را از من، و مرا از آن، منصرف بگردان، و خیر را برای من ہر کجا کہ هست مقدّر نما، و آنگاہ مرا با آن خشنود بگردان».

نماز توبه:

اگر کسی مرتکب گناهی شد، فوراً وضو گیرد و دو رکعت نماز بخواند و استغفار کند و از انجام آن گناه، با قلب پاک توبه کند، و بر گذشته نادم و پشیمان شود و عزم کند که آینده مرتکب چنین معصیتی نشود، امید است خداوند متعال از وی گذشت نماید. این نماز را نماز «توبه» می‌گویند.

نماز حاجت:

اگر کسی را حاجتی پیش آمد برای حل آن حاجت وضوء گرفته دو رکعت نماز بخواند و پس از حمد و صلوة این دعا را بخواند:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ أَسْأَلُكَ مُوجِبَاتِ رَحْمَتِكَ وَعَزَائِمَ مَغْفِرَتِكَ وَالْغَنِيمَةَ مِنْ كُلِّ بَرٍّ وَالسَّلَامَةَ مِنْ كُلِّ إِثْمٍ لَا تَدْعُ لِي ذَنْبًا إِلَّا غَفَرْتَهُ وَلَا هَمًّا إِلَّا فَرَجْتَهُ وَلَا حَاجَةً هِيَ لَكَ رِضًا إِلَّا قَضَيْتَهَا يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

امید است خداوند متعال حاجت او را برآورد.

نماز تسبیح:

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که: برای استغفار از تمام گناهان صغیره و کبیره به عموی خود حضرت عباس ؓ چهار رکعت نماز اینگونه تعلیم دادند: در هر رکعت بعد از قرائت 15 بار «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ»¹ بخواند. در رکوع ده بار، در قومه ده بار، در سجده هم ده بار، در سجده‌ی دوم هم ده بار و بعد از آن هم ده بار که

1- «الله پاک و منزّه است، و حمد از آن اوست، و هیچ معبودی به جز الله «بحق» وجود ندارد، و خدا بزرگترین است».

مجموعاً در هر رکعت هفتاد و پنج بار (75) و در مجموع نماز سیصد (300) بار بخواند، و مستحب است کسی که توانایی دارد در هر روز يك بار و گرنه هر هفته یکبار و گرنه هر ماه یکبار و إلا هر سال یکبار و إلا در تمام عمر این نماز را یکبار بخواند، و این را «صلوة التسبیح» گویند، و بهتر آن است که در این نماز از سوره های مسبحات که هفتاد خوانده شود. و مسبحات اینها هستند: سوره ی بنی اسرائیل، سوره حدید، سوره حشر، سوره صف، سوره جمعه، سوره تغابن، سوره اعلی.

نماز کسوف:

وقتی آفتاب را کسوف (یعنی گرفته) شد، سنت است که امام جمعه دو رکعت نماز با جماعت و قرائت طولانی بخواند، و رکوع و سجده را هم طولانی کند، و بعد از نماز به ذکر و دعا مشغول شود تا آفتاب روشن گردد، و اگر جماعت میسر نشود، هر کس به صورت جداگانه نماز بخواند. همچنین در خسوف، (گرفته شده مهتاب) زلزله، و طوفان شدید، مردم به صورت انفرادی باید نماز بخوانند و درخواست رفع آن حالت را بکنند.

طلب باران:

پیامبر اکرم ﷺ برای استسقا (طلب باران) گاهی فقط دعا می کردند، و گاهی در خطبه های نماز جمعه دعا می نمودند. خلیفه ی دوم حضرت عمر فاروق اعظم ؓ برای طلب باران بیرون می رفتند و فقط استغفار می کردند، لذا طبق مذهب حنفي برای طلب باران، نماز سنت مؤکده نیست بلکه استسقا فقط به دعا و استغفار گفته می شود، و

اگر به صورت نماز هم خوانده شود اشکالی ندارد.

نماز با جماعت از نبی اکرم ﷺ با روایت صحیح در استسقا ثابت شده است، بنابراین صاحبین و اکثر علماء قائل براین‌اند که: امام با مردم به عیدگاه یا صحرا بیرون رفته دو رکعت نماز با جماعت بخوانند و قرائت جهراً خوانده شود و بعد از نماز مانند عید دو خطبه خوانده شود که مشتمل بر حمد و ثناء و استغفار و دعای منقول استسقا باشد و آن دعا این است:

«اللَّهُمَّ أَسْقِنَا غَيْثًا مُغِيثًا مَرِيئًا مَرِيئًا، نَافِعًا غَيْرَ ضَارٍّ، عَاجِلًا غَيْرَ آجِلٍ»¹.

آنگاه فقط امام شال خویش را به عنوان نیک فالی قلب نماید².

شروع نماز نفل:

نماز نفل به محض شروع واجب می‌شود. پس اگر شروع نمود و فاسد کرد، دو رکعت قضا بجا آورد و اگر قبل از قعده‌ی اولی فاسد کرد دو رکعت و بعد از قعده‌ی اولی چهار رکعت قضا لازم می‌گردد. اگر کسی نذر کرد که فلان روز باید نفل بخوانم، یا روزه بگیرم، و در آن روز معین عذری پیش آمد که نتوانست روزه گیرد یا نفل بخواند، قضای آن نفل و روزه لازم می‌شود. خواندن نماز

1 - «الهی! به ما بارانی عطا فرما که باعث نجات گردد، گوارا و با خیر و برکت باشد، مفید و بدون ضرر باشد، زود بیارد و دیر نکند».

2 - یعنی: قسمت بالا را پایین و قسمت پایین را بالا برد و این اشاره بر این است که خدا این حال بد ما را به حال نیک و خوب تبدیل فرما.

نفل در حالت نشستن بدون عذر هم جایز است، ولی بهتر آن است که در حالت ایستاده بخواند.

سجده ي تلاوت:

کسي که آیه ي سجده را بخواند یا از دیگری بشنود، سجده بر وي لازم می‌گردد و لو اینکه قصد شنیدن نداشته باشد. از قرائت آیه ي سجده توسط امام، سجده کردن بر مقتدیها هم لازم می‌شود گرچه امام آهسته بخواند و از خواندن مقتدي بر دیگران سجده لازم نمی‌شود، مگر بر کسي که در حال خواندن نماز نباشد و از او بشنود.

خواندن آیه ي سجده در رکوع، سجده، قومه، جلسه و تشهد سجده را واجب نمی‌کند. اگر کسي بیرون از نماز آیه ي سجده خواند و دیگری مشغول نماز بود و سجده را شنید در داخل نماز نباید سجده کند بلکه بعد از فراغت از نماز سجده کند، و اگر داخل نماز سجده کرد، سجده صحیح نیست و اعاده اش بعداً لازم است و نمازش باطل نمی‌شود.

اگر امام آیه ي سجده خواند و کسي که خارج از نماز بود آن را شنید سپس به امام اقتدا کرد، اگر قبل از سجده کردن امام اقتدا نمود، با امام سجده کند، و اگر بعد از سجده کردن امام در همان رکعت اقتدا کرد اصلاً سجده نکند، و اگر در رکعتی دیگر اقتدا کرد بعد از نماز سجده کند مانند کسي که اقتدا نکرده.

سجده ي تلاوتي که در نماز واجب شده در نماز ادا شود و بعد نماز قضا نکند. اگر کسي آیه ي سجده بیرون از نماز خواند سپس به نماز مشغول شد و باز همان آیه را در نماز خواند، برای هر دو يك سجده کافي است، و اگر اول سجده کرد باز در نماز خواند، سجده اي دیگر بر وي لازم می‌گردد.

اگر شخصی در يك جلسه آیهی سجده را تکرار کرد، يك سجده کافی است، و اگر در يك جلسه آیات متعدد سجده را تلاوت کرد یا جلسه متعدد شد، به تعداد جلسات و آیات متعدده سجده هم لازم می‌گردد. اگر جلسه‌ی قرائت کننده، یکی است و جلسه‌ی شنونده متعدد، بر خواننده يك سجده و بر شنونده سجده‌های متعدد لازم می‌شود. اگر جلسه‌ی خواننده متعدد و جلسه‌ی شنونده یکی است، بر شنونده يك سجده و بر خواننده سجده‌های متعدد لازم می‌شود.

طریقه‌ی سجده آن است که: اول واجد شرایط نماز باشد سپس تکبیر گوید، و فوراً به طرف سجده رود، و در سجده تسبیح گوید، سپس تکبیرگویان سر خود را از سجده بردارد. این يك سجده‌ی تلاوت حساب می‌شود، و در سجده‌ی تلاوت تکبیر تحریمه، تشهد، سلام و قرائت وجود ندارد، خواندن سوره و ترك آیه‌ی سجده مکروه است، و بهتر است که آیه‌ی سجده را آهسته بخواند تا بر شنونده‌ها سجده لازم نگردد.

کتاب الجنائز

به یاد آوردن مرگ و همراه داشتن وصیتنامه‌ای مشتمل بر آنچه وصیت به آن لازم است مستحب است. هنگامی که مسلمانی مُحْتَضَر شد (در حال مرگ قرار گرفت) به شهادتین (کلمه‌ی طیبه لا إله إلا الله محمد رسول الله) تلقین شود، و سوره‌ی یس بر وی خوانده شود و چون بمیرد صورتش را بپوشانند و در دفن او عجله کنند.

نحوه‌ی غسل میت:

هنگامی‌که بخواهند میت را غسل دهند ابتدا بر همان محل غسلش که تخته یا چیز دیگری باشد خوشبو بمالند سپس لباسهایش را درآورده، عورتش را بپوشانند، اگر نجاستی وجود داشت آن را پاک کنند و وضویش بدهند، بدون اینکه مضمضه و استنشاق داده شود، آنگاه با آب گرم غسل دهند، و سر و ریشش را با شامپو و بقیه‌ی بدنش را با صابون، پاک و نظیف کنند.

ابتدا بر پهلوی چپ سپس بر پهلوی راست بخوابانند، و آب بریزند، سپس تکیه‌اش بدهند و شکمش را آهسته ماساژ دهند، و اگر چیزی بیرون آید پاک کنند ولی برگرداندن غسل ضروری نیست، آنگاه با حوله‌ای خشک کرده، بر سر و ریشش خوشبو (مانند عطر، گلاب، ادکلن و غیره) بزنند و بر اعضای سجده‌اش کافور بمالند.

نحوه‌ی تکفین میت:

میت را این گونه کفن کنند: برای مرد کفنی تا نصف ساق درست می‌کنند که آن را «قمیص» می‌گویند، و دو کفن دیگر از سر تا پا که آنها

را «ازار» و «لفافه» گویند، و مرد را سه کفن سنت است. و در حدیث روایت شده که پیامبر اکرم ﷺ را در سه چادر کفن کردند.

بستن عمامه یا دیگر شیء اضافه بر میت جایز نیست. اگر سه کفن میسر نشود پس هرچند که به دست آمد، در همانها کفن کنند، زیرا حضرت حمزه رضی الله عنیه پیامبر ﷺ را در يك چادر کفن کردند، آن هم کفایت نمی‌کرد اگر سرش را می‌پوشانیدند پاهایش ظاهر می‌شد و اگر پاهایش را می‌پوشانیدند سرش ظاهر می‌شد، در آخر، رسول گرامی ﷺ فرمودند: «سرش را بپوشانید و روی پاهایش مقداری گیاه بریزید».

چنان که به همین صورت عمل شد.

زن را پنج کفن سنت است، دو کفن دیگر که با یکی سینه‌اش را تا زانو می‌پوشانند و با دیگری موهای سرش را جمع کرده می‌بندند و روی سینه می‌گذارند.

غسل دادن مسلمان، کفن کردن و نماز جنازه بر وی گزاردن و دفن کردن، فرض کفایی است. بدون غسل و کفن، نماز جنازه صحیح نیست.

برای امامت در نماز جنازه اولاً سلطان یا رئیس جمهور مستحق است، ثانیاً امام جمعه و محله، ثالثاً نزدیکترین ولی میت.

طریقه‌ی ادای نماز جنازه:

نماز جنازه دارای چهار تکبیر است اول نیت کند، سپس تکبیر گوید، بعد از تکبیر اول ثنا خوانده شود، و بعد از تکبیر دوم درود بر پیامبر اکرم ﷺ، و بعد از تکبیر سوم این دعا را برای میت و جمیع مسلمانان بخواند:

«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِحَيِّنَا، وَمَيِّتِنَا، وَشَاهِدِنَا، وَعَائِنَا، وَصَغِيرِنَا، وَكَبِيرِنَا وَذَكَرِنَا، وَأُنْثَانَا، اللَّهُمَّ مَنْ أَحْيَيْتَهُ مِنَّا فَأَحْيِهِ عَلَى الْإِسْلَامِ، وَمَنْ تَوَفَّيْتَهُ مِنَّا فَتَوَفَّهُ عَلَى الْإِيمَانِ. اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْنَا أَجْرَهُ، وَلَا تُضِلَّنَا بَعْدَهُ»¹.

(در صورتی که جنازه زن باشد به جای ضمیر مذکر ضمیر مؤنث بیاورد).
بر جنازه‌ی کودک این دعا خوانده شود:
«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا فَرَطًا، اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا أَجْرًا وَ دُخْرًا اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ لَنَا شَافِعًا مُشَفَّعًا»².

پس از تکبیر چهارم سلام گوید. اگر کسی بعد از اینکه امام چند تکبیر گفته بود، به نماز حاضر شد، منتظر تکبیر دیگر امام شود آنگاه با امام تکبیر گوید، و پس از اینکه امام سلام گفت، تکبیرات فوت شده را قضا کند.

نماز جنازه باید در حالت ایستاده و رو به قبله خوانده شود. خواندن نماز جنازه در داخل مسجد مکروه است.

خواندن نماز جنازه بر میت غائب یا کسی که کمتر از نصف اعضای بدنش موجود است، روا نیست. اگر کودکی از دارالحرب اسیر شد، یا بدون اجازه‌ی والدین خود مسلمان شد و یا یکی از والدینش مسلمان شد، سپس آن کودک وفات کرد، در هر سه صورت، نماز جنازه بر وی خوانده شود. سنت است که چهار نفر تابوت جنازه را حمل نموده، آهسته حرکت کنند، و بقیه‌ی مردم به

1- «الهی! زنده و مرده، حاضر و غایب، کوچک و بزرگ، مرد و زن ما را مورد آموزش قرار دهد، یا الله!

هرکسی را از میان ما زنده نگه می‌داری بر اسلام زنده‌اش نگاه دار، و هرکسی را میرانی بر ایمان

بمیران. بار الها! از اجر این متوفی ما را محروم مگردان، و بعد از وی ما را گمراه نکن».

2- «خدایا! او را میزبان و ذخیره و شفاعت کننده‌ای که شفاعتش قبول شود برای ما قرار بده».

دنبال جنازه در حرکت باشند، تا زمانی که جنازه بر زمین گذاشته نشده، مردم ننشینند. همچنین کندن لحد در قبر و گذاشتن میت از جانب قبله داخل قبر سنت است. هنگام گذاشتن این دعا را بخوانند: «بِسْمِ اللَّهِ وَعَلَى مِلَّةِ رَسُولِ اللَّهِ»¹. رویش را به جانب قبله مایل کنند، سپس لحد را با خشت خام یا نی ببندند و قبر را به صورت «مُسَنَّم» (کوهان مانند) در آورند. استفاده از آجر، سیمان و آهک، در قبر مکروه است.

مسأله:

ساختن گنبد بر قبور گرچه صاحب قبر از اول یا هم باشد و روشن کردن شمع یا چراغ و انجام خرافاتی از این قبیل، مکروه و حرام است، لذا باید از آنها احتراز کرد.

مسأله:

اگر میت دفن شد و نماز جنازه بر وی خوانده نشد، تا مدت سه روز پس از دفنش خواندن نماز جنازه بر قبرش جایز است بیش از سه روز جایز نیست.

احکام شهید:

کسی که توسط کفار یا باغی‌ها یا به دست قطاع الطريق (راهزنها) کشته شود یا در میدان کارزار مسلمین با کفار یافته شد، و بر وی اثر قتل ظاهر بود، یا از دست مسلمانی ظلماً و عمداً به قتل رسید و قبل از مردن برای معالجه، خوردن، آشامیدن، وصیت کردن، فرصتی نیافت، و پس از مجروح شدن تا حدی که نمازی بر وی فرض شود، زنده نماند، چنین فردی «شهید» نامیده

1 - «به نام الله و ملت رسول الله ﷺ میت را در قبر می‌گذارم».

می‌شود و در صورتی که کودک، یا جنب، یا زن حائضه، یا دیوانه نباشد، غسل داده نمی‌شود و با همان لباسهایش دفن شود.

اگر این شروط یافت نشود و با مظلومیت به قتل رسیده بود، حق شهید اخروی دارد، یعنی: از نظر اجر و پاداش شهید است اما از نظر احکام دنیوی غسل داده و کفن می‌شود. اگر کسی در حد شرعی یا بطور قصاص به قتل رسید، شهید نیست، غسل داده شود و نماز جنازه بر وی بخوانند. اگر راهزن یا باغی به قتل رسید، غسلش بدهند و کفن کنند، نماز جنازه بر وی نخوانند.

ماتم و عزاداری:

زنی که شوهرش فوت کرده تا مدت چهار ماه و ده روز عزاداری کند، و در طی این روزها در همان خانه‌ی شوهر بنشیند و از استفاده‌ی بوی خوش، سرمه، حنا و دیگر وسایل آرایش پرهیز کند، و لباسهای زیبا هم نپوشد و از خانه بیرون نرود مگر اینکه عذری برایش پیش آید. اگر کسی دیگر از خویشاوندان و فامیلهای او غیر از شوهر فوت کند، تا مدت سه روز سوگواری جایز است بیش از آن جایز نیست.

اظهار غم و اندوه و گریه کردن برای میت اشکالی ندارد ولی گریستن صدای بلند و نوحه کردن و چاک دادن گریبان و زدن بر سر و صورت و سینه همه‌ی اینها حرام اند، و در اکثر احادیث ذکر شده است:

«بر اثر نوحه خوانی خویشاوندان و ارتکاب اعمال غیر شرعی در عزاداری، به شخص مرده عذاب داده می‌شود».

لذا از اینگونه اعمال شدیداً باید احتراز کرد تا به مرده عذاب نرسد. سنت است که مسلمان در مقابل هر مصیبتی از خود تحمل و صبر نشان دهد و در مصیبتها همیشه این دعا را بخواند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ، اللَّهُمَّ أَجْزِنِي فِي مُصِيبَتِي وَأَخْلِفْ لِي خَيْرًا مِنْهَا»¹.

زیارت قبور:

زیارت قبرها برای مردان جایز و مستحب است ولی برای زنان جایز نیست. هنگام رفتن به زیارت قبرها خواندن دعای ذیل سنت است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ، مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ، وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لَاحِقُونَ [وَيَرْحَمُ اللَّهُ الْمُسْتَفْدِمِينَ مِنَّا وَالْمُسْتَأْخِرِينَ] أَسْأَلُ اللَّهَ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»².

از حضرت علی علیه السلام روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمودند: هر کس بر قبرها بگذرد و سوره ی اخلاص را یازده بار بخواند، و به مردگان ایصال ثواب کند، همان قدر که به آنها ثواب می‌رسد به خواننده هم می‌رسد.

از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت شده که: هر کس «فاتحه» و سوره «اخلاص» و سوره ی «تکواثر» را بخواند و ثواب آنها را به مردگان ببخشد مردگان روز قیامت برای او شفاعت خواهند کرد.

1- یعنی: «بدون تردید ما از آن الله هستیم و بازگشت همه‌ی ما بسوی اوست. الهی! مرا در مقابل مصیبت، پاداش ده، و در عوض آن چیز بهتری به من عنایت فرما».

2- یعنی: «سلام بر شما ای اهل این منزل، که مؤمن و مسلمان هستید، شما پیش روان هستید و ما بعد آینده گان، همانا ما نیز - إن شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، و خداوند بر گذشتگان و آیندگان ما رحم کند، از خدا برای خودمان و شما عافیت می طلبیم».

از حضرت انس رضی الله عنه روایت شده: هر کس سوره ی «یس» را هنگام عبور بر قبرها بخواند، از عذاب آنها کاسته می‌شود.

خواندن نوافل، دادن صدقه و انجام دیگر عبادات بدنی و مالی و ایصال ثواب به مردگان، ثواب زیادی دارد.

سجده بر قبور:

سجده بر قبور اولیا و بزرگان و امامان و طواف کردن آنها و کمک خواستن از آنها و دادن نذر برای آنان، همه ی اینها حرام و خلاف شرع‌اند بلکه بعضی از این اعمال مشرکانه، انسان را به کفر هم می‌رسانند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین افرادی را نفرین کرده و فرموده است: «قبر م را پرستشگاه خود قرار ندهید».

کتاب الزکاة

یکی دیگر از ارکان اساسی و مهم اسلام، زکات است که بر مسلمانان فرض گردیده است. هنگامی که پیامبر اکرم ﷺ وفات کردند، عده‌ای از قبایل عرب، از دادن زکات امتناع ورزیدند، آنگاه خلیفه‌ی اول مسلمین حضرت ابوبکر صدیقؓ با آنان اعلام جهاد کرد و اجماع امت هم بر این منعقد شده که چنانچه افراد و گروه‌هایی از دادن زکات منکر شوند باید با آنان جهاد نمود. مذکر فرضیت زکات کافر و تارک آن فاسق است.

زکات بر چه کسی فرض است؟

زکات بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، که مالک نصاب باشد و آن نصاب اضافه بر مایحتاج روزمره‌ی زندگی و قرض‌هایش باشد و آن نصاب «نامی» هم باشد و یک سال تمام بر آن بگذرد، واجب است.

مسأله:

«مال ضیّار» یعنی: مالی که گم شده یا در دریا افتاده یا کسی آن را غصب کرده و صاحب مال بر آن گواه ندارد و از دریافت آن عاجز است، یا در جایی دفن نموده که محلش معلوم نیست، یا به کسی قرض داده و مقروض منکر است و گواه هم موجود نیست، یا دولت آن را مصادره کرده، در چنین مالی زکات واجب نیست، و اگر زمانی مال فوق به دست آمد، زکات سالهای گذشته واجب نمی‌شود.

اگر به شخصی قرض داده که اعتراف می‌کند و لی مُفلس است یا گواه موجود است یا اموال در خانه دفن و پنهان شده‌اند، آنگاه به دست آمده‌اند،

در چنین صورتهایی زکات سالهای گذشته واجب میشود و باید پردازد.

مسأله:

اگر کسی بر مردم قرض دارد و زکات آن قرضها را قبل از قبض دیون اداء کرد صحیح است و اگر زکات آنها را ادا نکرد تا وقتی که به دست آورد، باید زکات سالهای گذشته را بدهد.

نیت در زکات:

نیت ادای زکات باید همراه با وقت ادا یا جدا کردن مقدار زکات از بقیه مالها باشد. اگر کسی همه اموالش را در راه خدا صدقه کرد، زکات از وی ساقط میشود.

مسأله:

کامل بودن نصاب زکات در اول و آخر سال معتبر است وسط سال اعتباری ندارد.

زکات اموال نامیه:

اموال نامیه که در آنها زکات واجب است بر سه نوع اند:

نوع اول: نقود یعنی طلا و نقره که نصاب نقره دوصد درهم «یعنی 612 گرام» نقره یا قیمت آن به نرخ روز و طلا بیست مثقال «یعنی 87 گرام» میباشد.

مسأله:

اگر طلا و نقره مغشوش باشند (یعنی با آنها فلز و غیره آمیخته باشد) حکم طلا و نقره خالص دارند، و اگر اغلب در آنها فلز و غیره باشد، حکم عروض و اسباب تجارت دارند.

نوع دوم: اموال تجارت که قصد و نیت خرید و فروش در آنها با زکات در آنها لازم میشود و در

هر شهر و محله‌ای که باشند نرخ و قیمت همان شهر معتبر است. اموال تجارت هنگام ادای زکات به نرخ فروش روز باید قیمت گذاری شوند. نوع سوم: «سَوَائِم» هستند یعنی: گوسفند، شتر و گاو که اغلب سال در بیابان می‌چرند اگر به حد نصاب برسند زکات لازم است.

نصاب گوسفند چهل رأس است، یعنی: اگر چهل رأس گوسفند باشد که يك سال بر آنها بگذرد و اغلب سال در بیابان بچرند يك رأس در آنها زکات لازم است تا 120 رأس و از 121 رأس دو رأس تا 200 رأس، و از 201 رأس سه رأس تا چهارصد رأس، آنگاه از هر صد رأس گوسفند یک عدد گوسفند زکات لازم است.

نصاب شتر 5 شتر است که يك سال کامل بر آنها بگذرد و اغلب سال را در بیابان چریده باشند. يك گوسفند زکات در آنها لازم می‌شود، و از ده شتر دو گوسفند، از 15 شتر سه گوسفند، از بیست شتر چهار گوسفند، از بیست و پنج شتر يك بچه شتر يك ساله واجب می‌شود. در این باره به جدول ذیل توجه شود¹.

نصاب شتر در بحث زکات:

مقدار مقدار واجب در آن

نصاب

از 5-9 يك رأس گوسفند يك ساله

1 - مؤلف، نصاب زکات گوسفند، گاو و شتر را ذکر نکرده است و علت آن را عدم وجود این حیوانات به

حد کافی در سرزمین هند بیان کرده. با توجه به ضرورت آن در این مناطق نصاب آنها در متن کتاب

افزوده شد. مرادزی.

دو رأس گوسفند يك ساله	از 10- 14
سه رأس گوسفند يك ساله	از 15- 19
چهار رأس گوسفند يك ساله	از 20- 24
يك بچه شتر يك ساله (بنت مخاض)	از 25- 35
يك بچه شتر دو ساله (بنت لبون)	از 36- 45
يك بچه شتر سه ساله (حقه)	از 46- 60
يك بچه شتر چهار ساله	از 61- 75
دو نفر شتر دو ساله	از 76- 90
دو نفر شتر سه ساله	از 91- 124
دو نفر شتر سه ساله و يك رأس گوسفند	از 129- 125
دو نفر شتر سه ساله و دو رأس گوسفند	از 134- 130
دو نفر شتر سه ساله و سه رأس گوسفند	از 139- 135
دو نفر شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند	از 144- 140
دو نفر شتر سه ساله و يك بچه شتر يك ساله	از 149- 145
سه نفر شتر سه ساله	از 154- 150
سه شتر سه ساله و يك رأس گوسفند	از 159- 155
سه شتر سه ساله و دو رأس گوسفند	از 164- 160
سه شتر سه ساله و سه رأس گوسفند	از 169- 165
سه شتر سه ساله و چهار رأس گوسفند	از 174- 170

- از 185 - سه شتر سه ساله و يك بچه شتر يك
175 ساله
- از 195 - سه شتر سه ساله و يك بچه شتر دو
186 ساله
- از 204 - چهار شتر سه ساله يا پنج شتر دو
196 ساله

در جدول فوق طرح چگونگي ادای زکات در شترها
از 150 تا آخر، به شرح ذیل بیان شد:

که بعد از 150 شتر در هر پنج شتر يك گوسفند لازم
است، سپس از 1 تا 35 يك بچه شتر يكساله و از 36
تا 45 يك شتر دو ساله و از 46 تا 50 يك شتر سه
ساله لازم می‌شود سپس طبق روش بیان شده از هر
پنج شتر يك گوسفند الخ بدینگونه تا هزارها
شتر طرح زکات برای ما مشخص می‌شود.

یادآوری:

- 1- گوسفند باید يك سال تمام بر او بگذرد و نر
و ماده مساوي‌اند یعنی مجاز است که گوسفند نر
بدهد یا ماده.
- 2- هر جا که چهار شتر سه ساله واجب می‌شود در
عوض آنها می‌تواند پنج شتر دو ساله بدهد.
- 3- شتری که زکات می‌دهد باید حتماً شتر ماده
باشد دادن شتر نر جایز نیست، مگر اینکه شتر
نر و ماده قیمت شوند و در صورت اضافه شدن
قیمت شتر ماده از نر اگر بخواهد نر بدهد، یا
به تفاوت قیمت را همراه با شتر نر زکات بدهد.
- 4- طرح مذکور فقط در صورتی واجب الإجراء است که
شترها برای دامداری باشند و چنانچه برای
تجارت باشند زکات در جمع قیمت آنها با بقیه
سرمایه لازم می‌شود.

نصاب گاو:

گاو اگر به تعداد سي رأس برسند كه اغلب سال را در بيابان بچرند و براي دامياري باشند نه براي خريد و فروش به شرح ذيل در آنها زكات لازم است.

مقدار مقدار واجب در آن نصاب

از 39 - 30 يك رأس گوساله يكساله، نر يا ماده (تبيع يا تبیعة)

از 59 - 40 يك رأس گوساله دو ساله

از 69 - 60 دو رأس گوساله يك ساله

از 79 - 70 يك رأس گوساله يكساله و يك رأس دو ساله

از 89 - 80 دو رأس گوساله دو ساله

از 99 - 90 سه رأس گوساله يكساله

از 109 - دو رأس گوساله يك ساله و يك رأس دو ساله

از 119 - دو رأس دو ساله و يك رأس يك ساله

آنگاه در هر ده گاو، مقدار واجب از يك ساله به دو ساله تبديل ميشود.
مسأله:

اگر كسي معدني از طلا، نقره، آهن، مس و غيره در بيابان يافت يك پنجم آن متعلق به حكومت اسلامي است و باقيمانده متعلق به يابنده است. در صورتي كه زمين ملك كسي نباشد، و اگر زمين مملوك است چهار قسمت آن متعلق به مالك است، و

اگر در خانه‌ی خویش چنین معدنی یافت از نظر امام اعظم:؛ خمس در آن لازم نیست و از نظر صاحبین لازم است.

مستحق و مصرف زکات:

کسی که مسکن، نفقه، اسباب و وسایل مورد احتیاج (به قدر وسع و توانایی خودش) لوازم اضافه بر حاجت، طلا، نقره، اموال تجارت، و جه نقد و غیره که مجموع کل آنها معادل قیمت 612 گرم نقره که به نرخ روز قیمت شوند، برسد، داشته باشد برای او گرفتن زکات و دادن زکات به او جایز نیست و اگر کمتر از مقدار فوق داشته باشد مستحق زکات است.

مسأله:

ساختن مساجد، مدارس، تکفین میت، ادای قرض میت، ساختن پل، حفر چاه، راه‌سازی، و هر چیزی که در آن تملیک نیست از مال زکات، جایز نیست.

مسأله:

دادن زکات به فقیر غیر مدیون بیش از حد نصاب، یا زکات را از یک شهر و محله به دیگر شهر و محله‌ای منتقل کردن، مکروه است مگر اینکه در آن شهر خویشاوندان و فامیل او باشند یا محتاج‌تری وجود داشته باشد. آنگاه مستحب است به آنجا برسد.

مسأله:

هر کس طعام و غذای یک روز را داشته باشد سؤال کردن برای خودش حرام است.

صدقه‌ی فطر:

صدقه فطر بر هر فرد مسلمان، عاقل بالغ که مالک نصاب باشد و آن نصاب زاید بر دیون و

حوائج اصلی او باشد، واجب است و اضحیه هم بر چنین فردی لازم می‌شود. صدقه‌ی فطر را از طرف خود و عائله‌ی خویش اداء نماید و وجوب و ادای آن بعد از طلوع فجر روز عید تا قبل از نماز عید است، و اگر قبل از آن روز در ماه رمضان ادا کرد جایز است. پس کسی که قبل از طلوع فجر روز عید بمیرد، یا بعد از صبح متولد و یا به اسلام مشرف شود، صدقه‌ی فطر بر او واجب نیست.

مقدار صدقه‌ی فطر:

مقدار صدقه‌ی فطر نصف صاع از گندم (250/2 کیلوگرام) یا قیمت معادل آن است. یا یک صاع کامل از خرما و جو بدهد. مستحق گرفتن صدقه‌ی فطر کسی است که استحقاق گرفتن زکات را داشته باشد، و دادن صدقه‌ی فطر به امام مسجد به عنوان حقوق ولو اینکه فقیر هم باشد، جایز نیست.

صدقات نافله:

صدقات نافله را می‌توان به والدین، خویشاوندان، یتیمان، مساکین، همسایه‌ها، سؤال کنندگان و غیره داد. بهتر آن است که هر چه اضافه بر حوائج اصلی و دیون و نفقات و حقوق واجبه باشد، آن را صدقه کند و در راه‌های نامشروع خرج نکند.

پیامبر اکرم ﷺ بعد از فتح خیبر نفقه‌ی یک سال را به ازواج مطهرات تحویل داد و هیچ چیز دیگر برای خودشان باقی نگذاشتند، هر چه میسر می‌شد، در راه خدا صدقه می‌کردند و خطاب به بلال ؓ

چنین فرمودند: «أنفق يا بلال ولا تخش من ذي العرش أقلالا». اي بلال! خرج كن آنچه داري و از مالك عرش اندیشه‌ي فقر و تنگدستی را مدار. مال را نباید بیهوده خرج كرد زیرا خداوند بیهوده خرج کنندگان را برادران شیطان معرفی کرده است. خرج بیهوده آن است که در آن، هیچ‌گونه نفع جایز دینی و یا دنیوی نباشد.

کتاب الصوم

يکي ديگر از ارکان اساسي اسلام، روزه است و بر هر فرد مسلمان، عاقل، بالغ، فرض است که ماه مبارك رمضان را روزه بگیرد. منکر آن کافر و تارک آن فاسق است.

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که خداوند عزوجل فرموده اند:

«هر عمل نیک بني آدم ده برا بر اجر و پاداش دارد مگر روزه که براي من است و من خودم پاداش و مزد آن هستم». شرط ادای آن، نیت و پاک بودن از حیض و نفاس است.

انواع روزه:

روزه بر شش قسم است:

قسم اول: روزهي ماه مبارك رمضان؛

قسم دوم: روزهي قضاء؛

قسم سوم: روزهي نذر معین؛

قسم چهارم: روزهي نذر غیر معین؛

قسم پنجم: روزهي كفاره؛

قسم شش: روزهي نفل؛

روزه ي ماه رمضان با هر نيتي ادا ميشود، مثلاً اگر کسی نیت روزهي مطلق یا نیت نفل و غیره کرد، نیت وي اعتباري ندارد و به جای روزهي رمضان واقع خواهد شد.

مگر اینکه کسی مسافر یا معذور باشد میتواند در آن روزها نیت روزهي قضا یا كفاره کند. اما صاحبین (امام ابو یوسف و امام محمد (رحمهما الله) میگویند: در هر صورت هر نيتي بشود، روزهي رمضان به جای آن حساب ميشود.

نذر معین با نیت مطلق و نیت نفل ادا می‌شود، و اگر نیت دیگر واجب کرد، به جای همان واجب حساب می‌شود. روزه‌ی نفل با نیت مطلق ادا می‌شود و برای نذر غیر معین، قضا و كفاره تعیین نیت شرط است.

نیت روزه:

وقت نیت روزه از غروب آفتاب تا طلوع صبح صادق است، و نیت روزه‌ی رمضان و نذر معین و نفل تا قبل از زوال آفتاب هم صحیح است. نیت قضا، كفاره و نذر معین بعد از طلوع جایز نیست. اگر شخصی در شب اول ماه رمضان نیت روزه کرد، سپس در وسط ماه رمضان چند روزی دیوانه شد و با همان حالت دیوانگی، آن روزها را روزه گرفت، آن روزهایی که دیوانه بوده قضا کند، زیرا نیت وجود نداشته و اگر تمام ماه رمضان دیوانه شد روزه ساقط می‌گردد و بعداً قضا لازم نیست. اگر يك لحظه به هوش آمد باز تا آخر ماه دیوانه شد، فقط قضای روزهای قبل از به هوش آمدن را به جای آورد.

رؤیت ماه:

روزه‌ی رمضان با رؤیت ماه رمضان یا با تمام شدن سی روز شعبان واجب می‌شود و برای رؤیت ماه رمضان در صورتی که مطلع ابر آلود یا دارای گرد و غبار باشد، شهادت يك مرد یا يك زن عادل کافی است.

برای رؤیت ماه شوال (عید فطر) در صورتی که مطلع صاف باشد لازم است جمع بزرگی ماه را مشاهده کنند آنگاه شهادت آنان مورد قبول واقع می‌شود. اگر شخصی ماه رمضان یا شوال را با چشم

خویش مشاهده نمود ولی قاضی شهادت او را قبول نکرد، افطار برای او جایز نیست بلکه روزه بگیرد و اگر افطار کرد قضا لازم می‌شود، نه کفاره.

روزه ي روز شك:

روزه گرفتن (يوم الشك) مکروه است، یعنی سیام شعبان که به لحاظ عدم رؤیت ماه، مشکوک است که این روز از شعبان است یا از رمضان، مگر برای کسی که همیشه اواخر هر ماه روزه می‌گیرد و این روز با همان روزهایی که در آنها روزه نفلی می‌گرفته موافق شود، در چنین صورتی روزه گرفتن نفلی اشکالی ندارد، ولی اگر بعداً ثابت شد که آن روز از روزهای رمضان بوده، به جای یک روز رمضان واقع می‌شود و لو اینکه نیت نفل یا دیگر واجبی کرده باشد.

قضا و کفاره

موارد وجوب قضا و کفاره:

اگر کسی در ماه مبارک رمضان در حالت روزه عمدتاً جماع کرد یا عمدتاً غذا و دوا خورد یا آب آشامید، روزه اش فاسد می‌شود و بر وی قضا و کفاره لازم می‌گردد.

برای کفاره باید غلامی آزاد کند یا شصت روز متوالی روزه گیرد

ماه‌هایی را برای روزه گرفتن انتخاب کند که در وسط آنها ماه رمضان، ایام تشریق و عیدین نباشند. اگر در طی دو ماه چند روز را روزه نگرفت، آن روزها از نظر کفاره باطل می‌شوند و

برای كفاره از نو شصت روز باید روزه گیرد مگر عذر حیض.

اگر استطاعت روزه گرفتن ندارد به شصت مسکین طعام دهد یا به مسکینی نصف صاع (250/2 کیلوگرام) گندم یا قیمت آن را بپردازد.

اگر روزه‌ی قضا یا كفاره یا نذر را فاسد کرد، كفاره لازم نمی‌شود. اگر در يك رمضان روزه‌ی چند روز را فاسد کرد، در صورتی که برای روز اولی یا دومی كفاره نداد، برای همه يك كفاره کافیست، و اگر كفاره داده بود فقط از روزه‌های گذشته كفاره واقع می‌شود و برای بعدی‌ها جدیداً كفاره دهد.

اگر كفاره از دو رمضان بر وی لازم بود، كفاره‌ی هر رمضان را جداگانه بپردازد.

موارد وجوب قضا:

اگر کسی جبراً افطار کرد، یا حقنه شد؛
یا در گوش و بینی‌اش دارو چکانیده شد؛
یا در زخم شکم یا زخم سر، دارو چکانیده شد و دارو به جوف دماغ رسید؛
یا خاک، سنگریزه یا چیزی که با آن تغذی و تداوی نمی‌شود، فرو برد؛
یا عمداً به مقدار پری دهان استفراغ نمود؛
یا به گمان اینکه هنوز شب است سحری خورد، سپس معلوم شد که فجر طلوع کرده؛
یا به گمان اینکه آفتاب غروب کرده، افطار نمود و حال آنکه آفتاب غروب نکرده؛
یا به فراموشی غذا خورد و گمان کرد روزه‌اش باطل شده سپس عمداً غذا خورد؛
یا به حلق کسی که خواب بود آب ریخته شد؛

یا با زنی در حال خواب یا بیهوشی یا دیوانگی جماع شد؛

در همه‌ی این صورتها فقط قضای آن روز واجب است نه كفاره.

همچنین اگر در رمضان نه نیت روزه کرد و نه نیت افطار و از مفطرات روزه چیزی از او به وقوع نپیوست فقط قضا لازم می‌شود.

موارد عدم وجوب قضا:

اگر در حال فراموشی از روزه، غذا خورد یا آب آشامید یا جماع کرد، روزه‌اش فاسد نمی‌شود و قضا هم لازم نیست. همچنین از احتلام و انزال با شهوت و استعمال روغن بر بدن و مصرف سرمه در چشم و غیبت کردن و حجامت و استفراغ بدون قصد و اختیار یا استفراغ عمدی که از پری دهان کمتر باشد و رفتن آب در گوش، از همه‌ی اینها روزه فاسد نمی‌شود. اگر در آلت تناسل روغن یا چیز دیگری چکانید روزه فاسد نمی‌شود.

مسأله:

اگر با زنی که مرده است، یا در غیر سبیلین، یا با حیوانی جماع کرد، یا از زن بوسه گرفت یا با شهوت لمس نمود، اگر انزال شد روزه فاسد و قضا لازم می‌شود، و اگر انزال نشد روزه فاسد نمی‌شود. غذایی که در خلال دندانها وجود داشت اگر با دست بیرون آورد و خورد روزه‌اش فاسد می‌گردد، و اگر با زبان بیرون آورد، در صورتی که از مقدار نخود کمتر باشد روزه فاسد نمی‌شود، و اگر مقدار نخود باشد، روزه فاسد و قضا لازم می‌آید.

و اگر دانه کنجدي يا مقدار آن را در دهان انداخته فرو برد، روزه فاسد می‌شود. اگر جوید بطوري که در دهان متلاشي شد، فاسد نمی‌شود. مسأله:

چشیدن و جویدن چیزی بدون عذر مکروه است، و جویدن غذا برای کودک در صورت ضرورت جایز است. مضمضه، استنشاق، غسل نمودن و پارچه‌ی تر استفاده کردن برای دفع گرمی، مکروه است زیرا بر بی‌تحملی و بی‌صبري روزه‌دار دلالت می‌کند و این ممنوع است.

اگر در شب جنب شد و تا صبح با همان حالت باقی ماند روزه صحیح است، لیکن مستحب آن است که قبل از طلوع فجر غسل کند.

مسأله:

علما اتفاق نظر دارند که روزه از دروغ گفتن، غیبت کردن و فحش گفتن، فاسد نمی‌شود ولی شدیداً مکروه و از ثواب آن کاسته می‌شود و به قدری گناه دارد که امام اوزاعي:؛ می‌گوید: روزه‌ی او بطور کلی باطل می‌شود، زیرا که رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «هر کس دروغگویی را ترک نکرد و از معصیتها باز نیامد، خداوند متعال نیازی به روزه‌ی وی ندارد».

یعنی روزه‌اش مقبول بارگاه خداوند نیست. پس شایسته است که شخص روزه‌دار خودش را از تمام منکرات گناهان باز نگهدارد تا در روزه‌اش خللی وارد نشود.

مسأله:

اگر شخصی طعام می‌خورد یا جماع می‌کند در عین حال، فجر طلوع کرد، و با مجرد طلوع فجر غذا را از دهان بیرون انداخت و جماع را ترک کرد روزه‌اش صحیح است.

روزه ي مريض و مسافر:

اگر مريض از گرفتن روزه ترس تشديد مرض را داشته باشد، افطار برايش جايز است. همچنين اگر مسافر با گرفتن روزه در مضيقه ي شديد قرار مي گيرد، افطار برايش جايز است. اگر مسافر در حال جهاد باشد يا گرفتن روزه برايش مضر باشد، نگرفتن روزه بهتر است و اگر خوف هلاك با شد افطار واجب مي شود.

اگر مريض و مسافر در همان حالت سفر يا مرض فوت كردند، واجب نمي شود و اگر پس از سالم شدن و اقامت فوت نمودند، هر چند روز كه بعد از سالم شدن و مقيم شدن دريافته اند ولي آنها در مقابل هر روز مقدار نصف صاع (250/2) كيلو گرام گندم يا قيمت معادل آن را به فقرا بپردازد.

شيخ فاني (پير مرد يا پيرزني كه در حالت فنا شدن هستند و اميد بهبودي آنان نيست) در صورتي كه نتوانند روزه گيرند در قبال هر روز، نصف صاع گندم يا قيمت آن را به فقرا بدهند و چنانچه بعداً قدرت و توان قضا حاصل شد، قضا لازم مي شود.

زن حامله يا شير دهنده اي كه بر نفس خود يا بربچه ي خود احساس خطر كند، افطار كند و بعداً قضا بجا آورد. اگر كودكي در اثناي روز رمضان بالغ گرديد، يا كافري مسلمان شد، يا زن حائضه پاك شد، مستحب است كه بقيه ي روز را به منظور مشابّهت با روزه داران، افطار نکنند و قضاي آن روز فقط بر زن حائض لازم است بر بقيه لازم نيست.

روزه هاي نفلي:

روزه ي نفل به محض شروع واجب مي شود، مگر در روزهايي که در آنها گرفتن روزه صحيح نيست مانند: عيدين و سه روز ايام تشریق. افطار روزه ي نفلي بدون عذر صحيح نيست، اگر عذري پيش آمد افطار جايز است و بعداً قضا بجا آورده شود. گرفتن روزه در ايام تشریق و عيدين حرام است اگر کسي روزه گرفت، واجب است افطار کند و قضا هم لازم نيست.

روزه ي شش روز شوال:

گرفتن روزه ي شش روز شوال بعد از عيدالفطر ثواب بسيار دارد و در حديث آمده که: «هر کس آن شش روز را روزه گرفت، گويي همي سال را روزه گرفته است». پيامبر اکرم ﷺ در شعبان اغلب اوقات روزه مي گرفتند.

روزه ي سه روز هرماه:

روزه گرفتن سه روز در هر ماه سنت است گاهي پيامبر اکرم ﷺ ايام بيض (يعني سيزدهم، چهاردهم و پانزدهم هر ماه) را روزه مي گرفتند، و گاهي اول ماه، گاهي آخر ماه، گاهي از هر ده روز يك روز و گاهي دوشنبه، پنجشنبه و بالعکس روزه مي گرفتند.

روزه ي روز عرفه و عاشورا:

روزه گرفتن روز عرفه يعني نهم ذي الحجه نيز ثواب بسيار دارد. همچنين روزه گرفتن روز عاشورا (دهم محرم) بسيار ثواب دارد، و مستحب است که يك روز قبل

از عاشورا یا بعد از عاشورا هم روزه بگیرد تا مشابه با یهودیان نشود.

کراهیت صوم دهر و صوم وصال:

صوم دهر (تمام روزه‌های زندگی را روزه گرفتن) و صوم وصال (پیای روزه گرفتن) مکروه است و بهترین صیام، صیام حضرت داود علیه السلام است که یک روز روزه می‌گرفتند و یک روز افطار می‌کردند. خلاصه، بهترین عبادت آن عبادتی است که انسان روی آن مداومت داشته و هیچگاه ترک نکند. اگر زن بدون اجازه‌ی شوهر روزه‌ی نفلی بگیرد روزه‌اش درست نیست. همچنین نوکر و غلام بدون اجازه‌ی مالک نمی‌توانند روزه بگیرند.

اعتکاف:

اعتکاف ده روز آخر ماه رمضان در مسجد سنت است، و اگر کسی اعتکاف نذر کرد، اعتکاف بر او واجب می‌شود و در اعتکاف واجب روزه شرط است، ولی در اعتکاف نفلی روزه لازم نیست. اقل مدت اعتکاف از نظر امام اعظم:؛ یک روز است، و از نظر امام ابویوسف:؛ اکثر روز، و از نظر امام محمد:؛ یک ساعت هم اعتکاف صحیح است. آنچه برای معتکف جایز و یا غیر جایز است: بیرون آمدن معتکف از مسجد صحیح نیست مگر برای قضای حاجت یا غسل و وضو و نماز جمعه و اگر برای نماز جمعه به مسجدی دیگر رفت به محض اینکه نماز تمام شد باید برگردد و اگر آنجا درنگ کرد اعتکاف فاسد می‌شود. اگر یک لحظه بدون عذر از مسجد بیرون آمد، اعتکاف فاسد می‌شود و از نظر صاحبین اگر اکثر روز را بیرون از مسجد بگذراند اعتکاف فاسد

مي‌شود، و گرنه فاسد نمي‌شود. خوردن و نوشيدن، خواب و معامله بدون احضار کالا در مسجد صحيح است. در حالت اعتكاف جماع و مقدمات جماع مانند: بوسه و غيره جايز نيست. اگر جماع كرد اعتكاف باطل مي‌شود، و اگر از بوسه و دست زدن انزال شود، اعتكاف فاسد مي‌شود و إلا نه.

خاموشي مطلق براي معتكف مكروه است بلكه از كلام دنيوي و بيهوده احتراز كند. تلاوت قرآن كريم، نفل و اذكار در حالت اعتكاف ثواب بسيار دارد.

مسأله:

اگر كسي اعتكاف چند روز را نذر كرد، شبهاي آن روزها هم اعتكاف لازم مي‌شود و اگر يك ماه اعتكاف نذر كرد، يك ماه پياپي اعتكاف لازم مي‌شود.

کتاب التقوي

پس از انجام ارکان و فرايض اسلام، دانستن آنچه حرام، مکروه و مشتبّه است براي يك فرد مسلمان الزامي است. خودداري از مرتکب شدن مشتبّهات به علت احتياط عدم وقوع در حرام و مکروه، از ضروريات اسلامي است.

بيان خوردنيها:

خوردن گوشت جانوري که به خودي خود بدون ذبح شرعي مرده است و جانوري که آن را کافري غير اهل کتاب ذبح نموده، حرام است.

همچنين جانوري را که مسلمان يا اهل کتابي ذبح کرده ولي عمداً ترك تسميه نموده، حرام است، و اگر تسميه را فراموش کرده حلال است.

خوردن گوشت چهارپايان و پرندگان درنده مانند: گرگ، کفتار، روباه، سگ، شاهين و غيره و جانوران خزنده در زمين مانند: موش، مار و حشرات، مانند: زنبور، لاک پشت و جانوراني که اغلب غذاي آنها نجس است، حرام است.

خوردن گوشت زاغ که هم دانه و هم نجاست ميخورد، مکروه است.

خوردن گوشت اسب حلال است. زاغي که فقط دانه ميخورد و خرگوش و ديگر حيوانات بياباني حلال اند. از حيوانات دريا فقط انواع ماهي حلال است، بقيه حرام اند.

مسأله:

خوردن طعام و ميوه جات به نيت تقويت بر عبادت در حد سير شدن، مباح و ثواب دارد و خوردن بيش از سيري در حد اسراف و شکم پر کردن حرام است، مگر به قصد روزه يا به خاطر مهمان.

مسأله:

در حالت مخمسه (يعني هنگام اندیشه‌ي مرگ و مواقع اضطراري) اگر طعام حالي میسر نشود، می‌توان از محرمات به‌قدری که از مرگ نجات حاصل شود، خورد. بلکه در چنین حالی خوردن فرض است، اگر نخورد و بمیرد گنهکار و مسئول خواهد بود. استفاده از اموال دیگران به مقدار نجات جان جایز است ولي بعداً قیمت آن را به مالک بپردازد.

مسأله:

کلیه‌ي اقسام شراب در صورتی که مست کننده باشند، حرام و نجس هستند. همچنین هر چیز ناشه کننده مانند ترياك، هروئین و دیگر مواد مخدر حرام است و از شراب هیچگونه استفاده‌اي حتي به عنوان علاج و مداوا هم جایز نیست.

آداب غذا خوردن و آب آشامیدن:

سنت است که اولاً «بسم‌الله» گفته شود و در آخر «الحمد لله» و قبل از غذا و بعد از غذا دستها شسته شوند.

آب با سه جرعه با دست نوشیده شود و با هر جرعه «بسم‌الله» گفته شود.

مسأله:

اگر يك نفر عادل به طهارت یا نجاست آب خبر دهد، قولش مورد قبول است، و اگر فاسق یا مستور الحالی (کسی که عدالت و فسقش معلوم نمی‌شود) به نجاست آب خبر دهد، باید فکر و تأمل کرد و بر غالب رأی خود عمل نمود. پس اگر غالب ظن در راستگویی وي است آبها را بریزد و تیمم کند، و اگر ظن غالب در کذب است می‌تواند هم وضو بگیرد و هم تیمم کند.

مسأله:

گوشتی که از مسلمان یا اهل کتاب خریداری شود حلال است، و گوشتی که از بقیه‌ی کفار خریداری شود، حرام است.

مسأله:

قبول ضیافت و هدایا از امیران، حکام ظالم، زن رقاصه و فاحشه جایز نیست. اگر یقین کند که این هدایا که به او داده می‌شود از طریق حلال به دست آمده، جایز است ولی بهتر بنا بر احتیاط، عدم قبول است.

آداب لباس:

پوشیدن لباس به مقدار ستر عورت و دفع سرما و گرما بر همه‌ی افراد فرض است، و بیشتر از آن مقدار، جهت زینت و اظهار نعمتهای خداوند و ادای شکر مستحب است.

از پوشیدن لباسهای خیلی نازک باید احتراز کرد. بخصوص پوشیدن لباسهای نازک و ظریف برای زنان در صورتی که مسایل شرعی رعایت نشود، حرام است.

مسأله:

پایین بودن شلوار و پیراهن از شتالنگ و قوزک پا جایز نیست.

رها نمودن شمله‌ی عمامه به قدر یک وجب یا نیم متر مستحب است.

تکلف در لباس به نیت اسراف و تکبر و خودنمایی حرام است.

پوشیدن لباسی که با زعفران رنگ شده برای مردان حرام است.

پوشیدن لباس قرمز برای مردان مطلقاً مکروه است.

پوشیدن لباسهایی که از ابریشم خالص باشند برای مردان حرام است، و اگر تار و پود آن کاملاً از ابریشم نباشد، اشکالی ندارد. بافتن فرش و پشتی از ابریشم خالص از نظر امام اعظم: جایز است و از نظر صاحبین جایز نیست. پوشیدن زیور آلات مانند: طلا و نقره برای زنان جایز است، و برای مردان جایز نیست. داشتن انگشتر نقره برای قاضي و پادشاه جهت مهر در انگشت جایز است و برای دیگران جایز نیست¹. استفاده از ظروفی که از طلا یا نقره باشند یا میز و صندلی که از طلا یا نقره ساخته شده اند، نشستن بر آنها و غذا خوردن در آن ظروف مطلقاً حرام است. پوشیدن طلا و نقره به پسر بچه ها جایز نیست.

بیان وطی و دواعی آن:

جماع با زن منکوحه ی خویش در حالت حیض و نفاس و در محل غیر مشروع (دُبُر) حرام است. همچنین عمل لواط قطعاً حرام و منکر حرمت آن کافر است. نگاه کردن به سوي زن غیر محرم یا به سوي اُمُرْد (پسر بی ریش) دست زدن، غمزه و اشاره با شهوت حرام است. مسأله:

نگاه کردن به عورت دیگران حرام است مگر و قت ضرورت شرعی مانند: نگاه دکتر و طبیب، ختنه کننده و قابله. مرد میتواند به اعضای مرد به غیر از محل عورت که از ناف تا زانو است نگاه

1 - این نظر مؤلف مرحوم است ولی طبق نظر فقها پوشیدن انگشتر نقره برای مردان جایز است البته

پوشیدن انگشتر طلا حرام و غیر جایز است. (م)

کند. نیز زن در مقابل زن از ناف تا زانو عورت است و نگاه زنان هم در این محدوده جایز نیست. خلاصه، نگاه مرد به عورت مرد یا نگاه زن به عورت زن، نیز نگاه مرد به زن غیر محرم و نگاه زن به مرد غیر محرم جایز نیست. چنان که خداوند متعال می‌فرماید:

﴿قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ ۚ ذَٰلِكَ أَزْكٰى

هُم ۖ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ ﴿۳۰﴾ وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ

أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا

ط... ﴿ (سوره نور/30-31) .

«به مردان مؤمن بگو که چشمانشان را [از دیدن نامحرم] فرو پوشند و پاکدامنی ورزند. این برایشان پاکیزه‌تر است. بی‌گمان خداوند از آنچه می‌کنند با خبر است * و به زنان مؤمن بگو: چشمانشان را [از نگریستن به نامحرم] فرو پوشند و پاکدامنی ورزند و زینت خود را آشکار نکنند مگر آنچه از آن که آشکار است...».

از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده که: هر کس به سویی زن غیر محرم با شهوت نگاه کند، روز قیامت در چشمهایش سرب گرم و گداخته، ریخته می‌شود.

مسأله:

مرد می‌تواند به تمام بدن زن خویش نگاه کند ولی مستحب است که به عضو مخصوص نگاه نکند. کسی که قصد ازدواج با زنی را دارد می‌تواند او را نگاه کند.

مسأله:

عزل (یعنی بیرون ریختن منی تا بچه به ظهور نییوندد) بدون رضایت زن جایز نیست.

آداب کسب و تجارت:

کسب حلال برای امرار معاش یکی از واجبات اسلامی است و بهترین کسبها آن است که انسان خودش کار کند و امرار معاش نماید. زیرا حضرت داود علیه السلام از عمل خویش کسب معاش می‌کرد. و همچنین بقیه پیامبران [†] هر یکی دارای کسب و کاری بودند و از آن، امرار معاش می‌کردند. بهترین کسبها تجارت است در صورتی که خالی از دروغ، قسم بیجا و فریب باشد.

معامله باطل:

اگر مبیع (چیزی که روی آن معامله صورت گرفته) مال نباشد مانند میته، خون، و غیره چنین معامله‌ای را در اصطلاح شرع «باطل» می‌گویند. همچنین اگر مال باشد ولی مال با ارزش شرعی نیست مانند: پرنده در هوا یا فروش ماهی در دریا، مشروب، [مواد مخدر]، خوک، این نوع معامله هم باطل است. فروش شیر در پستان حیوان و حمل در شکم حیوان نیز باطل است.¹

1- یکی از شرایط انعقاد و صحت بیع، مال بودن مبیع است و «مال» را فقها چنین تعریف کرده‌اند که:

شریعت به آن ارزش مالیت داده باشد و در حالات عادی استفاده از آن جایز و مباح باشد. روی این

اساس، انواع مواد مخدر مال متقوم شرعی نیستند و خرید و فروش آنها بیع باطل است و هیچ نوع

عقدی روی آن منعقد نمی‌شود. مراد زهی.

حكم معامله ي باطل:

حكم بيع باطل آن است كه مشتري اصلاً مالک جنس نمي‌شود و آن شيء به فروشنده برمي‌گردد. حكم بيع فاسد آن است كه: در ملك مشتري داخل مي‌شود ولي فسخ آن معامله واجب است.

معامله ي فاسد:

معامله اي كه نتيجه اش به جدل و درگيري برسد، فاسد است، مانند: معامله ي پشم بر پشت گوسفند، يا معامله ي يك چيز غير معين، يا مجهول بودن مدت پرداخت ثمن.

پس اگر معامله صورت گرفت و هيچگونه مسئله اي به وجود نيامد، دوباره معامله صحيح مي‌شود. معامله با شرط، فاسد است. شرط فاسد آن را گويند كه: مقتضى معامله و از لوازم آن، نباشد و يك نوع نفع اضافي براي فروشنده يا خريدار در آن، قيد شده باشد مانند اينكه: منزل يا دكاني فروخته شود و شرط شود كه يك ماه يا يك سال ديگر، فروشنده از آن استفاده كند، آنگاه به مشتري تحويل دهد و امثال اينگونه شرطها.

حرمت ربا:

ربا و سود چه در معامله باشد و چه در قرض، قطعاً حرام است گرفتن.

دادن سود، از گناهان كبيره است كه بايد از آن دوري كرد. منكر حرمت آن كافر مي‌شود.

سود بر دو نوع است:

1- سود در فروختن نقد به نسيه يعني نقد را به نسيه فروختن.

2- سود در مقدار يعني اندك را به بسيار فروختن.

برای حرام بودن سود، شرط است که دو چیز موجود باشند، آنگاه هر دو نوع سود حرام می‌شود. یکی «اتحاد جنس» دوم «اتحاد قدر» یعنی کیل و وزن.

اگر یکی از این دو یافت شود و دیگری موجود نباشد، سود نسیه حرام است ولی اضافه گرفتن در مقدار جایز است. مثلاً اگر گندم به گندم یا نخود به عوض نخود یا خرما به خرما، طلا به طلا، نقره به نقره، آهن به آهن فروخته شود، هر دو شرط اینجا موجودند، پس نسیه و اضافه هر دو حرام می‌شوند.

و اگر گندم به نخود یا طلا به نقره یا جو به گندم فروخته شود، اضافه حلال است ولی نسیه دادن حرام می‌شود. زیرا گندم، نخود و جو، هر سه کیلی و پیمانه‌ای هستند و طلا و نقره هر دو وزنی و در قدر مشترک‌اند، اما جنس همه با هم تفاوت دارد. لذا در يك صورت حلال و در صورت دیگر حرام است.

اگر پارچه به پارچه یا گوسفند به گوسفند یا شتر به شتر اضافه فروخته و تعویض شود حلال است ولی نسیه حرام، زیرا وحدت جنس موجود است، ولی کیل و وزن موجود نیست. و اگر هر دو یعنی اتحاد جنس و قدر یافت نشوند، هم اضافه و هم نسیه حلال است مثلاً گندم به نقره یا عدس به آهن فروخته و تعویض شود، چون اتحاد جنس موجود نیست و اتحاد قدر هم موجود نیست، زیرا گندم و عدس کیلی و نقره و آهن وزنی می‌باشند.

یادآوری می‌شود معیار در کیلی و وزنی بودن اشیاء، فرموده‌ی پیامبر اکرم ﷺ و تعامل آن زمان است، و تغییرات و تحولات مردم عصرهای بعدی در آنها اعتباری ندارد.

مسأله:

تبدیل و معامله‌ی گندم به آرد گندم و خرماي تر به خرماي خشك و انگور به كشمش بطور مساوي جایز است. معامله‌ی اجناس نو و لوکس که در بازار ارزش خوبی داشته باشند با جنس بنجل و از قیمت افتاده در صورتی که از يك جنس باشند، بطور مساوي جایز است و کم و بیش جایز نیست.

مسأله:

قرضی که در آن هر گونه استفاده از مقروض به قرض دهنده برسد، حرام است.

اجاره‌ی فاسد:

همانطور که دوری و اجتناب از بیع فاسد و سود لازم است، از اجاره‌ی فاسده هم لازم است. اجاره را شرطهای غیر مناسب فاسد می‌کند مثلاً يك مغازه اجاره می‌شود اما مدت اجاره یا اجرت آن معلوم نیست، این اجاره فاسد است. یا عقد اجاره تمام می‌شود و چیزی که روی آن اجاره شده در آن وقت به مستأجر تحویل داده نمی‌شود بلکه ده روز یا يك ماه بعد تسلیم می‌شود این هم فاسد است.

مسأله:

چیزی که از کار کارگر به دست می‌آید دادن مقداری معین از آن به کارگر به عنوان اجرت، جایز نیست و چنین اجاره‌ای فاسد است. مانند اینکه بگوید: این مقدار گندم یا علف را درو کن و از هر ده دسته يك دسته یا از ده من يك من اجرت تو می‌باشد. چنین اجاره‌ای معمولاً خدلی رواج دارد ولی مردم از آن آگاه نیستند، لذا باید احتراز نمود.

مسأله:

در اجاره‌ي فاسد به کارگر اجر مثل داده می‌شود اما از مقداري که قبلاً تعیین شده اضافه داده نمی‌شود.

کم فروشي:

کم فروشي (یعني از میزان تحویل جنس به مشتري کم دادن و براي مشتري کم کردن در ثمن متعین) حرام است. زیرا خداوند متعال می‌فرماید: ﴿وَيْلٌ

لِّلْمُطَفِّفِينَ﴾ جهنم ویل، مخصوص کم فروشان است که در پیمانه، وزن و ثمن کمی می‌کنند. أعاذنا الله. مسأله:

تأخیر در ادای ثمن مبیع یا در مدت قرضي که بر او لازم و مدت آن معلوم است و تأخیر در مزد کارگر بدون عذر ممنوع است، زیرا پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «درنگ کردن غني در تحویل ثمن یا دیون ظلم است و به کارگر مزدش را بدهید قبل از اینکه عرقش خشک شود».

مقروض اگر از مقدار قرض متعین به قرض دهنده بیشتر بدهد فروشنده از مقدار جنس تحویلي جنس اضافه بدهد یا مشتري از ثمن آنها اضافه بدهد، با رضایت و بدون قید و شرط قبلي، جایز بلکه مستحب است.

نیرنگ در معامله:

نیرنگ، حيله بازي و دروغ در معامله جایز نیست و کسب حلال را حرام می‌کند و برکت را از بین می‌برد. رسول اکرم ﷺ روزي در بازار مقداري گندم دیدند که براي فروش تهیه شده بود، دست مبارك خویش را در آن گندمها فرو کردند دیدند

داخل گندمها خیس و تر است، فرمودند: «چرا اینها تر هستند؟» فروشنده گفت: بر اثر باران. پیامبر اکرم ﷺ در جواب فرمودند: «چرا گندمهای تر را ظاهر نگذاشتی تا مردم متوجه بشوند. هر کسی که با مسلمان در معامله نیرنگ بازی کند از امت من نیست».

مسأله:

اگر مشتری بعد از تمام شدن عقد معامله پشیمان شود و فروشنده از حق خود بگذرد و معامله را فسخ کند، اجر و مزد بسیار به او می‌رسد و گناهان او بخشوده می‌شود.

بیع مرابحه و بیع تولیه:

بیع بر دو قسم است-1: بیع مرابحه-2 بیع تولیه

«مرابحه» آن را گویند که: فروشنده جنس را طبق خرید خودش با نفع اضافی بفروشد. «تولیه» آن است که بر حسب خرید بدون نفع اضافی بفروشد. در صورت بیع تولیه، فروشنده موظف است واقعیت خرید را بگوید، و چنانچه از نظر کرایه و حمای مقداری روی آن اضافه خرج کرده، باید بگوید: این جنس این قدر تا اینجا برایم تمام شده و من به نرخ تمام شده می‌فروشم. بگوید: من این جنس را این قدر خریده‌ام، زیرا دروغ گو حساب می‌شود.

مسأله:

اگر کسی پارچه‌ای را مثلاً به صد تومان بفروشد و مشتری وجه ثمن را هنوز به بایع نسپرده قبل از آن، فروشنده آن پارچه را از مشتری به مبلغی کمتر از صد تومان خریداری می‌کند، چنین

معامله‌ای شرعاً صحیح نیست، زیرا حکم ربا را دارد.

مسأله:

اگر کسی جنس کیلی یا وزنی را طبق کیل و وزن خریداری می‌کند و سپس به دیگری می‌فروشد برای مشتری دوم استفاده و تصرف در آن صحیح نیست تا زمانی‌که آن جنس را خودش دوباره کیل و وزن نکند، زیرا احتمال اشتباه در کیل و وزن اولی وجود دارد و جنبه‌ی احتیاط باید رعایت شود.

مسأله:

فروش اموال منقول قبل از قبض جایز نیست، مثلاً شخصی ماشین خریداری می‌کند اما هنوز آن را در تصرف و اختیار خود نیاورده و تحویل نگرفته است، آن را به دیگری می‌فروشد این صحیح نیست لذا اول باید آن را تحویل گیرد آنگاه بفروشد.

معاملات غیر جایز:

انواع معاملات ذیل از نظر شرع مقدس اسلام صحیح نیستند و باید از آنها احتراز نمود:

1- بیع نجش:

شخصی در میان مشتریها قیمت و ارزش يك جنس را به این لحاظ بالا می‌برد که بقیه‌ی مشتریها را تشویق کند و خودش قصد خرید ندارد. مثلاً می‌گوید: من این جنس را به یکصد تومان خریدار هستم اگر کسی حاضر شود به صد تومان بخرد، باز می‌گوید: من به یکصد و پنجاه تومان خریداری می‌کنم و علی هذا القیاس این يك دلالتی است و جایز نیست.

2- معامله بر معامله‌ی دیگران:

شخصی در صدد خرید جنسی است یا در صدد داماد شدن هست تا زمانی‌که مسئله‌اش قطعی و تمام نشود و به صورت لاینحل بماند، برای دیگران صحیح نیست که در معامله‌ی او دخالت کنند و خود را خریدار آن جنس و یا نامزد معرفی نمایند.

3- تَلَقَّيَ الْجَلَب:

آن را گویند که: کاروانی مثلاً گندم و یا جنسی دیگر به یک شهر و محل وارد می‌کند و شخص می‌رود قبل از اینکه آن جنسها به شهر وارد شوند همه را خریداری می‌کند با این هدف که به قیمت بالاتری به اهل شهر بفروشد. این عمل مکروه است زیرا به مردم ضرر وارد می‌شود.

4- بیع الحاضر للبَّادِي:

آن را گویند که: شخصی از روستاها گندم به شهر می‌آورد و در شهر مردم نسبت به آن گندم و یا جنس دیگر در مضیقه و تنگنای قرار دارند، یکی دیگر از ساکنین شهر به صاحب گندمها می‌گوید: من با تو شریک هستم یا در قبال مزد، نماینده و وکیل تو هستم تا این گندمها را از قیمت معمول به نرخ بالاتری بفروشم این مکروه است.

5- معامله بعد از اذان جمعه:

این هم صحیح نیست زیرا خداوند متعال به طور صراحت در قرآن از معامله بعد از اذان جمعه منع فرموده است.
مسأله:

خرید و فروش مدفوع انسانها در صورتی که با خاک و مانند آن مخلوط باشد، جایز است و اگر با خاک مخلوط نباشد جایز نیست.

خرید و فروش سرگین و فضولات حیوانات جایز است.
مسأله:

هر چیزی که خرید و فروشش جایز نیست استفاده از آن هم جایز نیست.

احتکار:

احتکار (انبار و ذخیره کردن اموال و اجناس و نفروختن آنها) در صورتی که ضررش متوجه عموم مردم بشود جایز نیست.

مسأله:

دولت نمیتواند برای اموال و اجناس مردم نرخ و قیمت تعیین کند، مگر زمانی که تورم و گرانی بالا رود و بازار سیاه درست شود، آن گاه نرخگذاری برای دولت جایز است و مجازات متخلفین هم طبق قوانین اسلامی صحیح است.

آداب زندگي، حقوق الناس و بعضي از گناهان

مسابقه و جوایز آن:

مسابقه در تیراندازی، اسب دوانی، شترسواری و الاغ سواری جایز است. اگر برای برنده جایزه تعیین شود، مشروط بر این که بازنده این جایزه را باید بدهد، در صورتی که شرط از يك طرف باشد، جایز و حلال است و اگر از هر دو طرف باشد، صحیح نیست.

آنچه از طرف بازنده یا شخص ثالثی به عنوان جایزه برای برنده در نظر گرفته شود، لازم نیست که حتماً پرداخت شود، و اگر مسئله به پیش قاضی و حاکم برده شد، قاضی نمیتواند اجبار کند که این جایزه حتماً باید داده شود بلکه میلی و رضایتی است. نیز اگر دو نفر طلبه یا دو نفر عالم در مسئله ای بحث و مناظره کنند و از طرف یکی از آن دو یا از طرف دیگران برای کسی که دعوايش موافق با واقع باشد و بتواند مسئله را با دلایل و منطق ثابت کند، جایزه و حقی در نظر گرفته شود، صحیح است، مشروط بر اینکه چنین شرطی هم يك طرفه باشد.

طعام ولیمه:

طعام ولیمه به هنگام برگزاری مراسم عقد نکاح سنت است و کسی که به آن دعوت میشود، دعوت را قبول کند، زیرا قبول کردن دعوت لازم است، اگر قبول نکند گنهکار خواهد شد، به شرطی که در آن جلسه دعوتی، منکرات و مسائل خلاف شرع و سنت نباشد.

اگر شخصی به جلسه‌ای دعوت شد و آنجا رفت و مشاهده کرد که منکرات وجود دارد، آنها را منع کند اگر باز نیامدند جلسه را ترك کند.

رقص و سرود:

رقص، سرود، طبل زدن، سرودن اشعار به همراه موسیقی حرام است و از آنها باید اجتناب کرد. مگر طبل و شیپوری که ارتش مجاهدین اسلام به هنگام جهاد، در مقابل کفار بزنند، جایز است. سرودن اشعاری که در آنها مدح خدا ﷻ و رسول ﷺ و بزرگان و ائمه باشد جایز است ولی سرودن اشعار عشقی و خلاف دستورات خداوند و شرع مقدس اسلام جایز نیست.

اخلاص و تصحیح نیت:

يك فرد مسلمان در تمام اعمالش اخلاص و حسن نیت داشته باشد زیرا انجام هر عمل جهت تعریف و تمجید مردم، ریا حساب می‌شود و ثواب عبادت را باطل می‌کند و می‌سوزاند، زیرا پیامبر اسلام ﷺ فرموده‌اند: «هر آن کسی که به این نیت عبادت و عمل کند که مردم ببینند و وی را تعریف و ستایش کنند، این شرك خفی است». لذا در نتیجه، ریا شرك است و از آن باید دوری جست.

غیبت، سخن‌چینی و بدگویی:

غیبت، نمایی، و سخن‌چینی، فحش‌گویی و دشنام دادن به هر نحوی که باشد و هر آن چیزی که باعث هتك حرمت يك فرد مسلمان بشود، حرام است. رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «حرمت آبرو و مال مسلمانان مانند حرمت خون آنهاست». آن حضرت ﷺ

روزي خطاب به كعبه شريفه فرمودند: «اي كعبه تو را خداوند چه قدر احترام و شرف داده و ليكن حرمت مسلمان و حرمت خون و مال و آبروي او به پيشگاه خداوند از تو بالاتر است»¹.

دروغگويي:

دروغ گفتن جايز نيست مگر براي صلح و آشتي ميان دو كس، يا براي دفع ظلم ظالم، يا براي خشنود كردن زن خويش.

بدترين دروغ، شهادت دروغين و قسم دروغين است كه به وسيله آن، حق مسلماني تلف و پايمال شود. خداوند دروغ را مساوي با گناه شرك بيان

نموده و فرموده است: ﴿فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ

وَأَجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ ۚ حُنْفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ..﴾ (سوره

حج / 30 - 31).

«پس از پليدي بتان احترام كنيد و از سخن (شهادت) دروغ دور مانيد * در حالي كه براي خداوند پاكدين غير مشرك به او باشيد».

دادن رشوه فقط براي دفع ضرر و ظلم صحيح است در غير اين صورت صحيح نيست. البته مظلوم در اين صورت گناهكار نمي شود ولي براي ظالم به هيچ وجه گرفتن رشوه جايز نيست.

1 - شاعر مي گويد:

باني كعبه خليل آذر است قلب مؤمن جاي رب اكبر است

رجوع به شریعت:

هر اختلاف و جدالي که رخ دهد باید به محضر شرع مقدس اسلام ارجاع داده شود تا طبق قوانین شرعي حل و فصل شود، و چنانچه از طرفین دعاوي کسی را شرع مقدس محکوم نمود، این محکومیت از طرف شرع نباید اثری بر قلبش بگذارد و نگران هم نشود زیرا اگر دستورات و قوانین شرع را با طیب خاطر نپذیرد این امر انسان را به کفر نزدیک می‌سازد.

خود بزرگبینی:

عجب، کبر، خودبینی و خویش را از دیگران بهتر پنداشتن و دیگران را حقیر شمردن، حرام است.

خداوند می‌فرماید: ﴿هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ

وَإِذْ أَنْتُمْ أَجْنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۖ فَلَا تُزَكُّوْا أَنْفُسَكُمْ ۖ هُوَ أَعْلَمُ

بِمَنْ أَنْتَقَى ﴿ (سوره نجم / 32).

«او [خداوند] به [حال] شما وقتی که شما را از زمین پدید آورد و هنگامی که شما در شکم مادرانتان جنینهایی بودید داناتر است. پس خودتان را به پاکی مستایید. او به پرهیزگاران داناتر است».

پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «خداوند افرادی را از اهل بهشت قرار داد ولی فردی هست که تمام عمر خود را صرف اعمال جهنمی می‌کند، تا این‌که در لحظات آخر تائب می‌شود و به بهشت می‌رود. و بسیاری افراد را از اهل جهنم نوشته که بعضیها تمام عمر خویش را صرف اعمال بهشتی می‌کنند تا اینکه در لحظات آخر تقدیر ازلی غالب می‌آید و

اعمال جهنمی انجام می‌دهند و به جهنم می‌روند». اعاذنا الله.

سعدی در باره‌ی خودستایی می‌گوید:
مـــــرا پـــــیر دانـــــای روشن شـــــهاب
دو اـــــنـــــدرز فرمـــــودی بـــــر روی آب
یکـــــی آنکـــــه بـــــر خـــــویش خـــــوشبین
مباش دوم آنکـــــه بـــــر غـــــیر بـــــدبین مـــــباش

بازیهای بیهوده:

بازی با شطرنج، نرد، و دیگر بازیهای مُرَوِّج بیهوده، خلاف شرع است و در چنین بازیهایی اگر برای برنده، مال شرط شود، قمار و گناه کبیره است که منکر حرمت آن کافر و مرتکب آن فاسق است.

نیز کبوتر بازی، مسابقه و جنگاندن خروسها، سگها و غیره هم جایز نیست.

مسأله:

گرفتن اجرت برای اذان، تعلیم قرآن و تدریس علوم دینی جایز است، و دادن اجرت به رقاصه، سراینده و گرفتن اجرت بر بالا بردن حیوان نر بر حیوان ماده حرام است.

مسأله:

سفر کردن برای زن خانواده بدون شوهر و یا محرم شرعی جایز نیست. نیز همنشینی مرد بیگانه با زن بیگانه، تنها حرام است.

امر به معروف و نهی از منکر:

امر به معروف و نهی از منکر بر همگان واجب است اگر کسی توان دارد که جلو منکرات را با قدرت بگیرد، باید بگیرد و گرنه با زبان منع

کند، و اگر این توان را هم ندارد، قلباً ناراحت شود و آن را زشت پندارد و صحبت اهل منکر را ترک کند. اگر چنین نکند و ساکت بنشیند، از زمره‌ی آنان حساب می‌شود و در روز قیامت مؤاخذه و محاسبه خواهد شد.

مسأله:

همنشینی با علما و نیکوکاران ثواب بسیار دارد. کثرت درود بر پیامبر اکرم ﷺ و اصحابش در تمام جلسات ثواب دارد.

آن حضرت ﷺ فرمودند: «مجلسی که از ذکر خدا و درود بر من خالی باشد، نتیجه‌ی آن، برای اهل جلسه حسرت و خسران خواهد بود».

مشابَهت مردان و زنان:

برای مردها حرام است که خودشان را چه در لباس و چه در زینت و آرایش شبیه زنان بکنند و برای زنان هم حرام است که با مردان تشبه بکنند.

مسلمانان هم نباید در آداب و رسوم و لباس و دیگر خصایل، از کفر و مشرکان تبعیت نموده، با آنها تشبه نمایند، زیرا «**من تشبه بقوم فهو منهم**» هر کس با هر گروهی مشابَهت کند، از زمره‌ی آنان محسوب می‌شود.

مسأله:

کشتن جانوران موذی جایز است و کشتن حیواناتی که گوشت آنها حلال است، برای غیر خوردن جایز نیست.

حقوق مسلمان:

هر مسلمان بر مسلمان دیگر شش حق دارد:

1- عیادت مریض؛

2- شرکت در نماز جنازه؛

- 3- پذيرفتن دعوت (در صورتي كه آنجا مسايل شرعي رعايت شوند)؛
 - 4- سلام دادن به يکديگر؛
 - 5- جواب عطسه را با «يَرْحَمُكَ اللَّهُ» گفتن؛
 - 6- نصيحت و خيرخواهي براي هر مسلمان در ظاهر و باطن؛
- مسلمان بايد براي ديگران آنچه را بپسندد كه براي خويش مي‌پسندد و آنچه را براي خويش نمي‌پسندد، براي ديگران هم نپسندد. اگر كسي سلام بدهد، جواب سلام واجب است.

انواع گناهان:

گناه بر دو قسم است:

- 1- گناه كبيره
 - 2- گناه صغيره
- گناه كبيره با توبه و استغفار معاف مي‌شود و از بين مي‌رود و گناه صغيره با انجام عبادت و اعمال نيك، محو و نابود مي‌شود.

گناهان كبيره:

گناهان كبيره بر سه نوع هستند:

- 1- أكبر الكبائر- يعني بزرگترين گناهان كبيره كه كفر و شرك و دارا بودن عقايد خرافي باطل است.
- 2- تعدي و تجاوز به حقوق بندگان خدا در جان و مال و آبروي آنان.
- 3- حقوق الله، خداوند متعال فقط حقوق خودش را عفو مي‌كند، حقوق بندگان را عفو نمي‌كند و خود بندگان بايد از حق خود بگذرند.

- آنچه در احادیث از آنها به عنوان گناه کبیره نام برده شده به شرح ذیل می‌باشند:
- 1- شریک و هم‌تا گرفتن برای خدای یگانه؛
 - 2- نافرمانی پدر و مادر؛
 - 3- قتل نفس بی‌گناه؛
 - 4- قسم دروغین خوردن؛
 - 5- شهادت و گواهی دروغین؛
 - 6- فحاشی و دشنام؛
 - 7- خوردن مال یتیم؛
 - 8- خوردن ربا و سود؛
 - 9- گریختن از میدان و جبهه‌ی نبرد با کفار؛
 - 10- عمل جادوگری؛
 - 11- قتل فرزند- آن‌گونه که مشرکان و کفار دختران خویش را به قتل می‌رساندند؛
 - 12- عمل زنا- مخصوصاً با همسایه که در حدیث روایت شده اگر کسی با ده زن، عمل زنا انجام دهد آنقدر گناه نیست که با همسایه‌اش یکبار زنا کند.
 - 13- دزدی و سرقت؛
 - 14- راهزنی و راه را بر مردم بستن که این را خداوند، محاربه با خدا و رسول تعبیر نموده است.
 - 15- بغاوت بر حکومت اسلامی و عادل؛
- پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: بزرگترین گناهان آن است که کسی والدینش دشنام دهد. صحابه (رضی‌الله عنهم) گفتند: چگونه انسان والدین خود را دشنام می‌دهد؟
- آن‌حضرت فرمودند: والدین دیگران را دشنام می‌دهد و بد می‌گوید دیگران هم متقابلاً به والدین او توهین می‌کنند و فحش می‌گویند، پس

این فرزند، خودش به والدینش دشنام داده و اهانت کرده است.

تعریف از شخص فاسق:

تعریف و تمجید از شخص فاسق حرام است. از پیامبر اکرم ﷺ روایت شده: «هر کس فاسقی را مدح و ستایش کند، خداوند به خشم و غضب می‌آید و عرش عظیم خداوند هم به تکان در می‌آید». اگر کسی دیگری را لعن و نفرین کند، در صورتی که شخص نفرین شده، مستحق لعن و نفرین نباشد، آن لعنت و نفرین توسط فرشتگان به خود نفرین کننده باز می‌گردد.

نشانه‌های منافق:

علائم و نشانه‌های منافق عبارتند از: دروغ گفتن، خلاف وعده عمل کردن، خیانت در امانت، عهد شکنی و پایبند نبودن به عهد و میثاق، فحاشی و دشنام دادن در حین مجادله.

تراشیدن و کوتاه کردن ریش:

تراشیدن ریش و کوتاه کردن آن کمتر از مقدار يك قبضه (يك مشت) حرام است و اگر کسی چنین کرد فاسق می‌شود. گرفتن موهای سفید و کندن آنها از سر و ریش مکروه است. گذاشتن ریش سنت مؤکده است و تراشیدن سبیل‌ها و موی زیر بغل و موی ناف و قطع ناخن‌ها هم سنت است.

حقوق شوهر:

حقوق شوهر آن قدر بر زن مهم است که رسول گرامی ﷺ فرموده‌اند: «اگر سجده برای غیر خدا جایز می‌بود، زنها را امر می‌کردم تا

شوهرهایشان را سجده کنند. و اگر فرضاً شوهر به زنش دستور دهد که سنگهای فلان کوه زرد را به کوه سیاه برسان و از کوه سیاه را به کوه سفید برسان، زن شرعاً موظف است، اطاعت امر کند». آن حضرت ﷺ فرمودند: «بهترین شما کسی است که با زن و بچه‌هایش خانه خوب باشد و من برای اهل بیت خود خوب و خوش خلق هستم، زن از پهلوی چپ خلق شده و هرگز راست نخواهد شد، بر کجی او باید صبر کرد و نیکویی نمود، نباید با زن کینه و دشمنی ورزید، اگر کسی از زنش راضی نیست در عوض این که با وی در جنگ و ستیز وارد شود، طلاقش بدهد، زیرا خداوند می‌فرماید:

﴿فَإِمْسَاكِ بِمَعْرِوفٍ أَوْ تَسْرِحِي بِإِحْسَنٍ﴾ (سوره بقره /

229).

«پس [از آن باید زن را] به شایستگی نگاه داشتن یا به نیکی رها کردن». یعنی: زن را به خوبی باید در خانه نگه داشت و یا این که به خوبی او را رها نمود و طلاق داد.

بارالها! به همهی ما توفیق عنایت فرما تا بر دستورات تو و ارشادات پیامبر بزرگوارت ﷺ عمل نموده، خودمان را در قالب قرآن و سنت بگنجانیم.

«لا حول ولا قوة إلا بالله، سبحانه لا علم لنا إلا ما علمتنا إنك أنت العليم الحكيم».

گر قبول افتد زهی سعادت .

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

حوزه علمیه دارالعلوم زاهدان

27 رمضان المبارک 1415 هجری

24 اردیبهشت 1374 ش

کتاب الحج

تصویر داخل خانه کعبه:

مقدمه

نحمده و نصلي علي رسوله الكريم

با توجه به اینکه حج یکی از ارکان و فرایض پنج گانه ی اسلام است و در کتاب «مالابدمنه» بحث حج آورده نشده است و مؤلف کتاب علت نیاوردن آن را چنین بیان داشته که: در هندوستان در آن زمان افرادی که واجد شرایط حج باشند تعدادشان بسیار اندک بوده، ضرورتی برای ذکر بحث حج در این کتاب احساس نشد لذا از بیان آن صرفنظر گردیده است مانند بحث زکات گاو، گوسفند، و شتر که در کتاب مالابدمنه نیاورده است.

اما در حال حاضر که سفر حج و عمره در دیار ما به کثرت صورت می‌گیرد، لازم است مردم از احکام و مسایل آن، آگاهی داشته باشد. به همین منظور لازم دانستم ضمیمه ی حج و عمره را در آخر کتاب «مالابدمنه» که خوانندگان و استفاده کنندگان زیادی دارد، اضافه کنم.

احکام و مسایل حج بطور مختصر و به شیوه ای جدید بیان شده است، البته برای جلوگیری از طولانی نشدن کتاب، مباحث احصار، حج بدل و جزئیات را ذکر نکردم که انشاء الله در کتاب مستقلی در زمینه ی حج و عمره بطور مفصل از آنها بحث خواهد شد.

امید است خداوند متعال این عمل ناچیز را به بارگاه خویش بپذیرد و توفیق تشریف به دیار مقدس حرمین را بار بار عنایت فرماید. آمین

ابوالحسین عبدالمجید مرادزهی خاشی

آذر ماه - 1383 زاهدان.

خانه ي كعبه :

شهر مكه ي مكرمه گرامي ترين و بهترين قسمت روي زمين است و تقريباً در وسط آن قرار دارد. در اين شهر، «بيت الله» (خانه ي خدا) به موازات «بيت المعمور»¹ قرار دارد كه دو هزار سال قبل از پيدايش زمين آفريده شده². و اولين سازنده ي آن، فرشتگان هستند و بعدها توسط حضرت آدم، حضرت شيث بن آدم، حضرت ابراهيم و حضرت اسماعيل-عليهم السلام- و در زمان رسول خدا ﷺ در سال 18 ق هـ . توسط قریش بازسازي شده است. رسول اكرم ﷺ در اين بازسازي نيز شركت داشتند و «حجر اسود» را با شركت سران قریش در محل خاص آن قرار دادند. بعد از اسلام در سال 65 هـ . توسط حضرت عبدالله بن زبير ؓ و در سال 74 هـ . توسط حجاج بن يوسف و در سال 1040 هـ . توسط سلطان مراد عثماني و اخيراً در سال 1417 هـ . توسط ملك فهد پادشاه عربستان سعودي بازسازي شده است.

اين خانه به شكل مربع است و ابعاد آن در حال حاضر به قرار ذيل است:

1 - «بيت المعمور» در آسمان قرار دارد كه برای اهل آسمان مانند خانه ي كعبه برای اهل زمين حرمت و كرامت دارد و هر روز در آن، هفتاد هزار فرشته نماز می خوانند كه تا قيامت ديگر نوبت به آنان

نمی رسد. تفسير ابن كثير. 407 / 7.

2 - مجمع الزوائد للهيتمي. 288 / 3.

ارتفاع خانه‌ی کعبه:	14 متر
طول ضلعي که ملتزم در آن است:	12 / 84 م
طول ضلعي که حطيم در آن است:	11 / 28 م
طول ضلع بين حطيم و ركن يمانی:	12 / 11 م
طول ضلع بين ركن يمانی و حجر اسود:	11 / 52 م

حجر اسود:

حجر اسود سنگی است که از بهشت آورده شده و طبق فرموده‌ی رسول اکرم ﷺ هنگامی که از بهشت آورده شد رنگ آن از شیر سفیدتر بود ولی بر اثر گناهان فرزندان آدم سیاه شد¹.
طول این سنگ حدود 25 سانتیمتر و عرض آن حدود 17 سانتیمتر است که در سنگ بزرگتری در يك حلقه‌ی نقره‌ای قرار داده شده است.

مسجد الحرام:

به خانه‌ی کعبه، مَطَاف (مکان وسیع محل طواف اطراف آن) و سالنهایی که در اطراف آن برای نماز ساخته شده، «مسجد الحرام» می‌گویند.
پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند:
«صَلَاةٌ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ صَلَاةٍ فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الْمَسَاجِدِ»².

ثواب يك نماز در مسجد الحرام از يكصد هزار نماز در دیگر مساجد بیشتر است (یعنی از نماز پنجاه و پنج سال و شش ماه و بیست شب در دیگر مساجد).

1 - جامع الترمذی رقم: 877.

2 - سنن ابن ماجه: رقم 1406. ترجمه: يك نماز در مسجد الحرام افضل است از هزار نمازیکه در دیگر مساجد خوانده شود.

توسعه‌ی مسجد الحرام در طول تاریخ:
در طول تاریخ اسلام، مسجد الحرام ده بار توسط خلفا و حاکمان اسلامی به شرح زیر توسعه داده شده است:

- سال
- 1- حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه 17 هـ . 639 م
 - 2- حضرت عثمان بن عفان رضی الله عنه 26 هـ . 648 م
 - 3- حضرت عبدالله بن زبیر رضی الله عنه 65 هـ . 685 م
 - 4- ولید بن عبدالملک؛ 91 هـ . 709 م
 - 5- أبو جعفر منصور عباسی 137 هـ . 755 م
 - 6- محمد مهدي عباسی 160 هـ . 777 م
 - 7- المعتضد العباسی 284 هـ . 897 م
 - 8- المقتدر العباسی 306 هـ . 918 م
 - 9- ملك عبدالعزیز 1375 هـ . 1955 م
 - 10- ملك فهد بن عبدالعزیز 1409 هـ . 1988 م
- در حال حاضر مجموع مساحت مسجد الحرام نزدیک به دو میلیون و چهار صد هزار متر مربع است که ظرفیت بیش از یک میلیون نماز گزار را دارد. این مسجد دارای (95) دروازه و (9) مناره هر کدام به ارتفاع (89) متر می‌باشد¹. خداوند بر عزت، ابهت و شرف این مکان مقدس خویش هر روز بیفزاید و خادمان آن را توفیق مزید خدمت عنایت فرماید. آمین.

1 - یادآوری می‌شود مجری طرح توسعه‌ی اخیر، شرکت بن لادن بوده است.

فرضیت حج و حکمت مشروعیت آن:

حج، رکن پنجم از ارکان اساسی اسلام است که بر مسلمانان فرض گردیده.

مسلمان در حج، نهایت بندگی و فروتنی خویش را به بارگاه خداوند متعال به نمایش می‌گذارد.

حج، هم عبادت بدنی است مانند نماز و هم عبادت مالی است مانند زکات.

بطور خلاصه حج را می‌توانیم چنین تعریف کنیم:

«قصد سفر به سوی خانه‌ی خدا با احرام به نیت حج برای انجام فرایض آن از قبیل: طواف خانه‌ی کعبه و وقوف به عرفات».

خداوند متعال حج را با آیه‌ی ذیل قرآن بر مسلمانان فرض کرده است:

﴿وَلِلّٰهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ اِلَيْهِ سَبِيْلًا ۚ وَمَنْ كَفَرَ فَاِنَّ

اَللّٰهُ غَنِيٌّ عَنِ الْعٰلَمِيْنَ﴾ (سوره آل عمران / 97).

«خداوند حج را بر مردم فرض کرده است بر کسانی که توان سفر به خانه‌ی او را داشته باشند و هر کس احکام الهی را منکر شود، پس خداوند از جهانیان بی‌پرواست».

و پیامبر گرامی اسلام نیز در این باره چنین می‌فرماید:

«بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسٍ: شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَإِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَصَوْمِ رَمَضَانَ، وَحَجِّ الْبَيْتِ»¹.

«ساختمان اسلام بر پنج چیز استوار است:

1 - أخرجه البخاری فی أول کتاب الإیمان 1/7، و مسلم 1/34 و نحوه فی حدیث جبریل.

- 1- گواهی به یگانگی خداوند و نبوت حضرت رسول اکرم
- 2- برپاداشتن نماز
- 3- دادن زکات
- 4- روزه‌ی ماه رمضان
- 5- حج خانه‌ی کعبه.

حکمت مشروعیت حج:

هر حکمی از احکام خداوند حکمت و دلیلی دارد که بر اساس آن، مشروع شده. برای حج نیز حکمتها و فلسفه‌های دینی و دنیوی وجود دارد که حکمت‌های حج را بطور خلاصه به شرح زیر می‌توانیم بیان کنیم:

1- حج مظهر بندگی، تسلیم و فرمانبردار شدن در بارگاه خداوند متعال است زیرا حاجی، خود را از تمام اسباب و وسایل رفاهی دنیوی یکسو کرده لباس‌های گرانبها و زیبای خویش را کنار می‌گذارد و دو تکه لباس ساده‌ی کفن مانند می‌پوشد. از مشاغل دنیوی فارغ شده مشغول یاد الهی می‌شود و صرفاً برای خشنودی خداوند خانه‌ی او را طواف می‌کند؛ میان صفا و مروه سعی می‌کند، به میدان عرفات می‌رود و به بارگاه الله پناهنده می‌شود و عفو و بخشودگی گناهان و خطاهای خویش را از او می‌خواهد و تا پایان مراسم حج از بسیاری از چیزهای حلال، خود را دور نگه می‌دارد.

2- مسلمانان از سراسر دنیا با رنگ‌های مختلف، نژادهای مختلف، زبانهای مختلف، لباس‌های مختلف و سلیقه‌های مختلف در یکجا گرد می‌آیند. وحدت و برادری ایمانی خویش را به نمایش می‌گذارند و از مشکلات یکدیگر آگاه می‌شوند و برای رفع

مشکلات خود و تمام مسلمانان جهان، دعا و تضرع می‌کنند؛ و چنان احساس می‌کنند که میلیونها دل و جسد به يك دل و جسد تبدیل شده و همه پشت سر يك امام در مسجد الحرام و مسجد النبی نماز می‌خوانند و از توطئه‌ها و کینه‌توزیهای یهود و نصارا و دشمنان اسلام، علیه مسلمانان و قرآن، آگاه می‌شوند و در آن مکانهای مقدس، برای مبارزه، جهاد و مقاومت در مقابل دشمنان دین اسلام، با پروردگار خویش و با رهبر خویش حضرت محمد بن عبدالله ﷺ و یاران با وفایش، عهدي دوباره بسته و تجدید پیمان می‌کنند.

3- در حج، آدمي جان خویش را در مشقت می‌اندازد و مال خویش را خرج می‌کند و نعمت تندرستی جان و دارا بودن مال، باعث انجام این فریضه بزرگ می‌شوند لذا به اهمیت این دو نعمت آگاه شده و شکر آنها را بجا می‌آورد و این خود نعمتی بزرگ است (یعنی به جا آوردن شکر نعمت به خودی خود علاوه بر اجر و ثواب حج، ثواب و اجر مستقل دارد).

4- حج، بزرگترین تربیت گاه روح و جسم آدمي است، زیرا سفر حج پر مشقتترین سفرهاست و تحمل مشقات سفر و نیز تحمل سلیقه‌های مختلف دیگر افراد همراه در کاروان حج، روح انسان مؤمن را تربیت می‌کند و تحمل ناملایمات را در مسیر زندگی اسلامی در آینده برای آدمي آسان می‌سازد.

5- سفر حج، یادآور خاطرات زیبای پیامبران بزرگ و بندگان نیک خداوند متعال است. هنگام طواف خانه‌ی کعبه، خاطره‌ی حضرت ابراهیم و فرزند دل‌بندش حضرت اسماعیل- علیهما السلام- تجدید می‌شود زیرا این دو بزرگوار بانیان آن بیت عظیم بوده‌اند. هنگام سعی میان صفا و مروه

خاطره‌ي پر مهر و پر عطوفت حضرت هاجر عليه‌ها السلام نسبت به فرزندش اسماعيل عليه السلام در ذهن وارد مي‌شود که براي دسترسي به آب اندکي میان آن دو کوه «صفا» و «مروه» با دلهره و اضطراب مي‌دويد.

در وادي مني خاطره‌ي مبارزه‌ي عظيم حضرت ابراهيم عليه السلام با ابليس لعين دشمن بشريت و سنگ باران شدن وي از سوي منادي بزرگ توحيد، ابراهيم بت شکن و مغلوب شدن آن دشمن سرکش بني آدم در اين مبارزه، در ذهن تداعي مي‌شود.

و اما در صحرای عرفات در آن مجمع بزرگ، منظره‌ي شيرين و زيباي ديگري در جلو دیدگان ما ترسيم مي‌شود، منظره‌ي حجة الوداع آخرين حج پيامبر عظيم اسلام حضرت محمد صلى الله عليه و آله و سلم که بر ناقه‌ي خويش سوار و گرداگرد او بيش از يكصد هزار از عاشقان وي پروانه‌وار حلقه زده‌اند و ايشان با سوز و گداز خاصي دست نياز را به بارگاه رب العزت دراز نموده براي خير و صلاح امت مشغول دعا و تضرع‌اند و امور مهمي را به امت اعلام و توصيه مي‌کنند.

علاوه بر اين موارد، حج، برکات و ثمرات بشمار ديگري نيز دارد که در اين رساله محل بيان و تفصيل آن نيست.

فضيلت حج:

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنِ النَّبِيِّ صلى الله عليه و آله و سلم قَالَ: «مَنْ حَجَّ فَلَمْ يَرْفُثْ وَلَمْ يَفْسُقْ رَجَعَ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ»¹.

از حضرت ابو هريره رضي الله عنه روايت است که رسول اکرم صلى الله عليه و آله و سلم فرمودند: «هر کس حج کند و در آن فحش نگويد و

1 - أخرجه الستة إلا أبا داود.

بدگويي نکند و مرتکب گناهي نشود، چنان از گناهان پاک ميشود که گويا تازه از مادر متولد شده است».

عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ: «الْحُجَّاجُ وَالْعُمَرَاءُ وَفَدُ اللَّهِ إِنْ دَعَوْهُ أَجَابَهُمْ وَإِنْ اسْتَعْفَزُوهُ غَفَرَ لَهُمْ»¹.

از حضرت ابو هريره ؓ روايت است که رسول اکرم ؐ فرمودند: «حج کنندگان و عمره کنندگان، مهمانان خداوند هستند اگر او را بخوانند، اجابت شان خواهد کرد و اگر از او طلب بخشايش کنند، مورد آمرزش شان قرار خواهد داد». احاديث ديگري در فضيلت حج وارد شده است که بيان همهي آنها در اين رساله ممکن نيست و بر همين دو حديث بسنده ميکنيم.

شرائط فرضيت حج:

براي اينکه حج بر آدمي فرض شود شش شرط وجود دارد، و چنانچه يکي از اين شرطها موجود نباشد، فرضيت حج ساقط ميشود و آن شرطها عبارتند از:

- 1- اسلام.
- 2- عقل.
- 3- بلوغ.
- 4- آزادي (يعني غلام و برده نباشد).
- 5- مستطيع باشد. (يعني توانايي سفر و هزينه ي آن و مخارج خانواده ي خويش را تا زمان برگشت داشته باشد).
- 6- امنيت راه سفر.

1 - أخرجه ابن ماجه برقم (2892) والنسائي 5/85.

7- وجود محرم و یا همسر برای زن و نبودن وی در عده‌ی طلاق و یا وفات.

شرایط صحت حج:

برای اینکه حج آدمی صحیح واقع شود، پنج شرط وجود دارد که چنانچه یکی از این شرطها یافته نشود، حج صحیح نخواهد شد. آن پنج شرط عبارتند از:

1- اسلام.

2- عقل.

3- میقات زمانی.

حج باید در ماهها و زمانهای مخصوص خود انجام گیرد و ماههای حج: شوال، ذی القعدة، و ده روز اول از ذی‌الحجه می‌باشند.

4- میقات مکانی.

مکانهایی هستند که اعمال حج می‌بایست در همان مکانهای مشخص انجام گیرد مثلاً وقوف به عرفه باید در صحرائی عرفات باشد. تفصیل این مکانها بعداً در بحث چگونگی ادای حج بیان خواهد شد.

5- احرام.

احرام برای حج مانند نیت برای نماز است و در احرام نیت همراه با تلبیه شرط است.

ارکان حج:

در حج دو رکن و فرض وجود دارد:

1- وقوف به عرفات.

2- طواف زیارت.

چگونگی وقوف و طواف بعداً بیان می‌شود.

واجبات حج:

در حج پنج چیز بطور مستقل واجب است:

- 1- سعی بین صفا و مروه .
 - 2- وقوف در مزدلفه .
 - 3- رمی جمرات .
 - 4- حلق یا تقصیر (تراشیدن و یا کوتاه کردن موی سر) .
 - 5- طواف وداع (طواف صدر) .
- اگر کسی یکی از این واجبات را بدون عذر ترک کرد، گناهکار است و برای جبران آن، فدیة «ذَم» لازم می‌شود.
- چگونگی انجام این اعمال و فدیة بعداً بیان خواهد شد.

سنت‌های حج:

برای حج، آداب و سنت‌های متعددی وجود دارد ولی سنت‌های اصلی و مستقل حج به شرح زیر است:

- 1- طواف قدوم .
- 2- خطبه‌های سه گانه‌ی امام:
الف: خطبه‌ی اول، روز هفتم ذی الحجه در مکه برای آموزش احکام مسایل حج .
ب: خطبه‌ی دوم، در روز عرفه (نهم ذی الحجه) در میدان عرفات برای تشویق حجاج به دعا و تضرع و بیان باقیمانده‌ی مسایل حج
ج: خطبه‌ی سوم، روز یازدهم ذی الحجه (روز دوم عید قربان)
- 3- مَبِیت در «مِنی» در شب عرفه
(یعنی شب عرفه را در منی سپری کردن و پنج نماز کامل را در آنجا خواندن) .
- 4- شب عید را در «مُزْدَلِفَه» ماندن .
- 5- شب‌های ایام تشریق را در منی ماندن .
(یعنی شب‌های یازدهم و دوازدهم ذی الحجه) .

6- ماندن در «وادي مُحَصَّب».

(يعني هنگام بازگشت از مني و پايان يافتن مناسك در وادي محصب كه در ورودي مكه ميان دو كوه و جنب قبرستان «حُجُون» واقع است و الان تقريباً بين قصر ملك و «جَبَانَةُ الْمُعَلِّي» قرار دارد، سنت است كه در يكي از مساجد آنجا بماند و نمازهاي ظهر، عصر، مغرب، و عشا را بخواند بعداً به مكه برود).

توضيحات بيشتر بعداً بيان خواهد شد. اينها سنتهاي مؤكده و اصلي حج بودند سنتها و آداب ديگري نيز براي حج وجود دارد كه در كتابهاي بالاتر بيان ميشوند.

انواع حج:

فريضه‌ي حج به يكي از طرق زير انجام مي‌گيرد. به عبارتي حج بر سه نوع است:

1- تَمَتُّع.

و آن اينكه هنگام احرام بستن در ماههاي حج فقط نيت عمره را مي‌كند، به مكه مي‌آيد و اعمال عمره را بجا مي‌آورد، سپس از احرام خارج ميشود در مكه مي‌ماند و در روز هشتم ذي الحجه دوباره براي حج احرام مي‌بندد و اعمال حج را بجا مي‌آورد.

2- قِرَان.

آن است كه هنگام احرام بستن، نيت ادائي حج و عمره هر دو را مي‌كند و تا پايان حج در احرام مي‌ماند.

3- أَفْرَاد.

آن است كه هنگام احرام بستن، فقط نيت ادائي حج را مي‌كند.

چگونگی ادای حج طبق برنامه‌ی روزانه:

در این قسمت به صورت مختصر، چگونگی انجام اعمال و مناسک حج تا پایان آن بیان می‌شوند:

پس از سالیان دراز، آرزوهای دیرینه‌ی سفر به حرمین و زیارت آن مکانهای مقدس به فضل و لطف الهی بر آورده شده و اینک آماده‌ی سفر به سرزمین وحی هستی و خودت را برای زیارت گنبد خضرا و روضه‌ی مطهر رسول اکرم ﷺ آماده می‌کنی، پس به منظور انجام درست اعمال حج، مطالب زیر را با دقت مطالعه و بر آن عمل کن:

آمادگی سفر:

قبل از حرکت به سوی حرمین از خداوند متعال بخواه تا این سفر را برایت آسان و مبارک گرداند و از برکات و ثمرات آن بهره‌مند شوی و از آفات، گزند و منکرات آن در پناه او بمانی. از گناهان و خطاهای گذشته‌ی خویش طلب مغفرت کن و تصمیم محکم بگیر تا در آینده از گناهان و منکرات دوری کنی.

حقوق اهل حقوق را به آنان بسپار و از کسانی که به نوعی بر تو حقی دارند حلالی بخواه. هنگام خداحافظی با دوستان و خویشاوندان این دعا را در حق آنان بخوان: «أَسْتَدْعُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا تَضِيعُ وَدَائِعُهُ»¹.

«شما را به خدایی می‌سپارم که سپرده‌ها به وی نابود نمی‌شوند و خطری آنان را تهدید نمی‌کند».

و براي كساني كه با حاجي خداحافظي مي‌كنند، مستحب است اين دعا را در حق وي بخوانند: «أَسْتَوِدُّ اللَّهَ دِينَكَ وَأَمَانَتَكَ وَخَوَاتِيمَ عَمَلِكَ»¹.

«دين تو را، امانت تو را و سرانجام كارت را به خدای يگانه مي‌سپارم».

سپس دو ركعت نماز نافله با خشوع و خضوع بخوان كه در آنها سوره ي (قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ) و سوره ي (قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ) خوانده شود. و هنگام خروج از خانه اين دعا را بخوان: «بِسْمِ اللَّهِ تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ»².

مواقيت احرام:

مكانهايي تعيين شده اند كه عبور كردن از آنها بدون احرام و رفتن به سوي خانه ي خدا جايز نيست به اين مكانها «ميقات» گفته مي‌شود و به قرار ذيل مي‌باشند:

1- ميقات اهل مدينه «ذُو الْحَلِيفَةِ».

2- ميقات اهل شام «الْجُحْفَةُ».

3- ميقات اهل نجد «قَرْنُ الْمَنَازِل».

4- ميقات اهل يمن «يَلَمْلَم».

5- ميقات اهل عراق «ذَات عَرَق».

«جُحْفَه» در حال حاضر از بين رفته است و حجاج سرزمين شام و مناطق شمالي از شهر «رابع» كه مقداري قبل از جحفه قرار دارد، احرام مي‌بندند.

1 - أخرجه أبو داود في الجهاد: 34 / 3.

2 - «به نام خدا، بر خدا توكل كردم، و هيچ قدرت و توانائي جز از طرف خدا نيست».

احرام و چگونگی آن:

بستن احرام قبل از مواقیت نیز جایز است و چون حجاج در ایران با هواپیما سفر می‌کنند بهتر است که از فرودگاه احرام ببندند.

احرام چنین است که نخست غسل و نظافت کامل انجام دهی و لباسهای عادی را بیرون آوری و دو تکه لباس یکی به جای پیراهن و دیگری به جای شلوار بپوشی کفش و کلاه را نیز بیرون آوری و به جای کفش، دم پایي خاص که استخوان پشت پا ظاهر باشد بپوشی سپس دو رکعت نماز احرام بخوانی و بعد از نماز نیت کنی و تلبیه بگویی.

سنتهای احرام:

الف: غسل کردن.

ب: استفاده از عطر و بوی خوش در بدن.

ج: دو رکعت نماز احرام.

د: تلبیه گفتن.

پس از نماز احرام متصل با صدای بلند تلبیه بگو، و برای حج یا عمره و یا هر دو، نیت کن نیت این است:

اللَّهُمَّ إِنِّي أُرِيدُ الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ فَيَسِّرْهُمَا لِي وَتَقَبَّلْهُمَا مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ.

اگر تنها حج باشد فقط کلمه «أريد الحج» و اگر تنها عمره باشد «العمره» را بگوید. تلبیه این است:

«لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ، لَبَّيْكَ لَا شَرِيكَ لَكَ لَبَّيْكَ، إِنَّ الْحَمْدَ، وَالنَّعْمَةَ، لَكَ وَالْمُلْكُ، لَا شَرِيكَ لَكَ».

«پروردگارا! به بارگاه تو بار بار حاضرم. به بارگاه تو حاضرم، هیچ شریکی برایست نیست.

همانا حمد و نعمت و پادشاهی مختص تو است هیچ شریکی برایت نیست».

حالا مُحَرَّم شدي (یعنی در احرام قرار گرفتی) پس از خدا بترس و از ممنوعات احرام دوری کن و چنانچه مرتکب امری که از ممنوعات احرام است بشوی، جریمه‌ی مالی (دَم و فدیة) بر تو لازم می‌شود.

ممنوعات احرام:

در حالت احرام، بسیاری از چیزها برای آدمی حرام می‌شود که بطور خلاصه به شرح ذیل است:

- 1- پوشیدن لباس دوخته شده، کفش و کلاه.
- 2- گرفتن ناخن و موی از بدن.
- 3- استفاده از عطر و بوی خوش چه بر لباس و چه بر بدن.
- 4- کشتن شکار و نیز کندن درخت و نباتات حرم.
- 5- جماع و بیان مقدمات آن.
- 6- جدال و درگیری.

احرام زن:

زن در همان لباس عادی خویش احرام ببندد و سرش را نیز بپوشاند و با صدای بلند تلبیه نگوید.

ورود به مکه:

زمانی که به مکه‌ی مکرمه نزدیک شدي، بدان که در حرم امن الهی قرار گرفته‌ای. آنگاه این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ هَذَا حَرَمُكَ وَأَمْنُكَ فَحَرِّمْ لِحِمِّي وَدَمِي وَشَعْرِي وَبَشْرِي عَلَى النَّارِ وَأَمْنِي مِنْ عَذَابِكَ يَوْمَ تَبْعَثُ عِبَادَكَ وَاجْعَلْنِي مِنْ أَوْلِيَانِكَ وَأَهْلِ طَاعَتِكَ».

«پروردگارا! این حرم تو و مکان امن تو است پس گوشت مرا، و خون و موی و پوست مرا بر آتش دوزخ حرام بگردان و در روز رستاخیز از عذابت امان بده و مرا از بندگان نیک و فرمانبردار خویش قرار بده».

هنگامي که به شهر مکه وارد شدي اين دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ الْبَلَدُ بَلَدُكَ، وَالْبَيْتُ بَيْتُكَ، جِئْتُ أَطْلُبُ رَحْمَتَكَ، وَأُؤْمِنُ طَاعَتَكَ، مُتَبِعاً لِمَرِّكَ، رَاضِياً بِقُدْرِكَ، مُسْلِماً لِمَرِّكَ، أَسْأَلُ مَسْأَلَةَ الْمُضْطَرِّ إِلَيْكَ، الْمُشْفِقِ مِنْ عَذَابِكَ أَنْ تَسْتَقْبِلَنِي بِعَفْوِكَ، وَأَنْ تَتَجَاوَزَ عَنِّي بِرَحْمَتِكَ، وَأَنْ تُدْخِلَنِي جَنَّتَكَ»¹.

«بار الها! این شهر، شهر توست و بیت، بیت توست، طالب رحمت آمده ام، و قصد فرمانبرداری تو دارم و به قضا و قدر تو راضی ام، و تسلیم امر تو هستم، از تو می‌خواهم مانند خواستن بیچاره به بارگاهت، و ترسان از عذابت، این که با عفو از من استقبال کنی و از خطاهایم در گذر فرمایی و وارد بهشت کنی».

سپس به مسجد الحرام می‌روی و هنگام افتادن نگاهت بر وی این دعا را می‌خوانی: «اللهم زد هذا البيت تشريفاً وتكريماً، وتعظيماً ومهابةً، وزد من شرفه وكرمه، ممن حجه واعتمره تشريفاً وتعظيماً وبراً».

طواف خانه‌ی کعبه:

آنگاه طواف خانه‌ی کعبه را شروع کن طواف باید از پشت «حطیم» باشد با شروع طواف، تلبیه را

قطع کن آغاز طواف از حجر اسود و پایان آن نیز به حجر اسود است. هفت شوط گرداگرد خانه کعبه، یک طواف به حساب می‌آید. پس از یک طواف، به مقام ابراهیم برو و دو رکعت نماز طواف را در آنجا اگر ازدحام نبود، بخوان و إلا هر جا در مسجد که میسر شد دو رکعت را بخوان سپس به جایی که آب زمزم است برو از آن بنوش و دعا کن.

سنت‌های طواف:

- 1- اضطباع (برای مردان)¹.
- 2- رمل درسه شوط کامل (برای مردان)².
- 3- شروع طواف از جهت رکن یمانی نزدیک حجر اسود.
- 4- استلام حجر اسود و بوسیدن آن در صورتی که برای دیگران زحمتی ایجاد نشود.
- 5- استلام رکن یمانی.
- 6- نزدیک بودن به خانه کعبه هنگام طواف (برای مردان).
- 7- انجام پیای اشواط طواف.

سعی بین صفا و مروه:

پس از نوشیدن آب زمزم و دعا، به «مَسْعِی» (محل سعی) برو.

1 - اضطباع یعنی قرار دادن وسط شال احرام زیر بغل راست به گونه‌ای که دو طرف شال روی شانه‌ی چپ قرار گیرند و شانه‌ی راست برهنه باشد.

2 - رمل: یعنی گام برداشتن با سرعت و حرکت دادن شانه‌ها مانند پهلوانان.

سعی میان دو کوه کوچک به نام «صفا» و «مروه» که در حال حاضر در طرح توسعه مسجد الحرام قرار گرفته‌اند به عنوان سنت حضرت هاجر، مادر حضرت اسماعیل علیه السلام انجام می‌گیرد.

کوه کوچک صفا در جهت جنوبی خانه‌ی کعبه و به فاصله‌ی 130 متر و کوه مروه در جهت شمال شرقی خانه‌ی کعبه و به فاصله‌ی 300 متر از آن قرار دارد. «مسعی» به مسیر بین صفا و مروه گفته می‌شود که فاصله‌ی آن 394/5 متر است.

سعی از صفا شروع و به مروه ختم می‌شود و هفت بار شوط بین صفا و مروه یک سعی کامل است.

سنت‌های سعی:

- 1- اشواط سعی پیایی باشند.
- 2- سعی با طهارت انجام گیرد.
- 3- هنگام قرار گرفتن بر صفا و بر مروه روبروی خانه‌ی کعبه بایست و تکبیر (الله اکبر) و تهلیل (لا اله الا الله) بگو و درود و دعا بخوان.
- 4- میان دو ستون سبز رنگ، سرعت سعی را بیشتر کن و حالت دوندگی آرام به خود بگیر و این دعا را بخوان:

رَبِّ اغْفِرْ وَارْحَمْ وَتَجَاوَزْ عَمَّا تَعْلَمُ، إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعَزُّ الْأَكْرَمُ¹.

﴿رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ﴾².

1 - أخرجه الطبرانی فی الأوسط، انظر: مجمع الزوائد: 248 / 3.

2 - «پروردگارا! در دنیا و آخرت به ما نیکی عطا فرما، و ما را از عذاب دوزخ نجات ده».

5- هنگام شروع نماز جماعت، شوط سعی را قطع کن و به جماعت بپیوند و پس از سلام، شوط را از سر شروع کن.

6- هنگامی که روی صفا و یا مروه قرار می‌گیری این دعا را سه بار بخوان:

«اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَوْلَانَا، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ، وَلَهُ الْحَمْدُ، يُحْيِي وَيُمِيتُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ، أَنْجَزَ وَعْدَهُ، وَنَصَرَ عَبْدَهُ، وَهَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَلَا نَعْبُدُ إِلَّا إِيَّاهُ، مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»¹.

خروج از احرام برای مُعْتَمِر و مُتَمَتِّع:

پس از فارغ شدن از سعی، سر خود را بتراش و یا موها را کوتاه کن.

با این عمل از احرام عمره و یا حج تمتع خارج می‌شوی.

«مُفَرَّد» و «قَارِن» حلق و قصر نمی‌کنند بلکه در احرام باقی می‌مانند.

1 - الأذکار للنووی: 250. یعنی: «الله بزرگتر است، الله بزرگتر است، الله بزرگتر است، ستایش الله را، الله بزرگتر است بر اینکه ما را هدایت داده است، هیچ معبودی بجز خدای یکتا وجود ندارد، او شریکی ندارد، پادشاهی و ستایش از آن او است. او زنده می‌کند و می‌میراند، و او زنده ای است که هرگز نمی‌میرد، نیک و بد در دست اوست، و او بر هر چیزی تواناست، بجز او معبود دیگری «بحق» وجود ندارد، یگانه است، اوست که وعده‌اش را تحقق بخشید، و بنده اش را پیروز کرد، و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد، جز او کسی دیگر را عبادت نمی‌کنیم، همه‌ی ما با اخلاص او را بندگی می‌کنیم هر چند کافران دوست نداشته باشند».

سپس تا روز هشتم ذي الحجه در مكه ي مكرمه بمان و به كثرت طوافهاي نافله انجام بده و بكوش تا نمازها را با جماعت در مسجد الحرام بخواني. و نيز زماني كه در مسجد الحرام هستي پيوسته نگاهت را بر خانه ي كعبه قرار بده زيرا نگاه كردن به خانه ي كعبه عبادت است.

رسول اكرم ﷺ فرمودند:

(یعنی به اندازه‌ی نماز پنجاه و پنج سال و شش ماه و بیست شب در دیگر مساجد).

پس از خواندن نماز فجر این روز در مکه ی مکرمه ، برای حج احرام ببند مانند احرام عمره و بعد از دو رکعت احرام این دعا را با تلبیه بخوان:

و قبل از ظهر به سوی مِنی حرکت کن و تا طلوع آفتاب روز عرفه در آنجا بمان و پنج نماز کامل یعنی: ظهر، عصر، مغرب، عشاء و نماز فجر را در مِنی بخوان.

این احرام برای کسی است که نیت حج تمتع کرده باشد، برای حاجی «مُفَرِّد» و «قَارِن» احرام جدیدی لازم نیست با همان احرام به سوی منی حرکت می‌کنند.

روز عرفه:

پس از ادای نماز فجر روز عرفه در منی، تا طلوع آفتاب منتظر باش پس از طلوع آفتاب به سوی صحرائ عرفات برای ادای رکن بزرگ حج، حرکت کن و در مسیر راه مشغول تلبیه، دعا و توجه به سوی خدا باش و مستحب است که هنگام حرکت این دعا را بخوانی: «اللَّهُمَّ إِلَيْكَ تَوَجَّهْتُ وَوَجْهَكَ الْكَرِيمُ أَرَدْتُ، فَاجْعَلْ ذَنْبِي مَغْفُورًا، وَحَجِّي مَبْرُورًا، وَارْحَمْنِي إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»¹.

وقوف به عرفات:

هنگامی که به محدوده‌ی عرفات وارد شدي در آنجا وقوف کن و تمام محدوده‌ی عرفات محل وقوف است مگر «بَطْنِ عُرْنَةَ» که وقوف در آن صحیح نیست. بهتر این است که نزدیک جبل الرحمة (کوه رحمت) وقوف کنی.

در میدان عرفات رو به روی قبله بایست و دستها را به بارگاه مولای کریم بلند کن و با خشوع و خضوع برای حال زار خود و مسلمین دعا کن و با اصرار و زاری تمام از خداوند بخواه زیرا در این روز خداوند با رحمتهاي خاص خود به سوی بندگان خویش در عرفات متوجه می‌شود.

گرفته‌ام آمدن حجاج در میدان عرفات یاد آور حشر در میدان محشر روز قیامت است پس آن روز را نیز بیاد آور، هر دعایی که یاد داشته باشی و با هر زبانی که بخوانی اشکالی ندارد ولی بهتر

است که این دعا را بسیار بخوانی: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ الْحَمْدُ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»¹.

نماز ظهر و عصر را در وقت نماز ظهر بخوان برای این دو نماز يك اذان و دو اقامه گفته می‌شود.

لازم است که تا غروب آفتاب در عرفات بمانی و بعد از غروب آفتاب به سوی مزدلفه حرکت کنی.

شب گذرانی در مُزْدَلِفَه:

تا غروب آفتاب در عرفات بمانی وقتی آفتاب غروب کرد، به سوی مزدلفه با آرامش و وقار حرکت کن و به دعا و یاد الهی و اذکار و اوراد، مشغول باش. نماز مغرب را در عرفات نخوان بلکه پس از اینکه به مزدلفه رسیدی، نماز مغرب و عشا را جمع کن. و بهتر این است که نزدیک مشعر الحرام «جبل قزح» قرار بگیری و إلا هر کجا که میسر شد، مگر در «وادی مُحَسَّر» که در آنجا وقوف صحیح نیست.

شب عید را باید در مزدلفه باشی. در این شب مشغول عبادت، دعا، تلاوت قرآن و تلبیه باش و پیش از طلوع فجر مقداری بخواب و پس از ادای نماز فجر نیز در آنجا وقوف کن. در مزدلفه نیز هر دعایی که برایت میسر شود بخوان.

1 - أخرجه الترمذی 2/198. یعنی: «بجز الله یگانه، دیگر معبودی نیست، شریکی ندارد، پادشاهی از آن

اوست، ستایش شایسته اوست، و او بر هر چیز تواناست».

گرد آوري سنگريزه ها از مزدلفه:
از مزدلفه هفتاد عدد سنگريزه مقدارى بزرگتر
از دانه ي نخود براي رمي جَمَرَات (زدن شيطان)
گرد بياور.

حرکت به سوي مني:
پيش از طلوع آفتاب و بالا آمدن آن، از مزدلفه
به سوي مني حرکت کن و در بين راه به دعا و
اذکار مشغول باش و بسيار تلبیه بگو وقتي به
مني رسيدي اين دعا را بخوان:
«الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَلَّغَنِيهَا سَالِمًا مُعَافًى، اَللّهُمَّ هَذِهِ مِنِّي قَدْ أَتَيْتُهَا وَأَنَا عَبْدُكَ وَقَبْضَتُكَ،
أَسْأَلُكَ أَنْ تَمُنَّ عَلَيَّ بِمَا مَنَنْتَ بِهِ عَلَيَّ أَوْلِيَّائِكَ، اَللّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْجَرْمَانِ وَمِنَ
الْمُصِيبَةِ فِي دِينِي يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»¹.

روز عيد:
وقتي به مني رسيدي اعمال مهمي را بايد در اين
روز انجام بدهي اين اعمال عبارتند از:
1- رمي «جمرة العقبة».
2- ذبح قرباني.
3- تراشيدن و يا کوتاه کردن موي سر.
4- طواف زیارت و سعی بين صفا و مروه اگر قبلاً
سعی نکردي.

رمي جمرة العقبة:
با میسر شدن زمان مناسب براي رمي و کم شدن
ازدحام، به سوي جمرة العقبة حرکت کن و با هفت
عدد سنگريزه آن را رمي کن. با پرتاب هر سنگ

به سوی شیطان، تکبیر بگو و با اولین سنگ، تلبیه را قطع کن و این دعا را بخوان:

«بِسْمِ اللَّهِ وَاللَّهِ أَكْبَرُ، رَغْماً لِلشَّيْطَانِ وَحِزْبِهِ، وَرِضاً لِلرَّحْمَنِ».

سنگها را به گونه‌ای پرتاب کن که به خود جمره اصابت کند و یا در دایره‌ی اطراف آن واقع شود. پس از رمی و هنگام بازگشت، این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ حَجًّا مَبْرُوراً، وَسَعِيًّا مَشْكُوراً، وَذَنْباً مَغْفُوراً»

و در روزهای عید تکبیر را زیاد بخوان.

قربانی (دم شکر).

سپس به قربانگاه برو و گوسفند سالم و چاق را به عنوان شکر نعمت الهی و اینکه تو را توفیق داده تا حج و عمره را در یک سفر انجام دهی، ذبح کن و از گوشت آن خودت بخور و به فقرا و مساکین نیز بده.

حلق یا تقصیر:

سپس موهای سرت را بتراش و یا کوتاه کن و تراشیدن موها از کوتاه کردن آن ثواب بیشتر دارد. البته زنان فقط کوتاه کنند.

طواف زیارت:

وقتی از تراشیدن سر فارغ شدی برای ادای رکن مهم دیگر حج، یعنی طواف زیارت به مکه برو و خانه‌ی کعبه را طواف کن، و اگر قبلاً میان صفا و مروه سعی کرده‌ای، سعی پس از این طواف، لازم نیست و رمل و اضطباع هم مسنون نیست، اما اگر قبلاً سعی نکرده‌ای، حالا سعی کن و رمل و اضطباع هم در این صورت سنت است.

خروج از احرام:

پس از تراشیدن سر در مني از احرام خارج شده‌اي و تمام ممنوعات احرام براي‌ت جايز مي‌شوند مگر همبستر شدن با زن که پس از انجام طواف زیارت براي‌ت حلال مي‌شود.

ايام تشریق و اعمال آنها:

ايام تشریق، روزهاي: يازدهم، دوازدهم و سيزدهم ذي الحجه هستند. لذا پس از طواف زیارت به مني برگرد و شب يازدهم را در مني سپري کن.

رمي جمرات سه‌گانه:

در روز دوم عيد (روز يازدهم ذي الحجه) و ا جب است که هر سه جمره رمي شوند. پس از زوال آفتاب به «جمره ي صُغري» (جمره ي کوچک اول) نزديک «مسجد خيف» برو و آن را رمي کن و هنگام رمي همان دعائي را که قبلاً ذکر شد بخوان.

سپس به گوشه‌اي برو و مقداري مکث کن و به دعا و اذکار مشغول باش بعد از آن به «جمره الوُسطي» (جمره ي دوم) برو و آن را مانند جمره ي قبلي رمي کن.

آنگاه به سوي «جمره العُقبی» (جمره ي سوم) برو و آن را نیز رمي کن و پس از رمي، توقف نکن بلکه به سوي محل اقامت خويش حرکت کن. وقت رمي اين روز تا طلوع فجر روز بعد است.

رمي روز دوازدهم:

بعد از زوال آفتاب وقت رمي شروع مي‌شود و در اين روز نیز مانند روز گذشته جمره‌هاي سه‌گانه

را رمي کن و وقت رمي اين روز تا طلوع فجر روز بعد ادامه دارد.

در اين شبها و روزها در مني مقيم باش و اوقات خویش را با تلاوت قرآن، دعا و اذکار سپري کن، و اگر میسر باشد نمازها را در مسجد خیف بخوان. در پایان روز دوازدهم، از مني به سوي مکه حرکت کن و در مسیر راه در محل «وادي مُحَصَّب» که در مَدخلِ مکه بين دو کوه قرار دارد، مقداري توقف کن و در يکي از مساجد آنجا نمازهاي فرضي را بخوان و يا هر مقدار که میسر شد مکث کن سپس به مکه برو.

طواف وداع:

هنگام قصد بازگشت به خانه و پایان مناسک حج، آخرین طواف را که به «طواف وداع» (طواف خداحافظي) معروف است انجام بده در اين طواف، رمل، اضطباع و سعی نیست. بعد از طواف دو رکعت نماز طواف را بخوان و از آب زمزم بنوش و آخرین نگاه‌هايت را بر خانه‌ي کعبه بیفکن، کنار ملتزم بیا و با چسباندن خویش به آن، دعاها و آرزوهای دنیوي و اخروي خویش را به بارگاه خداوند متعال عرضه کن و با اين دعا با خانه‌ي کعبه خداحافظي کن:

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي الْعَوْدَ بَعْدَ الْعَوْدِ، الْمَرَّةَ بَعْدَ الْمَرَّةِ، إِلَى بَيْتِكَ الْحَرَامِ. وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمَقْبُولِينَ عِنْدَكَ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنْ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

زیارت مدینه‌ي منوره و روضه‌ي مطهره:
زیارت مدینه‌ي منوره، مسجد النبی و روضه‌ي مطهره‌ي رسول گرامی اسلام ﷺ از صدر اسلام تا به

حال معمول و مروج بوده و با عث اجر و برکات بی‌شماری است. و مستحب است که با طهارت وارد مدینه‌ی منوره شوی و هنگام مشاهدہی آثار و درختان مدینه این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ هَذَا حَرَمُ نَبِيِّكَ فَاجْعَلْهُ وَقَايَةً لِّي مِنَ النَّارِ وَأَمَاناً مِنَ الْعَذَابِ وَسُوءِ الْحِسَابِ»¹.

هنگام ورود به مسجد النبی این دعا را بخوان:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَسَلِّمْ، رَبِّ اغْفِرْ لِي ذُنُوبِي وَافْتَحْ لِي أَبْوَابَ رَحْمَتِكَ».

هنگام خروج نیز همین دعا خوانده شود و در آخر «و افتح لی أبواب فضلیک» بخوان.

سپس دو رکعت نماز تحية المسجد بخوان آنگاه به سوی حجره‌ی شریفه که در آن، قبر رسول گرامی اسلام ﷺ است برو، و بروی قبر کنار پنجره با ادب و انضباط تمام بایست و بر ایشان با این الفاظ سلام بفرست:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا نَبِيَّ الرَّحْمَةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَفِيعَ الْأُمَّةِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُرْسَلِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَاتَمَ النَّبِيِّينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُزْمِلُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُدَثِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ أَحْمَدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِكَ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ، الَّذِينَ أَذْهَبَ اللَّهُ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرَهُمْ تَطْهِيراً. جَزَى اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ قَوْمِهِ، وَرَسُولاً عَنْ أُمَّتِهِ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ، قَدْ بَلَغْتَ الرِّسَالَةَ وَأَدَّيْتَ الْأَمَانَةَ وَنَصَحْتَ الْأُمَّةَ، وَأَوْضَحْتَ الْحُجَّةَ وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ».

«اللَّهُمَّ أَنْتَ سَيِّدُنَا مُحَمَّدٌ الْوَسِيلَةُ وَالْفَضِيلَةُ وَابْعَثْهُ مَقَاماً مَحْمُوداً الَّذِي وَعَدْتَهُ، وَآتِهِ نَهَايَةَ مَا يَنْبَغِي أَنْ يُسَأَلَ السَّائِلُونَ، اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ، النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ

محمد، وأزواجه وذُرِّيَّته، كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، فِي الْعَالَمِينَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَّجِيدٌ» .

سپس مقداری به سمت راست برو و قبر سیدنا حضرت ابوبکر صدیق رضی اللہ عنہ را زیارت کن و چنین بر وی سلام بفرست:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صَاحِبَ رَسُولِ اللَّهِ فِي الْغَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَفِيقَهُ فِي الْأَسْفَارِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَهِ عَلَى الْأَسْرَارِ، جَزَاً اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ مَا جَزَى إِمَاماً عَن أُمَّةٍ نَبِيِّهِ، لَقَدْ خَلَفْتَهُ بِأَحْسَنِ خِلْفَةٍ، وَسَلَكْتَ طَرِيقَهُ وَمِنْهَاجَهُ، خَيْرَ مَسَلٍ، وَقَاتَلْتَ أَهْلَ الرَّدَّةِ؛ وَالْبِدْعِ، وَمَهَّدْتَ الْإِسْلَامَ، وَوَصَلْتَ الْأَرْحَامَ، وَلَمْ تَزَلْ قَائِماً بِالْحَقِّ نَاصِراً لِأَهْلِهِ، حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، فَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» .

آنگاه مقداری به سمت راست جلوتر برو و قبر سیدنا حضرت عمر فاروق رضی اللہ عنہ را زیارت کن و چنین بر وی سلام بفرست:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُظْهَرَ الْإِسْلَامِ؛ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُكَسِّرَ الْأَصْنَامِ، جَزَاً اللَّهُ عَنَّا أَفْضَلَ الْجَزَاءِ، وَرَضِيَ عَمَّنْ اسْتَخْلَفَ، فَلَقَدْ نَصَرْتَ الْإِسْلَامَ وَالْمُسْلِمِينَ، فَكَفَلْتَ الْأَيْتَامَ وَوَصَلْتَ الْأَرْحَامَ، وَقَوَّيْتَ بِالْإِسْلَامِ، وَكُنْتَ لِلْمُسْلِمِينَ إِمَاماً مَرْضِياً، وَهَادِياً مُهْدِياً، جَمَعْتَ شَمْلَهُمْ، وَأَغْنَيْتَ فَقِيرَهُمْ، وَجَبَرْتَ كَسْرَهُمْ، فَالسَّلَامُ عَلَيْكَ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» .

آداب اقامت در مدینه:

تا زمانی که در مدینه هستی، بکوش تا نمازها را در مسجد نبوی بخوانی زیرا یک نماز در مسجد نبوی بیش از پنجاه هزار نماز دیگر مساجد بجز مسجد الحرام ثواب دارد. خواندن نماز میان حجره شریفه و منبر رسول اکرم صلی اللہ علیہ وسلم نیز ثواب دارد زیرا آنجا قطعه‌ای از بهشت است که به نام «ریاض الجنة» معروف است چنان که در حدیث وارد است:

«مَا بَيْنَ بَيْتِي وَمِنْبَرِي رَوْضَةٌ مِنْ رِيَاضِ الْجَنَّةِ»¹.
«میان خانه و منبر من، باغي از باغهاي بهشت است».

زیارت اماکن خاص در مدینه منوره:
هنگام اقامت در مدینه منوره مستحب است که
اماکن ذیل را زیارت کرد:

1- قبرستان بقیع.
وقتی به آنجا می‌روی چنین بگو:
«السلامُ عَلَیْکُمْ دَارَ قَوْمٍ مُؤْمِنِينَ، وَأَنَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِکُمْ لِأَحَقُّونَ. اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِأَهْلِ بَقِيعِ الْعَرَقَدِ،
اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَلَهُمْ».

«سلام بر شما ای مردم مؤمن، همانا ما - إن شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، شما پیش روان هستید و
ما بعد آینده‌گان، همانا ما نیز - إن شاء الله - به شما ملحق خواهیم شد، خدایا، اهل بقیع غرقه را ببامرز،
خدایا، ما و ایشان را ببامرز».

2- زیارت شهدای احد.
در دامنه‌ی کوه احد شهیدان به خون غلتان غزوه‌ی
احد خوابیده‌اند که در میان شان سید الشهداء
حضرت حمزه عموی رسول اکرم ﷺ نیز حضور دارد به
آنجا برو سلام بگو، و برای آنان که جان‌های خود
را فدای اسلام کردند دعا کن و چنین بگو: ﴿سَلَامٌ
عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعْمَ عُقْبَى الدَّارِ﴾².

3- زیارت مسجد قباء.
مسجد قباء نخستین مسجدی است که در اسلام ساخته
شده و شخص رسول اکرم ﷺ سنگ بنای آن را

1 - رواه البخاری ومسلم.

2 - [گویند: نظر] به بردباریتان سلام بر شما باد، پس جزای آن سرای چه نیک است!.

نهادند و درباره‌ی همین مسجد قرآن می‌فرماید:
 ﴿لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ...﴾
 (سوره توبه / 108).

«به راستی مسجدی که از روز نخست بر تقوی بنیان نهاده شده است سزاوارتر است که در آن بایستی». به آنجا برو دو رکعت نماز تحية المسجد در آن بخوان و دعا کن. رسول اکرم ﷺ هر هفته روز شنبه به آنجا می‌آمدند و دو رکعت نماز در آن می‌گزاردند¹.

وداع با مدینه:

هنگام بازگشت از مدینه به مسجد النبی برو و دو رکعت نماز در آن بخوان و سپس بر روضه حضرت رسول اکرم ﷺ حضور پیدا کن و چنان که قبلاً ذکر شد بر ایشان سلام بفرست و در آنجا دعا بکن و در آخر این دعا را بخوان:
 «اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْهُ آخِرَ الْعَهْدِ بِحَرَمِ رَسُولِكَ، وَسَهِّلْ لِي الْعَوْدَ إِلَى الْحَرَمَيْنِ سَبِيلاً سَهْلَةً، وَارْزُقْنِي الْعَفْوَ وَالْعَافِيَةَ فِي الْآخِرَةِ وَالْدُّنْيَا، وَرُدَّنَا إِلَيْهِ سَالِمِينَ غَانِمِينَ».

و هنگام خروج از مدینه بعد از خواندن دعای سفر، آیه الكرسي و معوذتین، این دعا را بخوان، زیرا رسول اکرم ﷺ آن را خوانده‌اند:
 «أَيُّونَ، تَائِبُونَ، عَابِدُونَ، سَاجِدُونَ، لِرَبِّنَا حَامِدُونَ، صَدَقَ اللَّهُ وَعْدُهُ، وَ نَصَرَ عَبْدُهُ، وَ هَزَمَ الْأَحْزَابَ وَحْدَهُ»².

1 - صحیح بخاری باب اتیان مسجد قباء.

2 - یعنی: «توبه کنان، عبادت کنان و حمدگویان برای پروردگارمان، باز می‌گردیم، خداوند وعده‌اش را تحقق بخشید، بنده‌اش را نصرت کرد و به تنهایی گروه‌ها را شکست داد».

عمره و چگونگی ادای آن:
عمره نیز اجر و ثواب زیادی دارد چنان که رسول اکرم ﷺ فرموده اند:
«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: الْعُمْرَةُ إِلَى الْعُمْرَةِ كَفَّارَةٌ لِمَا بَيْنَهُمَا، وَالْحَجُّ الْمَبْرُورُ لَيْسَ لَهُ جَزَاءٌ إِلَّا الْجَنَّةُ»¹.

از حضرت ابو هريره ؓ روایت است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «تمام گناهانی که بین فاصله‌ی زمانی دو عمره انجام گیرند، عمره‌ی بعدی نابود کننده‌ی آن گناهان است و پاداش حج مبرور فقط بهشت است».

وَعَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «عُمْرَةٌ فِي رَمَضَانَ تَعْدِلُ حَجَّةً»². و لمسلم: «تَعْدِلُ حَجَّةً أَوْ حَجَّةً مَعِيَ».

از حضرت عبدالله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که پیامبر اکرم ﷺ فرمودند: «ثواب یک عمره در رمضان با یک حج برابر است و در یک روایت برابر با حجی است که همراه با من ادا شود».

زمان عمره:

عمره در تمام سال جایز است البته در ماه مبارك رمضان ثواب بیشتری دارد و در پنج روز: نهم، دهم، یازدهم، دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه عمره جایز نیست.

فرائض عمره:

در عمره دو چیز فرض است:

1 - أخرجه البخاری فی باب العمرة: 2 / 3 و مسلم فی فضل الحج والعمرة: 4 / 107.

2 - أخرجه البخاری فی عمرة رمضان: 3 / 3 و مسلم: 4 / 62.

1- احرام.

2- طواف.

واجبات عمره:

در عمره دو چیز واجب است:

1- سعی بین صفا و مروه.

2- تراشیدن و یا کوتاه کردن موها.

بقیه اعمال در عمره سنت و آداب اند.

چگونگی ادای عمره:

از میقات یا قبل از آن به روشی که در بحث حج بیان شد، احرام ببند وقتی به خانه‌ی کعبه رسیدی آن را با رمل و اضطباع طواف کن (به ترتیبی که قبلاً بیان شد)¹. پس از طواف و خواندن دو رکعت طواف و نوشیدن آب زمزم، میان صفا و مروه سعی کن (به طریقی که قبلاً ذکر گردید) بعد از پایان سعی، موهای سرت را بتراش و یا کوتاه کن پس از تراشیدن سر و یا کوتاه کردن موها خودت را از احرام خارج کن و این یک عمره به حساب می‌آید.

تا زمانی که در مکه‌ی مکرمه هستی می‌توانی عمره‌های متعددی انجام بدهی و هر قدر طواف که بخواهی بجا آوری.

در دوران اقامت در مدینه‌ی منوره روزه‌ی مطهره رسول اکرم ﷺ، شهدای احد و مسجد قبا را به تفصیلی که در بحث حج بیان شد، زیارت کن.

طواف «قدوم» و طواف «وداع» بر عمره کننده لازم نیست زیرا این دو طواف مختص اعمال حج هستند.

هَدی:

«هَدی» به آن گوسفند، گاو و شتری گفته می‌شود که در حرم ذبح شود.

شرایط هَدی همان شرایط قربانی است یعنی: گوسفند حداقل یک ساله، گاو دو ساله و شتر پنج ساله باشد برهه‌ی بالاتر از شش ماه که چاق باشد و با گوسفند یک ساله تفاوتی نداشته باشد نیز جایز است.

هَدی تمتع، قرآن و نافله در روزهای عید بعد از رمی جمره‌ی عقبه ذبح می‌شود و تمام هدایا باید در محدوده‌ی حرم ذبح شوند.

مستحب است که صاحب هَدی از گوشت آن بخورد. البته استفاده از هَدی جنایات (گوسفند، گاو و یا شتری که به عنوان جریمه بر حاجی لازم شده‌اند) برای صاحب آن و نیز برای افراد غنی جایز نیست.

انواع هَدی:

هَدی بر چهار قسم است:

1- هَدی نافله.

که حاجی یا عمره کننده بدون جهت خاصی صرفاً برای رضای خداوند متعال ذبح می‌کند و برای هر حاجی و هر عمره کننده‌ای که توان خرید آن را داشته باشد مستحب است که به عنوان پیروی از سنت رسول اکرم ﷺ آن را ذبح کند.

زیرا که آن حضرت ﷺ در حجة الوداع یکصد شتر هَدی ذبح کردند¹.

2- هَدی واجب.

هدیه است که به عنوان شکرانه‌ی توفیق ادای حج بر حاجی متمتع و قارن واجب می‌شود.

3- هدیه واجب جریمه.

هدیه است که پس از ارتکاب ممنوعات حج به عنوان جریمه و «دم جبران نقصان» بر حاجی و یا عمره کننده لازم می‌شود.

استفاده از این هدیه برای حاجی و یا افراد غنی جایز نیست بلکه باید آن را بر فقرا صدقه کرد.

4- هدیه نذر.

آن هدیه است که حاجی در آنجا نذر می‌کند. استفاده از این هدیه نیز برای نذر کننده و افراد غنی جایز نیست.

جنایات و جریمه‌های آن:

جنایت در حج عبارت است از:

«ارتکاب عملی از اعمال ممنوع در حج و یا ترك واجب از واجبات آن».

جنایت بر دو قسم است:

1- جنایت در حرم.

2- جنایت در احرام.

جنایت در حرم این است که کسی به صید حرم مستقیماً یا با اشاره و راهنمایی تعرض کند یا درختان و نباتات حرم را با قطع کردن و یا از بیخ برکندن مورد تعرض قرار دهد که در این صورت مرتکب این عمل چه فرد محرم چه غیر محرمی باشد جریمه می‌شود و این عمل او «جنایت» محسوب می‌شود.

جنایت در احرام این است که شخص محرم در حال احرام مرتکب عملی از ممنوعات حج شود و یا عمل

واجبی از واجبات حج را ترك کند.

جنایت در احرام بر شش قسم است:

اول- جنایتي که حج را فاسد می‌کند و با جریمه جبران نمی‌شود مانند: جماع قبل از وقوف عرفه.

دوم- جنایتي که جریمه‌ي آن يك شتر و يك گاو است و این در دو حالت است:

الف: جماع بعد از وقوف قبل از حلق.

ب: طواف زیارت در حالت جنابت.

سوم- جنایتي که جریمه‌ي آن يك گوسفند و يا يك هفتم گاو و يا شتر است و این در موارد ذیل لازم می‌شود:

1- پوشیدن لباس دوخته شده بدون عذر شرعي.

2- دور کردن موهاي سر و ریش بدون عذر.

3- پوشیدن چهره يك روز کامل.

4- چیدن ناخنهاي يك دست و يك پا.

5- ترك طواف صدر.

6- ارتکاب مقدمات جماع.

7- بوي خوش زدن به يك عضو کامل از اعضاي بدن مانند: سر، صورت، ران، ساق و بازو و نیز پوشیدن لباسي که بوي خوش به آن زده شده است.

چهارم- جنایتي که جریمه‌ي آن صدقه است به اندازه‌ي نصف صاع (250/2) کیلوگرام) گندم و يا قيمت معادل آن و این در موارد زیر است:

1- تراشیدن کمتر از يك چهارم سر يا کمتر از يك چهارم ریش.

2- گرفتن ناخن يك انگشت و يا دو انگشت.

3- بوي خوش زدن به کمتر از يك عضو.

4- پوشیدن لباس دوخته شده و يا بوي خوش زده شده کمتر از يك روز کامل.

5- پوشیدن سر و يا صورت کمتر از يك روز.

6- بجا آوردن طواف قدوم و يا طواف صدر با بي‌وضويي.

7- ترك رمي يك سنگريزه از يكي از جمرات.
پنجم - جنايتي كه جریمه‌ي آن كمتر از نصف صاع
 صدقه است و اين در صورتي است كه شپش و يا
 ملخي را به قتل رساند.
ششم - جنايتي كه جریمه‌ي آن قيمت معادل لازم است
 و اين در صورتي است كه صيد بياباني در حرم
 كشته شود و يا در كشتن آن مشاركت داشته باشد
 در اين صورت قيمت آن لازم است چه صيد حلال باشد
 و چه صيد حرام.
 اللهم وفقنا كرة بعد كرة لزيارة بيتك المكرم.
 ومن الله التوفيق وعليه التوكل والاعتماد.
 ابو الحسين عبدالمجيد مرادزهي خاشي
 زاهدان 7/10/1383 - مطابق با 15 ذي قعدة 1425 هـ.
 ق.